داستانهايى از پوشش و حجاب

نويسنده : على ميرخلف زاده

## مقدمه

خداوند متعال دين مقدس اسلام را براى سعادت و خوشبختى انسانها نازل فرموده و عفت و پاكدامنى را با آفرينش زن به هم آميخته و با آفرينشصلى‌الله‌عليه‌وآلهاو صلاح و خير جامعه را در نظر گرفته و طبعا براى او سهم به سزايى مقرّر فرموده بلكه گاهى به او نظر ويژه اى عنايت كرده و قوانين مخصوصى برايشان وضع نموده و يك سوره خاصى را به نام سوره نساء در قرآن كريم نازل فرموده است .

در سوره هاى ديگر قرآن ، نيز كرارا به مسائل حياتى بانوان پرداخته و به خاطر اختلاف ميان دو جنس زن و مرد از نظر روحى و جنسى ، قوانين ويژه اى بيان فرموده و مسئله حجاب و پوشش در رأ س و پيشاپيش آن قانون قرار گرفته شده تا عفت برونى زن با عفت درونى او هماهنگ گردد و بنيان خانواده مستحكم گرديده و زيبايى و دلارايى زن از آن همسرش باشد و ديگران از آن بهره نگيرند.

در قرآن مجيد بسيار به مسأ له پوشش و حجاب اشاره فرموده و اين همه سفارش و تأ كيد به خاطر اهميت داشتن حجاب و پوشش در زندگى زن است .

مطلب قابل توجه اين است كه اسلام دشمنان بسيارى دارد و به خاطر از بين بردن اين دين حاضر، دست به هر توطئه و كشتارى بزند تا اجتماع اسلام را از آن منحرف نمايد.

مردم مذهبى ما بايد آگاه باشند كه توطئه هاى استعمارگران و دشمنان اسلام هميشه به يك نحو نبوده و به خاطر تأ مين منافع خودشان گاهى به قتل و غارت و گاهى با اشغال نظامى و زمانى به تاراج اقتصادى دست مى زد، ولى امروز استعمار جديد و نو دين و عقايد و آداب و فرهنگ ملتها را مورد هدف قرار داده و در صدد تحقير و از هم پاشى آن بر آمده و به اين صورت فرهنگ مبتذل خودش را بر مردم تحميل نمايد، و در صورت موفقيت علاوه بر بردگى فرهنگى و سلطه سياسى و تاراج اقتصادى و عوارض نامطلوب اجتماعى و در يك كلام سلطه همه جانبه استعمار مردم را از خدا و دين و ولايت منحرف نمايد.

دشمنان اسلام به قانون حجاب ايراد گرفته اند و در پوشش طرفدارى از مقام زن ، حجاب را نوعى تحقير و پائين آوردن شخصيت زن قلمداد نموده اند و گفته اند كه زن در حجاب نوعى محدوديت است و نمى گذارد آنطور كه شايسته است به كمال و رشد و ترقى برسد.

اين ياوه سرائيها از اين افراد منحرف عجيب نيست ، زيرا كه اين به صلاح طرفداران آزادى زنان ، به عمق و حكمت قانون حجاب پى برده اند، ولى به علت داشتن سوء نيت خواسته اند كه با جلوه دادن نظريات پليدشان زنان را از داشتن حجاب بر كنار نمايند كه ما به فضل و عنايات خدا و امام زمان (عليه‌السلام) آنها را در اين كتاب رسوا كرده ايم .

آنها مى كوشند در وسائل ارتباط جمعى مختلف ، از قبيل مجلات ، راديو و تلويزيون و ماهواره و غيره ... پوشش و حجاب زنان را زير سؤ ال قرار دهند و توجيح نمايند و آئين حجاب را زشت جلوه دهند و در نتيجه زنان را به فساد و تباهى بكشانند، ليكن در برابر اين نوع تبليغات زهرآگين بر زنان مسلمان واجب است كه به حجاب پايبند باشند، و اين دستور مقدس اسلام را قولا و عملا در همه جا تبليغ نمايند.

مردم مسلمان ايران هوشيار و بيدار باشند و عمق فاجعه را متوجّه گردند، زيرا استعمار از هر طريقى كه خواست به اين نظام مقدس اسلامى ضربه وارد كند همانطورى كه عرض كردم با جنگ و فشارهاى اقتصادى و... با شكست مواجه گرديد ولى امروز استراتژى استكبار جهانى با ترويج فرهنگ فساد و بدحجابى در بين زنان و دختران بدين وسيله مى خواهد جوانان ما را از معنويت و روح ايمان دور و زمينه گرايش به مظاهر مبتذل غرب را به ما تحميل نمايد تا به تدريج جامعه اسلامى را از درون بپوشاند.

اين كتاب كوشش مختصرى از منافع و خوبيهاى پوشش و حجاب و زيانهاى مفاسد بى حجابى و بدحجابى را به صورت داستان بيان مى كند تا رفع شبهات و روشنگرى بانوان تحصيل كرده گردد.

اين اوراق را به ساحت قدس عالم امكان امام زمان (عج) هديه مى نمايم و ثواب آن را به روح شهدا و علماء دين و خدمتگزاران به دين و قرآن و مملكت و امام راحلمان (ره) و برادر شهيدم شيخ احمد ميرخلف زاده نثار مى نمايم . و سلامتى امام زمان و ملّت ولايى و رهبر عزيز انقلاب اسلامى را از خداوند متعال خواستارم .

قم مقدسه : ١٤/١٢/٧٨

حقير درگاه حق على ميرخلف زاده

## حجاب فرمان خداست

حجاب فرمان خداست و پروردگار متعال در قرآن كريم در مورد واجب بودن حجاب و حدود آن در پنچ آيه صريحا دستور فرموده ، ولى در مورد حفظ عفّت و پاسدارى از حريم آن در قرآن بيش از ده آيه وجود دارد. (كه در كتاب حجاب و عفاف بحث خواهد شد، انشاءاللّه .)

آياتى كه به طور صريح اصل حجاب را براى زنها واجب و لازم و ضرورى دانسته پنج آيه مى باشند كه عبارتند از آيه ٣٠ سوره نور، و آيه ٥٩ و ٥٣ و ٣٣ و ٢٣ سوره احزاب كه به ترتيب به بررسى آنها مى پردازيم .

در آيه ٣٠ سوره نور مى خوانيم :

اى پيامبر! به بانوان با ايمان بگو چشمهاى خود را (از نگاه كردن به نامحرمان) فرو بندند و عورتهاى خود را بپوشانند، و زينت هاى خود را جز آن مقدارى كه نمايان است ، آشكار نسازند و با روسرى و چادر، سر و گردن و سينه و اندام خود را بپوشانند و زينت و (برجستگيهاى اندام) خود را هم از زير چادر ظاهر نكنند، مگر براى شوهرانشان و پدرانشان و پدرشوهرانشان و پسرانشان و پسران همسرانشان و برادرانشان و پسر برادرانشان و پسران خواهرانشان و زنانِ هم مذهبشان و كنيزانشان و مردانيكه به هر دليل تمايلى به زن ندارند و كودكانى كه از امور جنسى بى اطلاعند (غير از مميّزين). و پاهاى خود را به زمين نكوبند تا زينتهاى پنهانشان ظاهر شود و همگى به سوى خدا توبه كنيد اى مؤ منان ، باشد كه رستگار شويد. (١)

## حجاب در كتاب آسمانى

دومين آيه اى كه بر وجوب رعايت حجاب براى زنان در برابر نامحرمان ، دلالت صريح مى كند، آيه ٥٩ سوره احزاب است كه مى خوانيم :

اى پيغمبر! به همسران و دخترانت و بانوان مومن بگو: با روپوشها و روسرى ها و چادرها و جلبابها خود را بپوشانند. زيرا اين كار (چادر پوشيدن ) موجب مى شود كه بهتر به عفت شناخته شوند، و مورد آزار و تعرض هوسرانان قرار نگيرند. (و اگر تاكنون خطا و كوتاهى از آنها سر زده توبه كنند، زيرا) خدا همواره آمرزنده ، و مهربان است .

اين آيه نيز به اصل وجوب حجاب براى بانوان ، تصريح نموده است و در پايان به يكى از فلسفه هاى حجاب كه عدم آزار از ناحيه مزاحمها است اشاره كرده است .

مى توان گفت : اين آيه در قرآن جامع ترين آيه در حفظ حجاب و حريم عفّت است ، به خصوص با توجه به آيه قبل از خود، و آيه بعد كه شديدترين هشدارها را به متجاوزين حريم عفّت داده است .

در اين آيه دو مطلب در مورد حجاب هست كه با بررسى آن دو حقيقت مطلب آشكار مى گردد، يكى آنكه منظور «كلمه يُدني نَ» چيست و دوم آنكه منظور از «جلباب» چه مى باشد؟ «يُدْنِينَ» در اصل از «دُنُوّ» به معنى نزديك كردن است ، منظور از آن در اين آيه اين است كه زنان بايد لباس حجاب «مثلا چادر» را از خود دور نسازند، و صورت و بدن خود را به وسيله آن بپوشانند.

علاّمه شهيد مطهّرى در توضيح اين مطلب مى نويسد:

استفاده : زنان از روپوشهاى بزرگ كه بر سر افكنده اند، دو جور بوده است ، يك نوع صرفا جنبه تشريفاتى و اسمى داشته است ، همانگونه كه در عصر حاضر بعضى از بانوان چادرى را مى بينيم كه چادر داشتن آنها صرفا جنبه تشريفاتى دارد، با چادر هيچ جاى بدن خود را نمى پوشانند، بلكه آن را رها مى كنند، وضع چادر بر سر كردنشان نشان مى دهد كه اهل پرهيز از معاشرت با مردان نامحرم نيستند، و از اينكه مورد بهره بردارى چشمها قرار بگيرند، امتناعى ندارند.

نوع ديگر بر عكس بوده و هست ، زن آن چنان با مراقبت لباسها و چادر خود را مى گيرد و آن را رها نمى كند كه نشان مى دهد كه اهل عفاف و حفاظ است ، و اين كار نيز خود به خود آژير دور باشى براى دزدان ناموس ايجاد مى كند و ناپاك دلان را مايوس مى سازد)

نتيجه اينكه جمله «يُدني نَ» بيانگر آن است كه از پوشش بايد به صورت صحيح استفاده شود، و آن را جّدى گرفت ، نه صورى و تشريفاتى ، و گرنه چه بسا بعضى از پوششها - حتّى مثل چادر - به خاطر رها نمودن آن ، همچون ويترينهاى مغازه ها، هيجان انگيزتر شده ، و نبودش بهتر از بودنش است .

جمله «جلباب» جامه گشادى است كه از روسرى بزرگتر و از عبا كوچكتر است . و يا پيراهن و يا جامه اى گشاد و بزرگى است كه از ملحفه ، (ملافه يا روپوش بزرگى همانند چادر است) كه زنان به وسيله آن (بنا به تفسير الميزان) صورت و گردن و جامه هاى خود را مى پوشانند...

نتيجه اينكه آيه مذكور مى گويد: زنان بايد با پوششى گشاد و وسيع سر و سينه خود را (تا پا) به خوبى بپوشانند، به گونه اى كه موجب تهيج هوسبازان ، و به دنبال آن مورد مزاحمت آنها قرار نگيرند، بنابر اين زنان مسلمان ، براساس اين آيه ، نبايد با لباسهاى چسبان ، در برابر چشم مردم ظاهر شوند. (٢)

اصلا: فلسفه حجاب و پوشش ، بيشتر از اينرو است كه باعث تهيج مردان و جوانان و فساد و گسترش فحشا نگردد.

## حجاب در قرآن

سومين آيه اى كه حجاب را براى عموم بانوان واجب و ضرورى دانسته آيه پنجاه و سه سوره احزاب است كه فرموده : هر گاه از زنان (پيامبر) متاعى يا چيزى را از وسايل زندگى خواستيد از پس پرده و حجاب بخواهيد زيرا اين كار براى قلبهاى شما و ايشان پاك و پاكيزه و بهتر است .

اين آيه نيز اختصاص به زنان پيامبر دارد زيرا يكى از فوائد حجاب عدم ارتباط غير ضرورى زن و مرد را متذكر مى شود.

چهارمين و پنجمين آيه حجاب ، آيه ٣٢ و ٣٣ سوره احزاب است كه مى خوانيم :

اى همسران پيامبر شما مثل زنهاى معمولى نيستيد، تقوا پيشه كنيد، و به طور هوس انگيز حرف نزنيد تا بيمار دلان در شما طمع كنند و سخن شايسته بگوئيد و در خانه هاى خود بمانيد و مثل دوران جاهليت ميان مردم ظاهر نشويد.

دو آيه فوق گرچه خطاب به زنان پيامبر اكرم (صلى‌الله‌عليه‌وآله) است ، ولى بانوان ديگر نيز در حكم و معنا با آنها شريك هستند، و راز خطاب به آنها به خاطر الگو قرار دادن آنها است و بخاطر تاكيد بيشتر است . مثلا بقول خودمان به در مى گويند كه ديوار بشنود، والا بانوان پيغمبر مبرّا هستند...

در آيه نخست به يكى از دستورهاى حفظ حريم عفّت دستور داده شده كه زنان با ناز و كرشمه و صداى نرم و تهيج انگيز سخن نگويند، تا كسانيكه دلشان بيمار است به طمع هوسهاى جنسى بيفتند، بلكه به خوبى و شايستگى سخن بگويند.

در آيه دوم سخن از حجاب و پوشش به ميان آمده و بيانگر آن است كه برهنگى و رعايت نكردن حجاب از شئونات عصر جاهليّت بوده و شما باهتك حريم حجاب ، جاهليت ديگرى بوجود نياوريد.

واژه «تبرج» در گفتار اهل لغت به معنى (خود نمايى و جِلوه گرى است .

در لغتنامه مصباح المنير آمده : تبرج زن يعنى : زن زينتها و زيباييهاى خود را براى نامحرمان ظاهر سازد و در لغتنامه «العين» آمده : زنى كه زيباييهاى گردن و چهره اش را به نامحرمان نشان دهد تبرّج نموده است .

منظور اينكه اين آيه به بانوان تاكيد مى كند كه حريم حجاب و عفّت خود را حفظ و زيباييهاى اندامشان را ظاهر نسازند، و از خودنمايى و جلوه گرى به طور جدّى خود دارى نمايند و جاهليت ديگرى همچون جاهليت عصر پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله ر**ا** كه زنان در آن هنگام رعايت حجاب نمى كردند و با جلوه گرى در برابر ديدگان هوس آلود مردان ظاهر مى شدند به وجود نياورند.

بنابر اين در منطق قرآن ، بى بند و بارى زنان ، و بى حجابى و بدحجابى آنها، نه تنها تمدّن و نشانه ترقى و رشد نيست ، بلكه يك نوع واپس گرايى و جاهليت و پستى است و بايد به شدّت با آن مبارزه نمود.

نتيجه اينكه زن مسلمان و پيرو قرآن و شيعه و اهلبيتى و ولائى ، در گفتار و رفتار و لباس پوشيدن ، نبايد در نزد نامحرمان خود را برجسته نشان دهد و موجب جلب توجّه آنها به خود گردد، و اگر خود را برجسته و جالب نشان دهد، مثل زنان جاهليت رفتار كرده كه در كوچه و بازار به گونه اى راه مى رفتند كه نامحرمان را به سوى خود جلب كرده و به دنبال خود مى كشاندند. (٣)

## حجاب و عفت

در قرآن ، غير از اين پنج آيه اى كه صراحتا بر وجوب حجاب داشت و ذكر شد، آيات متعدد ديگرى وجود دارد كه مفهوم آنها بر واجب و ضرورى و لازم بودن حجاب دلالت مى كند و در مورد آنانكه حريم حجاب و عفاف را رعايت نمى كنند و يا زمينه ساز براى تهيّج هوسهاى آلوده و هر گونه بى عفّتى هستند هشدار مى دهد و اخطار مى كند، و به طور كلى پيام دهنده آن است كه هر گونه بدحجابى كه موجب فساد و انحراف جنسى و آلودگى ، چشم چرانى و امور خلاف عفّت گردد، از نظر اسلام ممنوع است .

مثلا خداوند متعال در سوره ٣١ سوره نور به پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمان مى دهد كه به زنان با ايمان بگو حجاب خود را رعايت كنند و مى فرمايد وَ لا يَضْربْنَ بِاَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ م ا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ

بايد بانوان ، طورى راه نروند تا زينت پنهانيشان آشكار شود.

منظور از اين آيه ، اين است كه نبايد بانوان در هنگام راه رفتن ، پاهاى خود را چنان بر زمين بكوبند كه صداى خلخالهايشان به گوش برسد و همچنين به گونه اى با (طق و طوق) راه نروند كه زينت هاى مخفى آشكار گردد اين باريك بينى اسلام براى حفظ حريم عفاف جامعه است .

اين مطلب بيانگر آن است كه اسلام به قدرى در مورد حفظ حريم عفت ، پافشارى مى كند كه حتى اجازه چنين كارى را نمى دهد، بنابر اين به طريق اولى انجام هر گونه عواملى را كه آتش شهوت جوانان را شعله ور مى سازد اجازه نخواهد داد.

نتيجه اينكه : هر گونه نشر عكسها، رمانهاى عشقى و فيلمهاى تحريك آميز و نشان دادن صورت و دستهاى آرايش شده و بَزَكْ كرده و لاك ماليده ممنوع است ، و مردان و زنان بايد از هر گونه عواملى كه در آن (ريبه) است يعنى ترس سوق دادن به سوى انحراف جنسى و تهيّج هوسهاى آلوده است پرهيز نمايند.

بنابر اين اگر چهره زنان هم در بعضى از موارد موجب بر انگيختن هوسهاى آلوده گردد، بايد از آشكار كردن آن پرهيز نمود. (٤)

## حجاب از نظر پيغمبر (صلى‌الله‌عليه‌وآله)

حضرت رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله در ضمن گفتارى فرمود: دو دسته اهل دوزخ هستند و حتى بوى بهشت (كه تا پانصد سال راه به مشام مى رسد) به مشام آنها نخواهد رسيد.

١ - ستمگرانِ تازيانه به دست كه با تازيانه مردم را بى خودى مى زنند.

٢ - زنان بدحجاب و برهنه اى هستند كه با زرق و برق ، خود را به مردم نشان داده و هوسهاى آنها را به سوى خود جذب مى كنند، موهاى سرشان همچون كوهانهاى شتر سبكسر عربى است . (٥)

و فرمود: زنى كه از خانه اش در حالى كه خود را آراسته و بزك كرده و عطر زده (بى آنكه پوشش اسلامى را رعايت كند) خارج گردد، و شوهرش به اين كار راضى باشد.

(گناه آن به قدرى بزرگ است كه) براى هر گامى كه آن زن در بيرون خانه برمى دارد، خانه اى در دوزخ براى شوهرش ساخته مى شود. (٦)

و نيز فرمودند:

زن بى حفاظ، آسيب پذير است ، هر گاه از خانه (بدون حجاب) خارج شد، شيطان او را احاطه مى كند و در چشم انداز نفوذ شيطان قرار مى گيرد. (٧)

و نيز فرمودند: با خواندن سوره نور(و توجّه و عمل به دستورهاى آن) زنان خود را (از بى عفتى و دورى از حريم حجاب) حفظ كنيد. (٨)

و نيز فرمودند: زنى كه خود را براى ديگران خوشبو كند او خود در آتش است و ننگ محسوب مى گردد. (٩)

و نيز فرمودند: وقتى زنى در جائى بنشست و از آنجا برخاست نبايد مردى در آن مكان بنشيند تا آنكه گرمى آن از بين برود و سرد شود. (١٠)

ونيز فرمودند: هركس با زنى كه محرم او نيست مصافحه كند غضب حق تعالى را براى خود خريده است . (١١)

و نيز فرمودند:هر كس بطور حرام با زنى مصافحه كند يعنى به او دست بدهد روز قيامت در غّل و زنجير بسته و سپس به آتش انداخته خواهد شد. (١٢)

و نيز فرمودند: براى زن سزاوار نيست كه هنگام بيرون رفتن از خانه اش لباسهايش را به خودش بچسباند كه برجستگى هاى اندامش از بيرون ظاهر گردد. (١٣)

پيامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمودند:

يا فاطمه هر زنى كه خود را زينت كند و لباسهاى زيبايش را بپوشد و از خانه خارج شود كه مردم به او نگاه كنند، ملائكه آسمانها و زمينهاى هفتگانه او را لعنت مى كنند و پيوسته مورد غضب الهى است و اگر بميرد دستور داده مى شود او را بسوى آتش جهنم ببرند. (١٤)

و نيز فرمودند:

اى سلمان در آخر زمان مردها به مردها وزنها به زنها بسنده كنند، لواط رايج مى شود و هم جنس بازى فراوان گردد و آثار شوم آن مانند مرض«ايدز» دنيا را فرا مى گيرد و مردها شبيه به زنها و زنها شبيه به مردها مى شوند و زنان و دختران سوار «زين» (مانند دوچرخه و موتور) مى شوند، بر اينگونه زنان از امت من لعنت خدا باد. (١٥)

و نيز فرمودند:

در آخر زمان زنها پوشيده و برهنه هستند (لباسى مى پوشند كه در ايجاد فساد با برهنه بودن تفاوتى ندارند، يعنى برجستگى هاى اندامشان از زير لباس ظاهر است). روسرى هايشان را مثل كوهان شتر درست مى كنند، لعنت كنيد ايشان را كه آنها ملعونند. (١٦)

حضرت رسول صلى‌الله‌عليه‌وآله خطاب به حولاء همسر عطاره ، مى فرمايند:

اى حولاء زينت خود را براى غير شوهرت آشكار نكن و براى زن جايز نيست مچ و پايش را براى مرد نامحرم آشكار سازد و اگر مرتكب چنين عملى شد.

اول اينكه : خداوند سبحان هميشه او را لعنت مى كند.

دوم اينكه : دچار خشم و غضب خداوند بزرگ مى شود.

سوم اينكه : فرشتگان الهى هم او را لعنت مى كنند.

چهارم : عذاب دردناكى براى او در روز قيامت آماده مى شود.

اى حولاء هر زنى كه به خداوند سبحان و روز قيامت ايمان دارد زينتش را براى غير شوهرش ظاهر نمى كند و همچنين موى سر و مچ خود را نمايان نمى سازد و هر زنى كه اين كار را براى غير شوهرش انجام دهد دين خود را فاسد كرده و خداوند را نسبت بخود خشمگين نموده است . (١٧)

## حجاب از نظر على عليه‌السلام

حضرت اميرالمومنين على عليه‌السلام در ضمن فرمايشاتشان به فرزندش امام حسن عليه‌السلام مى فرمايد: در مورد حجاب بانوان سختگير باش ، چرا كه رعايت حجاب به طور جدّى و محكم ، زنان را به سالمتر و پاكيزه ، حفظ خواهد كرد. (١٨)

و نيز فرمودند:

پوشيدن لباس ضخيم بر شما لازم است ، زيرا كسى كه لباسش نازك و بدن نما باشد، دينش نيز ضعيف و نازك است . (١٩)

و نيز فرمودند: شوهرى كه از همسرش اطاعت كند، خداوند او را از جانب صورت به طور واژه گونه وارد دوزخ گرداند.

شخصى پرسيد: اين اطاعت كه موجب چنين مجازاتى است كدام اطاعت است ؟

حضرت فرمودند: زن از او مى خواهد كه با لباس نازك (به مراكز پر جمعيت مانند) حمّامها و عروسيها و مجالس ترحيم برود، و شوهرش ، به او اجازه دهد و از سخن او اطاعت كند.» (٢٠)

(زيرا عدم كنترل اين قبيل مراكز عمومى با موازين شرعى و اخلاقى ، جايگاهى براى فساد خواهد شد)

و نيز فرمودند:

پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآله نهى كرد، زنى را كه براى غير شوهرش آرايش نمايد و اگر چنين كند بر خداوند سزاوار است كه او را در آتش دوزخ بسوزاند. (٢١)

اميرمومنان على عليه‌السلام در يكى از فرمايشاتشان به همين مطلب اشاره و نيز فرمودند:

در آخرالزمان كه بدترين زمانها است ، زنان بى حجاب و برهنه آشكار مى شوند كه با زينت و آرايش بيرون مى آيند، آنان از مرز دين خارج شده اند و در فتنه ها وارد گشته اند و به سوى شهوتها تمايل و شتاب دارند،

حرامها را حلال مى كنند و سرانجام در جهنم و دوزخ گرفتار آتش و عذاب ابدى خواهند شد. (٢٢)

از اين فرمايشات هشدار دهنده شش مطلب مهم زير فهميده مى شود:

١ - آن زمانى كه زنان رعايت حريم حجاب و عفاف نكنند، بدترين زمانها است .

٢ - زنانى كه با آرايش و نمايش از خانه بيرون مى آيند و سنگر عفّت را بشكنند، از دين خارج شده اند و در مقابل دين قرار گرفته اند.

٣ - اين گونه زنان در فتنه ها وارد شده اند و موجب فتنه ها و انحرافها و گناهان خواهند شد.

٤ - اين گونه زنان گرايش به هوسهاى شهوت انگيز دارند، شهوت پرستى بر آنها حاكم است نه عقل و منطق .

٥ - اين گونه زنان حرامهاى الهى را حلال كرده و با بى بند و بارى خود، حدود الهى و مرزهاى دينى را زير پا مى گذارند، و موجب افزايش فساد مى شوند.

٦ - سرانجام اين گونه بانوان ، عذاب ابدى در دوزخ خواهد بود.

آرى آنانكه حريم حجاب و عفّت اسلامى را رعايت نمى كنند، اين گونه موجب انحرافها و پليديها شده ، و موجب گسترش دامنه فساد مى گردند و سرانجام ، خود نيز در ميان دنياى جهنمى خود مى سوزند و زندگى پوچشان ، به عذاب ابدى الهى مى پيوندد. (٢٣)

## حجاب از نظر ائمه

امام صادق عليه‌السلام فرمود:

براى زن هنگام خروج از خانه شايسته نيست كه لباسش را خوشبو كند. (٢٤)

امام موسى بن جعفر عليه‌السلام بنقل از پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمودند: هر كسى به خدا و روز قيامت ايمان دارد، هرگز در جائى نمى ماند كه نفس زن نامحرمى را بشنود. (٢٥)

امام باقر عليه‌السلام فرمودند: جايز نيست زن خود را شبيه مرد نمايد. زيرا پيامبر مردانى را كه مشابه زنان مى شوند و همچنين زنانى كه خود را شبيه مردها قرار مى دهند لعنت كرده است . (٢٦)

## عذاب زنان

آقا سيدالمظلومين اميرالمومنين حضرت على عليه‌السلام فرمود:

يك روز من و سيّده زنان عالم حضرت فاطمه زهرا عليها‌السلام بر حبيب خدا حضرت پيغمبر اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله وارد شديم و آن بزرگوار را در حالى ديديم كه شديدا گريه مى كرد.

به آن حضرت عرض كردم : پدر و مادرم فدايت شوند، يارسول اللّه ، چه شده ؟! چه چيزى شما را به گريه درآورده ؟

آن حضرت فرمود: ياعلى شب معراج وقتي كه به آسمان رفتم ، زنان امتم را در عذاب شديد مشاهده كردم . بخاطر آن شدت عذابها گريان و نالان شده ام .

حضرت فاطمه زهرا عليها‌السلام فرمود: مگر چه ديديد كه اينقدر متأ ثر و گريان شده ايد؟!

حضرت رحمه للعالمين صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

١ - زنى را ديدم كه به مويش آويزان كرده بودند، در حاليكه مغزش صلى‌الله‌عليه‌وآله ميجوشيد.

٢ - زنى را مشاهده كردم كه به زبانش آويزانش كرده بودند، و از حميم جهنم در حلقش مى ريختند.

٣ - زنى را ديدم كه به دو پستانش آويزانش كرده بودند.

٤ - زنى را مشاهده كردم كه دست و پايش را بسته اند و مارها و عقربها را بر او مسلط كرده بودند.

٥ - زنى را ديدم كه گوشت بدنش را با قيچى مى چيدند و مجبورش صلى‌الله‌عليه‌وآله مى كردند كه آن را بخورد، و آتش از زير آن زبانه مى كشيد.

٦ - زنى را مشاهده كردم كه به صورت كر و لال و كور است ، در حالى كه در تابوتى از آتش مى باشد و مغز سرش از دماغش خارج مى شود و بدن او به صورت جذام و برص است .

٧ - زنى را ديدم كه به دو پايش آويزان كرده اند، در حاليكه در تنورى از آتش بود.

٨ - زنى را مشاهده كردم كه گوشت بدنش را از قسمت جلو و عقب به وسيله مقراضهايى از آتش جدا مى كردند.

٩ - زنى را ديدم كه صورت و دستهايش آتش گرفته ، در حالى كه روده هايش را مى خورد.

١٠ - زنى را مشاهده كردم كه سرش مثل سر خوك ، و بدنش مثل بدن الاغ و به انواع عذابها شكنجه اش مى دادند.

١١ - زنى را ديدم كه به صورت سگ بود، و آتش از عقبش خارج مى شد و ملائكه با گرز آهنى از آتش ، بر سر و بدنش مى كوبند.

بى بى دو عالم فاطمه زهرا عليها‌السلام فرمودند: اى حبيب من و اى نور چشم من ، اى پدر بزرگوارم به من بفرمائيد كه اين زنان چه عملى داشته اند و به چه جهت به اين عذابها گرفتار شده اند و راه و روش شان چه بوده كه پروردگار متعال آنها را به چنين شكنجه هايى مبتلا نموده ؟!

آقا رئيس اسلام حضرت محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

١ - «آن زنى را كه به موهايش آويزان شده بود، آن زنى بود كه موهايش صلى‌الله‌عليه‌وآله را از مردان نامحرم نمى پوشانيد».

٢ - آن زنى را كه به زبانش آويزان كرده بودند، آن زنيست كه شوهرش را با زبانش اذيت مى كرد.

٣ - آن زنى را كه به دو پستانش آويزان بود، آن زنى بود كه از همبستر شدن با شوهرش خوددارى مى نمود.

٤ - آن زنى را كه دست و پايش را بسته اند و مارها و عقربها را بر او مسلّط كرده بودند، آن زنى بود كه بدون اجازه شوهرش از خانه خارج مى شد.

٥ - «آن زنى را كه از گوشت بدنش با قيچى مى چيدند و به او مى خورانيدند، زنى بود كه خودش را براى مردان نامحرم زينت مى كرد و بدنش را به آنها نشان مى داد».

٦ - آن زنى را كه كر و كور و لال بود، آن زنى بود كه از راه زنا بچّه دار مى شد و به گردن شوهرش مى انداخت .

٧ - آن زنى را كه به پاهايش آويزانش كرده بودند، زنى بود كه در حال نجاست وضو مى گرفت يعنى رعايت نجس و پاكى را نمى كرد، و در وقت جنابت و حيض غسل نمى نمود، و در نمازش سستى مى كرد.

٨ - «آن زنى را كه از گوشت جلو و عقب بدنش با مقراض از آتش جدا مى كردند، زنى بود كه خود را از راه نامشروع به مردان عرضه مى داشت ».

٩ - آن زنى كه صورت و دستهايش آتش گرفته و روده هايش را مى خورد، آن زنى بود كه قوّادى مى كرد، يعنى واسطه حرام بود.

١٠ - آن زنى كه سرش مثل سر خوك و بدنش مثل بدن الاغ بود، آن زنى بود كه سخن چينى مى كرد و زياد دروغگو بود.

١١ - آن زنى كه به صورت سگ بود آن زنى بود كه آوازه خوان (و صدايش را براى نامحرم با ناز و كرشمه و مهيّج رها مى كرد) و حسود بود. (٢٧)

## مسيحى كه مسلمان شد

يكى از علماء اسلام مى نويسد:

روزى يك زن مسيحى با شوهرش پيش من آمد و گفت : من از اسلام مسائلى را فهميده ام و از دستورات و قوانين آن كه مترقى است در شگفت و حيرتم و به آن علاقه مندم ، ولى بخاطر يكى از دستورات آن ، من هنوز به اسلام گرايش پيدا نكرده ام ، و درباره آن با شوهرم و عدّه اى از مسلمانان بحث و گفتگو نموده ام كه متاسفانه پاسخ قانع كننده اى نشنيده ام ، اگر شما بتوانيد مرا قانع كنيد من به دين اسلام مشرف شده و مسلمان خواهم شد.

من گفتم : آن دستور كدام است ؟!

زن مسيحى گفت : دستور حجاب است . چرا اسلام حجاب را براى زن لازم دانسته ؟ و چرا به او اجازه نمى دهد كه مثل مرد بدون حجاب از خانه بيرون بيايد؟ سپس بنا كرد به ايراد و انتقاد كردن ، كه حجاب مانع رشد و ترقى زنان ، و سبب عقب ماندگى در جامعه است .

من پس از شنيدن ايرادها و انتقادهاى آن زن ، چنين پاسخ دادم : آيا شما تا بحال به بازار جواهر فروشى رفته ايد؟

گفت : آرى ، گفتم : چرا جواهر فروشان ، طلا و سائر جواهرات گرانبهاى خود را در ويترين شيشه اى قرار داده و درب آنرا قفل ميكنند؟

گفت : بخاطر اينكه دست دزدان و خيانتكاران و سارقان به آنها نرسد.

در اينجا آن عالم دينى رو كرد به زن مسيحى و اظهار داشت فلسفه حجاب نزد ما مسلمانها همين است كه : زن گُلى خوشبو است ... زن گوهر و ياقوت گرانبهاست و چون جنس لطيف زن هم مانند طلا و جواهرات است ، و بايد از دست خيانتكاران و دزدان عِفت و ناموس محافظت كرد، و از چشم تبهكاران و اهل فساد حفظ نمود، زيرا زن همانند مرواريد است كه در صندوقچه صدف بايد پنهان گردد تا طعمه آنان نشود و تنها ساتر و نگهدارنده زن حجاب است و حجاب براى زنان مانند محفظه اى بر جواهرات است و اگر زنان نيز در پوشش نباشند. هميشه در معرض خطرات و تجاوزات قرار مى گيرند و به خاطر نشان دادن زيبائى ها پيوسته مورد آزار و تعدى مفسدين مى شوند.

آرى دخترم ... دستور حجاب در اسلام باين جهت است كه زن از دست خيانتكاران در امان باشد. زيرا بدنش پوشيده و زينتهايش مستور است و مردم از او چيزى نمى بينند و در او طمع نمى كنند و از او دورى مى جويند و نظرشان را جلب نمى كند، بلكه از او حساب مى برند و حيا مى كنند، همه اينها به خاطر حجاب است . و شما مطمئن باش كه اگر زن در پوشش صلى‌الله‌عليه‌وآله حجاب نباشد، پيوسته در معرض آزار مفسدين است ، بنا بر اين حجاب شرافت و بزرگوارى توست ، آرى دخترم اين گوشه اى از فلسفه حجاب بوده كه تذكر دادم .

پس از شنيدن اين مطلب ، آن خانم مسيحى فكرى كرد... و سپس با چهره اى درخشان گفت : من تا بحال اين گونه نشنيده بودم ... شما بسيار جالب بيان كردى ، و اكنون اسلام را ميپذيرم .

دوشيزه مسيحى در همان جلسه ، شهادتين را بر زبان جارى كرد، و اسلام را پذيرفت .

خواننده محترم : از اين گفتگوى مذهبى آشكار شد كه اسلام مى خواهد شخصيت و پاكى زن را حفظ نمايد، و به دنبال آن از اجتماع حمايت كند، از اين رو حجاب را به عنوان شرط اساسى براى هدف مزبور لازم دانسته است . همچنين از اين گفتگو روشن مى شود كه اغلب بانواني كه بى حجاب هستند از فلسفه حكيمانه حجاب اطلاع ندارند و به آثار پرسودش توجه ندارند و از مفاسد بى حجابى غافلند، تنها بوسيله حجاب ، عفت و شخصيت زن حفاظت مى شود، و از خطرات ناشى از بى حجابى در امان ميمانند. (٢٨)

حجاب حضرت زهرا (عليها‌السلام)

امام باقر عليه‌السلام فرمود:

روزى پيغمبر اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله همراه جابر به طرف خانه حضرت زهرا عليها‌السلام حركت كردند، وقتى كه كنار در رسيدند، پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآله دستش صلى‌الله‌عليه‌وآله را روى در گذاشت و با صداى بلند فرمود: سلام عليكم .

حضرت فاطمه عليها‌السلام فرمود: و عليكم السّلام

حضرت رسول صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: آيا اجازه هست وارد خانه بشويم ؟ حضرت فاطمه عليها‌السلام فرمود: آرى اى رسول خدا.

حضرت رسول صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: آيا اجازه هست همراه شخصى كه با من است وارد گردم ؟

حضرت فاطمه عليها‌السلام فرمود: سر برهنه هستم .

حضرت پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: با رو انداز، خود را بپوشان . حضرت فاطمه عليها‌السلام خود را پوشانيد. بار ديگر حضرت پيغمبر براى خود و جابر طلب اجازه كرد، حضرت فاطمه عليها‌السلام اجازه داد، آنگاه آن دو وارد خانه شدند. (٢٩)

## گرسنه شكم و شهوت

حضرت حجة الاسلام والمسلمين مروج الاسلام والدّين حاج شيخ غلامرضا فيروزيان فرمودند:

تابستان سال ١٣٢٣ در ونك مستوفى منبر ميرفتم . امام جماعت آنجا سيد بزرگوارى بود كه اَلا ن با گذشت ، ٥٥ سال نامش را فراموش صلى‌الله‌عليه‌وآله كرده ام .

بين گفتگوهايى كه با هم داشتيم تعريف كرد:

كه يك روز صداى در منزل بلند شد، وقتى آمدم در را باز كردم ، خانمى نيمه برهنه و بى حجاب و آرايش كرده و دست و سينه باز را مقابل خود ديدم ، خواستم درب را ببندم و به او بى اعتنايى كنم . فكر كردم همين كه در خانه يك روحانى با اين قيافه آمده شايد معايب بى حجابى را نميداند: و شايد بتوانم نصيحتش كنم .

سرم را پائين انداخته و گفتم بفرمائيد، داخل اطاق شده نشست ، و مسئله اى در مورد ارث از من سئوال كرد. من گفتم خانم من هم از شما مى خواهم مسئله اى بپرسم اگر جواب داديد منهم جواب مى دهيم گفت : شما از من ؟گفتم بله . گفت بفرمائيد؟

گفتم : شخصى در محلى مشغول غذا خوردنست غذا هم بسيار مطبوع و خوشبو است ، گرسنه اى از كنار او مى گذرد، پايش از حركت مى ايستد جلوى او مى نشيند شايد تعارفش كند، ولى او اعتنا نمى كند.

شخص گرسنه تقاضاى يك لقمه ميكند او ميگويد: غذا متعلق بمن است و نمى دهم هر چه التماس مى كند او به خوردن ادامه ميدهد، خانم اين چگونه آدميست ؟

گفت : آن شخص بيرحم از شمر بدتر است .

گفتم : گرسنه دو جور است ، يكى گرسنه شكم و يكى گرسنه شهوت .

جوان غربى و گرسنه شوت ، خانم نيمه برهنه و زيبائى را مى بيند كه همه نوع عطرها و آرايش هاى مطبوع دارد، هر چه با او راه ميرود شايد خانم توجهى به او بكند و مقدارى روى خوش به او نشان بدهد، جوان او اعتنا نمى كند.

جوان : اظهار علاقه ميكند، زن : محل نمى گذارد، جوان : خواهش صلى‌الله‌عليه‌وآله مى كند، زن ميگويد: من نجيبم و حاضر نيستم با تو صحبت كنم .

جوان التماس ميكند، زن : توجه نمى كند. اين خانم چگونه آدمى است ؟

خانم فكرى كرد و از جا حركت كرد و از خانه بيرون رفت .

فردا درب منزل صدا كرد، رفتم در را باز كردم ، ديدم سرهنگى دم در ايستاده و اجازه ورود مى خواهد، وقتى وارد اطاق شد و نشست . گفت : من شوهر همان خانم ديروزى هستم ، وقتى كه با او ازدواج كردم چون خانواده اى مذهبى بوديم از او خواستم با حجاب باشد، گفت : بعد از ازدواج ، ولى آنچه به او گفتم و خواهش كردم تهديد كردم ، زير بار نرفت ولى ديروز آمد و از من چادر و پوشش اسلامى خواست ، نمى دانم شما ديروز به او چه گفتيد: ماجرا را به او گفتم : او با خود عبايى آورده بود. به من داد و تشكر كرد و رفت .

## سئوال پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآله

حضرت على عليه‌السلام مى فرمايد:

با جمعى از اصحاب در محضر رسول خدا عليه‌السلام نشسته بوديم ، پيامبرصلى‌الله‌عليه‌وآله به ما رو كرد و فرمود:

به من خبر دهيد كه براى زن چه چيز خوب است و خير و سعادت او در چيست ؟

همه ما از پاسخ به اين سئوال ، در مانده شديم ، تا اينكه متفرّق گشتيم ، و به خانه آمدم و به حضرت زهرا عليها‌السلام گفتم : پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله چنين سؤ الى از ما نموده و ما از پاسخ به اين سئوال درمانديم .

حضرت فاطمه عليها‌السلام فرمود: من پاسخ اين سئوال را مى دانم .

خَيْرٌ لِلنّس اءِ اَنْ لا يَري نَ الرِّج الَ وَ لا يَر اهُنَّ الرِّج ال

بهترين دستور براى زنان آن است كه نه آنها مردان نامحرم را بنگرند و نه مردان نامحرم آنها را ببينند.

به محضر مقدس رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله بازگشتم و عرض كردم : سئوالى كه فرموديد: كه چه چيز براى زنان بهتر است ، براى آن بهترين چيز آن است كه نه مردان نامحرم آنها را بنگرند و نه آنها مردان نامحرم را ببينند.

پيغمبر اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: تو وقتى كه نزد من بودى ، پاسخ به اين سئوال را نتوانستى بدهى ، چه كسى اين پاسخ را به تو آموخت ؟

عرض كردم : حضرت فاطمه عليها‌السلام به من آموخت .

پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآله خوشحال شد و فرمود اِنَّ ف اطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنّى فاطمه عليها‌السلام پاره تن من است . (٣٠)

## دختر شجاع

تركيه كشورى است كه بر اساس سيستم لائيك (منهاى مذهب) اداره مى شود، از اين رو از مظاهر مذهب جلوگيرى مى نمايد.

يكى از دختران شجاع مسلمان (١٩ ساله) به نام «نور جان كوجامان» دانشجو بود و در شهر آنكارا، با حجاب اسلامى به دانشگاه مى رفت و در آنجا از رئيس جمهور وقت تركيه «كنهان اوژن» به خاطر آنكه طرفدار حكومت لامذهبى است انتقاد مى كرد، او را دستگير كردند و به يك سال زندان محكوم نمودند.

او در دادگاه فرمايشى آنكارا پس از شنيدن محكوميّتش به يك سال زندان ، فرياد زد:

«امام خمينى رهبر دنياى اسلام است و من از طرفداران او هستم !» اين دختر شيردل ، آن چنان در آن كشور ضدّ خدا، پايبند به احكام اسلام بود، كه حجاب خود را كاملا رعايت مى كرد و با قرآن مأ نوس بود و در هر فرصتى آيات قرآن را تلاوت مى نمود و با صراحت مى گفت :

من امام خمينى را به عنوان رهبر اسلامى مى شناسم و از او پيروى مى كنم . (٣١)

##  مفاسد بى حجابى يا بدحجابى

روزى يك تيم ورزشى از يك شهرستان ، پهلوان كُشتى شهر ديگرى را براى مسابقه دعوت كرد. قهرمان مزبور به دعوت آنان پاسخ گفت ، و همراه همسر زيبا و بى حجابش راهى آن شهر شد، بازى كنان و كشتى گيران شهر، براى استقبال وى به فرودگاه آمدند و با گرمى به وى خير مقدم گفتند، سپس آن پهلوان همسر خود را به رفقايش معرّفى كرد، و وى را براى دست دادن به آنان جلو انداخت و بازى كنان با گرمى و لبخند به همسر وى دست دادند.

يكى از آنها عاشق همسر پهلوان شد و به فكر افتاد با او ازدواج كند. براى رسيدن به هدف نقشه هايى پيش خود طرح ريزى كرد و سرانجام با همسر پهلوان بطور پنهان و دور از چشم شوهرش خلوت و ملاقات كرد و نقشه خود را به اين وجه عملى ساخت .

از وى پرسيد: شوهر شما چقدر مهر به شما داده ، زن گفت : بيست هزار تومان . مثلا، مرد گفت : ولى من حاضرم چند برابر اين مبلغ را به شما بدهم ، زيرا ارزش شما بيش از اين مقدار است . حقيقتا شوهر شما با اين مهر به شما ظلم و ستم نموده ، سپس پرسيد: بگو ببينم ، شوهر شما چه شغلى غير از ورزش دارد؟

زن گفت : كارمند يكى از وزارت خانه ها است . ناگهان مرد هوسران ، آه مزوّرانه اى از دل كشيد و گفت : اين نيز ظلم در حق شما است ، شما با اين زيبائى ، همسر يك كارمند هستى ؟ نه نه شما بيش از اين ارزش داريد. همسر شما بايد مانند من باشد، من مهندس و تحصيل كرده دانشگاه هستم ، و دكترا دارم و حاضرم با شما ازدواج كنم ، بشرط اينكه شوهرت تو را طلاق دهد.

سرانجام او را فريب داد، و با او قرار گذاشت كه پس از مراجعت ، از شوهرش طلاق بگيرد، و با وى ازدواج كند.

اين راز و نيازهاى عاشقانه و مخفيانه و پنهان از چشم پهلوان ميهمان صورت گرفت ، و او هيچگونه اطلاّعى از اين حوادث نداشت ، و نمى دانست چه ميگذرد.

بالاخره مدّت ملاقات به پايان رسيد و شوهر و همسرش به شهر خود بازگشتند از آن پس شوهر با اخلاق و رفتار سوء همسرش روبرو شد، و پس از آنكه در گذشته خندان بود، و با او انس مى گرفت و رنجهاى او را از يادش مى برد، اكنون رفتارش بر عكس شده است .

مرد از اين كجروى زن به ستوه آمد، و كاسه صبرش لب ريز شد، و از وى علّت تحوّل اخلاقى او را جويا شد؟ زن گفت : بخاطر آنكه تو مرا فريب داده اى ، تو به من ظلم كرده اى .. مرد با كمال تعجّب گفت : من ؟! چگونه من ترا فريب داده ام ؟! زن گفت : چون با مهر كمى با من ازدواج كرده اى و ارزش من بيشتر از اينها است ، تو شايسته ازدواج با من نبودى و كسى هست كه با مهر شايسته حاضر است با من ازدواج كند، و من مى خواهم الا ن از تو طلاق بگيرم .

شوهر بدبخت ، كه انتظار شنيدن اين سخن را از همسرش نداشت ، هوش از سرش پريد، و خود را در چنگال اين فاجعه بزرگ گرفتار ديد، فاجعه اى كه خودش بدست خودش روزى كه همسر بى حجابش را بهمراه خود به شهر ديگر برد بوجود آورد، اينك شوهر در صدد بر آمد كه او را از تصميمش منصرف كند، ولى سخنان او با شكست مواجه شد، و سرانجام از روى ناچارى او را طلاق داد، و زن طلاق نامه خود را گرفت و براى ازدواج با دوست خود راهى شهر ديگر شد.

خواننده محترم : در اين حادثه كه يكى از هزاران حادثه مربوط به خيانتهاى خانوادگى است دقت كنيد و بينديشيد و علتش را بررسى نمائيد تا براى شما روشن شود كه عامل آن فقط بى حجابى و خود نمايى است . چرا كه اگر آن زن حجاب داشت و زيبائيهايش پوشيده و پنهان بود، هرگز به اين دام نمى افتاد و شوهرش نيز دچار اين بدبختى كه بدست خود براى خود فراهم كرد نمى شد.

آرى اين است مفاسد بى حجابى و اين است سزاى كسى كه با قانون اسلام و حكم قرآن مخالفت مى كند.

## بى حجابى يا بدحجاب وباى اجتماع

نظر اسلام به اجتماع ، نظرى جدا حكيمانه است .

اسلام ميخواهد جامعه اى پاك بسازد كه در آن اثرى از فساد و انحراف وجود نداشته باشد.

يكى از چيزهائى كه ضامن سلامت و پاكى اجتماع مى باشد حجاب است ، كه زن را از سقوط و از هم پاشيدگى نگاه ميدارد، و از زشتى و انحراف جلوگيرى مى كند، زيرا قانون اسلام است كه به جامعه ايمنى بخشيده و نگهبان آن است .

در حقيقت يكى از موارد اساسى براى پاكى اجتماع عمل به قانون حجاب است ، و اصولا محال است جامعه اى از پاكى برخوردار باشد.

در حاليكه زنان آن بى بند و بار و بى حجاب باشند، زيرا بى حجابى وباى جامعه است و اگر اين بيمارى در جامعه راه يابد افراد، آن را به فساد و نابودى مى كشاندند.

ما به چشم خود ديده ايم جوامعى كه سرطان بى حجابى يا بدحجابى در آنها شيوع دارند، چگونه به فساد و انحراف كشيده شده اند. و جنايات و خيانتها از آن بپاخاسته .

اسلام بخاطر آنكه ريشه هاى فساد را قطع كند، از راههاى گوناگونى كه يكى از مهمترين آنها حجاب است وارد شده است .

اسلام با فساد و عوامل فساد كه از جمله آنها بى حجابى و خودنمايى است شديدا مبارزه كرده است .

بنابر اين بر ما واجب است كه با اين عوامل فساد به جنگ درآييم ، و اجازه ندهيم مفسدين جامعه را به لجن و تباهى بكشانند. (٣٣)

## مقايسه بين بى حجابى يا بدحجابى و حجاب اسلامى

به دو نمونه از زنان اجتماع توجه فرمائيد ارزش آنان را بسنجيد و بگوئيد كداميك برترند.

آيا يك زن با حجاب ، كه در پوشش ايمان درآمده و لباس اسلام به تن كرده و خود را به روپوش كرامت و شرف آراسته و خشنودى خدا را جلب كرده و به درجات بهشت نائل گرديده و شخصيت و احترام و پاكدامنى را در خود افزايش داده كه وقتيكه انسان به او نگاه ميكند، چيزى جز حجاب و چادر نمى بيند، و اصلا نمى داند كه آيا او جوان است يا پير؟ زشت است يا زيبا؟ از اين رو با ديده احترام به او نظر مى كند و در صدد آزارش برنمى آيد، چون مى داند او زنى است كه به دينش پاى بند است و نگهبان شرافت و متمسك به اسلام خويش مى باشد و از پستى اباء دارد، و از بى حجابى و خود نمايى پاك است و از فساد و انحراف دورى مى گزيند. برتر است ...

يا يك زن بى حجاب يا بد حجاب كه لباس حيا را از تن بيرون آورده و روپوش ايمان را كنده (زيرا كه در حديث است حيا از ايمان است و كسيكه حيا ندارد ايمان ندارد) و فرمان قرآن را مخالفت كرده و بى بند و بارى و خودنمائى را مانند زنان جاهليت قديم پيش گرفته ، و به زنان يهودى و مسيحى شبيه شده و عظمت و شخصيت خود را از دست داده ، و بدنش را نمايان و صورت و دستها و سينه و زينتهاى بدنش را آشكار ساخته ، نظر بدكاران را به خود جلب كرده و چشم خيانتكاران را بر خود خيره نموده و بدنش را مانند كالائى در بازار در معرض نمايش گذاشته و در معرض ديد همگان قرار داده چه بسا او را مسخره و بيچاره كنند، و گاهى به او تجاوز نمايند و عفّت او را از بين ببرند و...

شرافت خود را از دست بدهد، و در كرامت خويش زيان ببيند، و در بدبختى و بيچارگى و بدحالى قرار گيرد.

زيرا همه اينها در اثر بى حجابى و بدحجابى بر او پيش مى آيد. اين دو زن را با هم مقايسه كنيد كدام يك از اينها بهتر است ؟ كداميك سنگين تر و محترم هستند، كدام يك از نظر مقام و مرتبه عالى ترند؟ (٣٤)

## حجاب و آرامش

بنابر اين ، روشن است كسانيكه زنان را به بى حجابى دعوت مى كنند، در حقيقت آنان را به تبهكارى خوانده و آنان را به قربانگاه مى كشانند و مى خواهند شرافت و عفّت را از آنان سلب كنند، و به اسم شعارهاى پوچ و سخنان باطل ، عظمت و احترام را از آنها بگيرند.

خواننده محترم : اگر ميخواهيد به درستى سخن من پى ببريد، از بزرگسالان خود، از پدران و اجداد خود، كه گذشته را بخاطر دارند بپرسيد: آيا اين جنايات و حوادث ، دختر ربائى و تجاوز، در آن زمانها وجود داشته يا نه ؟

طبعا پاسخ اين سوال منفى خواهد بود.

اين جنايات و حوادث از كجا بوجود آمده است ؟ مى گويند: در اثر عوامل گوناگونى كه مهمترين آنها بى حجابى و بدحجابى و بى بند و بارى است به وجود آمده . آرى پاسخ صحيح همين است .

از ساكنان دهكده هاى كوچك كه تا بحال به اسلام و ايمان و حجاب اسلامى پاى بند هستند سوال كنيد، و اگر مى خواهيد تحقيق و بررسى كنيد: آيا دختر ربائى و تجاوز به بانوان چنانكه در شهرها اتفاق مى افتد در دهكده هاى شما نيز واقع مى شود؟

طبعا مى گويند: نه اتفاق نمى افتد، زيرا اجتماع ما پيوسته پاى بند به اسلام و دستورات حكيمانه آن مى باشد. (٣٥)

## بى حجابى يا بد حجابى يعنى بدبختى و نكبت و گرفتارى

دشمنان اسلام پس از بررسيهاى طولانى ، راه و نقشه و روشهاى گوناگونى براى نابود كردن تدريجى اسلام و مسلمانان ترسيم نموده اند.

يكى از مهمترين راه هاى شيطانى كه بدين منظور بكار گرفته اند: دعوت به فساد و بى حجابى است ، كه زير پوشش شعارهاى جلوه دار، و ماسكهاى قلّابى و تبليغات باطل ، از آن ترويج مى كنند.

مثلا: به نام هنر از فساد تبليغ مى كنند، و به اسم پيشرفت ، مردم را به گناه مى كشانند، و بعنوان تمدّن و با اسم آزادى خواهى ، آنان را به هرزگى و بى بند و بارى و اعمال زشت دعوت مى نمايند.

متاءسفانه بسيارى از زنان و مردان مسلمان ، در برابر اين شعارهاى فريب خورده و بدنبال اين سخنان مسموم - كه ذلّت و بدبختى براى آنان به بار مى آورد، راه افتاده اند.

و با لباس ارزنده اسلامى (يعنى حجاب) مخالفت نموده و از آشيانه ايمان و شرف بيرون آمده و لباسهاى بيگانگان را كه از كشورهاى بى دين شرق و غرب وارد مى شود به تن كرده اند.

و حتى عده اى از مردم مسلمان هم با اين تبليغات سوء و زهر آلود گول خورده اند، تا حدّى كه زنان خويش را به بى حجابى وادار نموده اند كه طبعا اين عمل خطرات وحشتناكى همراه دارد.

زنى از شوهر خود كه او را وادار به روى باز در بيرون از خانه كرده بود شكايت مى كرد.

آرى اينها نمى فهمند آن كسانيكه در غرب يا شرق ، به اشاعه بى حجابى دامن ميزنند، خواهان فساد و تباهى در جامعه پاك مسلمانان هستند.

آنها مى خواهند كشورهاى جهان بويژه كشورهاى اسلامى عزيز را به بدبختى و گرفتارى و بى عفتى بكشانند آنها مى خواهند با دود تمدّن جديد، چشم ملّت هاى مسلمان را كور كنند، و آنها را به لجن بكشانند.

آرى همينطور مى شود كه هدف استعمار و دشمنان اسلام تحقق مى يابد.

و جامعه اسلامى در گودال پستى و انحطاط سقوط مى كند، و اجتماع پس از آنكه پاك بود بصورت اجتماعى فاسد و متلاشى در مى آيد و جناياتى از قبيل زنا، تجاوز، سقط جنين و كورتاژ رواج مى يابد.

## بى حجابى يا بد حجابى باعث سقط جنين

اسقاط جنين (كورتاژ) و قطعه قطعه كردن آن با آلات گوناگون يكى از مفاسد بى حجابى يا بدحجابى مى باشد. روشن است كه زن بى حجاب يا بدحجاب ، بسيارى از اوقات تحت فشار جوانان بى پروا قرار ميگيرد و طعمه دست آنها مى گردد و او را مورد تجاوز قرار داده و شرافت و احترام او را از بين مى برند. در نتيجه زن از راه نامشروع باردار مى شود و براى اينكه راز آن عمل زشت و پليدش فاش نشود ناچار مى گردد جنين را سقط كند. آمار كورتاژ، در كشورهاى غربى كه بى حجابى بسيار است هولناك است و روز به روز در افزايش است .

در گزارش ويژه اى آمده است :

در لندن آمار سقط جنين از سال ١٩٦٩ تا سال ١٩٧٠ از ٥٠ هزار به ٨٣ هزار رسيده .

و در سال ١٩٧١ آمار مزبور به ٢٠٠ هزار مسطور گرديده

و اين نسبت در فرانسه افزايش يافته بطورى كه در هر ٢٠٠ نوزاد ٤٦ تا ١٤٣ آن سقط جنين بوده .

و در شوروى در هر سال شش ميليون سقط جنين دارد حالا كه بدتر است (٣٦). (٣٧)

## بى حجابى يا بدحجابى باعث بيمارى هاى خطرناك

يكى از مفاسد بى حجابى ، فساد اخلاق جوانان و گرايش ايشان به انحراف جنسى مى باشد. زنى كه با بى حجابى و خود نمائى به بازار و خيابان مى آيد اگر جوانى كه در مرحله ديوانه كننده غريزه جنسى قرار دارد او را ببيند، آيا فكر كرده ايم به سر آن چه خواهد آمد؟

طبعا غريزه جنسى در او تحريك مى شود، و در صدد برميآيد كه به هر وسيله اى غريزه خود را اشباع كند. او اگر متدين و معتقد به اسلام نباشد به استمناء، لواط، زنا، تجاوز به ناموس ديگران پناه مى برد و اين جنايات ، گذشته از آنكه مخالف دين خدا و حكم خداست ، باعث بيماريهاى خطرناك و پيش آمده هاى ناگوار مى شود.

حتى در گزارشى آمده است كه «در آمريكا تعداد بيمارستانهايى كه اختصاص به امراض جنسى دارد به ٦٥٠ بيمارستان مى رسد»

و شكّى نيست كه آن زن بى حجاب كه باعث انحراف جوانان مى شود، در جرم ، كيفر و عذاب آنها شريك است ، زيرا او بخاطر خودنمائى و هرزگى خود، غريزه جوانان را تحريك كرده است ، و آنان را روانه فساد كرده است .

اين در صورتى است كه جوان ، متدّين نباشد، ولى اگر متّدين و معتقد به اسلام باشد، غريزه جنسى را در درون خود فرو مى نشاند، و با تمايلات خود مبارزه مى كند. و به خدا پناه مى برد، و هرگونه رنجى را در اين زمينه متحّمل مى شود. (و اى بسا به ناراحتيهاى روانى مبتلا مى شود).

در اين صورت نيز زن بى حجاب مسئول است ، زيرا او باعث آزار اين جوان شده ، و گناه كيفر آن را بعهده گرفته است . (٣٨)

## بى حجابى يا بد حجابى عامل خودكشى ها

در كشورهايى كه قانون حجاب رعايت نمى شود، افزايش روزافزون بيماريهاى روانى بخوبى مشهود است .

پرفسور سيمور هالك مدير قسمت روانى دانشگاه ويسكونيسن مى گويد: فقط در اين دانشگاه سالانه بيش از ٨٠٠ دانشجو به كلينيك بيماريهاى روانى مراجعه مى كنند. نه تنها من و همكارانم بلكه اكثر روان شناسان دانشگاه هاى آمريكا از وضع روحى نسل جديد آمريكا دچار وحشت شده اند. (٣٩)

توماس اكمبس مى گويد: لذت هاى جسمانى در اوّل كار به ما لبخند مى زند ولى عاقبت نيش زهر آلود خود را در روح ما فرو برده و هلاكمان مى كند. (٤٠)

غنچه به باغ ايمن است تا بود اندر حجاب آفت جان و دل است ، چهره عيان

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| غنچه به باغ ايمن است تا بود اندر حجاب  |  | آفت جان و دل است ، چهره عيان  |

داشتن آمار وحشتناك خودكشى ها در غرب نيز نشان دهنده ميزان اختلالات روانى موجود در غرب مى باشد.

بنابر نوشته ديل كارنگى روان شناس مشهور آمريكائى در آلمان سالانه ده هزار نفر خودكشى كرده اند.

البته اين رقم جدا از ١٣٠٠٠ نفرى هستند كه نجات يافته اند.

در فرانسه نيز سالانه ٣٥ هزار نفر دست به خودكشى مى زنند. (٤١)

طبق آمار يونسكو در هر دقيقه يك نفر در آمريكا در صدد خودكشى برمى آيد. (٤٢)

بنابر اين به نمايش گذاشتن اندام يا زيورهاى خويش در زنان نه تنها علامت يك بيمارى روانى محسوب مى گردد بلكه بيمارى زا نيز بوده و امراض روانى ، در ديگران ايجاد خواهد نمود. (٤٣)

اينها نشان دهنده گوشه اى از مسائل روانى فساد است . اى اهل عقل عبرت بگيريد.

## آژيرهاى خطر

بعضى از كوته فكران خيال مى كنند كه اگر فرهنگ برهنگى رواج پيدا كند كم كم بصورت عادى در مى آيد و ديگر افراد تحريك نمى شوند. از نظر جنسى شايد چنين باشد ولى عطش روحى با افزايش مناظر تحريك آميز نه تنها كاهش نمى يابد، بلكه بطور مدام افزايش خواهد يافت ، اگر چنين بود، در غرب آزادانه تجاوزات جنسى تحقق نمى يافت ، ولى بنابه نوشتهPlaintruth تجاوز به عنف از هر ٣٤ دقيقه يك فقره ، به ١٤ دقيقه رسيد و طبق نوشته مجلّه آمريكائى نيوز ويك هر سال دهها هزار كودك در اروپا مورد تجاوز جنسى و سوء استفاده هاى ديگر قرار مى گيرند. (٤٤)

تنها در تركيه كه ٩٨ درصدمردم آن مسلمان هستند، ولى فرهنگ غرب در آن گسترش پيدا كرده با آنكه طبق آمار شهربانى كل آن كشور ٦٠٥ مركز فحشاء رسمى موجود بوده ، و ٥٦٥ مركز غير قانونى فحشاء كشف و سيزده هزار و ششصد و هفتاد و يك زن بدكاره مورد تعقيب قرار گرفته ، ٢٠٩ دختر مورد تجاوز جنسى قرار گرفتند. (٤٥)

طبق آمارگيرى در انگلستان ٤١ در صد زنان ١٦ تا سى ساله از اينكه احتمالا مورد تجاوز قرار گيرند هميشه و بطور دائم بسيار نگران هستند، بيش از ١١ درصد زنان انگليس معتقدند كه بهر حال يكروزى از سال مورد تجاوز قرار خواهند گرفت ، ٤ درصد زنان از آژيرهاى هشدار دهنده ، تجاوز جنسى استفاده مى كنند و ٧ درصد زنان كلاسهاى دفاع از خود ديده اند. (٤٦)

اين آمار بخوبى اثبات مى كند كه فرهنگ فساد و بى حجابى خود عامل تحريك و تجاوز به عنف است نه موجب عادى شدن

## بدحجابى و قتل

مردى به مهمانى رفته بود، پس از صرف نهار، صاحب خانه براى كارى بيرون رفت ، مرد مهمان از اين فرصت استفاده كرده ، پس از انجام عمل منافى عفت با همسر ميزبان ، او را كشت .

بعد از دستگيرى از او سئوال شده بود كه چرا اين جنايت زشت و شنيع را انجام دادى ؟

او در پاسخ گفت :

من شب گذشته در مجلس عروسى بودم ، كه خانمى را با لباسهاى جلف و چهره اى زيبا و موهاى آنچنانى ديدم و دلباخته او شدم ، ديگر نتوانستم خود را كنترل كنم طرح دوستى ريختم و سر انجام چنين تصميم گرفتم . (٤٧)

خانم عزيز، اين جنايت به خاطر خودنمايى و جِلْوه گرى و بى حجابى شما است كه به وجود آمده . پس وقتى اسلام آيين حجاب را متذكّر مى شود، آن را با كمال ميل قبول كن كه به سرنوشت داستان فوق دُچار نگرديد.

خُب ، اين سزاى زن بى حجاب در دنيا است و در آخرت هم به عذاب دردناك گرفتار مى گردد.

## بدحجابى و كشتار

جوانى را كه متهم بقتل بود دستگير كردند و از او سئوال كردند كه چرا چنين عمل شنيع را بوجود آوردى ؟

گفت : جوانى عذب بودم كه با هزار زحمت ديپلم را گرفتم و وارد دانشگاه شدم در آنجا چشمم به دختران بد حجاب زيادى بر مى خورد كه با آن زيبايى در حياط و كلاس دانشگاه قدم مى زدند با هم مى خنديدند و اصلا رعايت هيچ چيزيى را نداشتند.

من هم جوان و عذب كم كم با آنها طرح دوستى ريختم و با لطايف الحيلى يكى از آنها را فريب دادم كه مى خواهم با شما ازدواج كنم و بعد از مدتها كه با هم دوست بوديم ، يك روز او اظهار داشت كه من حامله هستم و بايد مرا بگيرى .

من كه وضعم مناسب نبود به او قول امروز و فردا مى دادم تا اينكه يك روز كارمان به مشاجره و آبروريزى كشيد با او گلاويز شده وقتى كه به خود آمدم متوجه شدم او را خفه كرده ام و او مُرده است .

## تمثيلات حجاب

غنچه تا غنچه است در حجاب است ، هيچ كس هوس چيدن آن را نمى كند. اما همينكه حجاب را كنار نهاد و باز شد، آنرا خواهند چيد. وقتى كه چيدند چند روزى هم ممكن است در جاى مناسب قرارش دهند. اما ديرى نمى پايد كه پژمرده و پرپر مى شود و آن را در سطل زباله مى ريزند.

خواهران باحجاب هم همچون غنچه اند، هيچ كس دست طمع و تصرف ، به سمت آنها دراز نمى كند.

اماّ همينكه اين حجاب را كنار گذارند مورد طمع ديگران واقع خواهند شد. (٤٨)

## رمز زيبايى

تا زمانيكه سر شيشه عطر بسته است ، عطر داخل آن هم محفوظ خواهد بود،ولى به محض اينكه چند ساعتى سر شيشه عطر برداشته شود عطر داخل آن مى پَرد و تنها شيشه خالى بدون عطر مى ماند و كسى بدان ميلى ندارد.

حجاب همانند سر شيشه عطر است كه بوى خوش و زيبايى و حلاوت و طراوت زنها را حفظ مى كند و با برداشتن حجاب ، آن زيبايى و حلاوت از بين مى رود. رمز زيبايى زنهاى مسلمان هم همين حجاب است . (٤٩)

سيم خاردار

شما چرا به دور خانه هايتان ديوار مى كشيد و بر روى ديوارها سيم خاردار نصب مى كنيد؟ اگر دربهاى خانه تان چوبى باشد، چرا آهنى مى كنيد و اگر ديوارها كوتاه باشد چرا بلند مى كنيد؟ آيا اينها همه براى راحتى يا ناراحتى شماست ؟

حجاب همچون ديوار خانه و همچون سيم خاردار است ، حال اگر ديوار خانه هايتان بلند بود و كوتاه كرديد، يا سيم خاردار داشت برداشتيد، يا درب بسته بود باز كرديد، اين موجب راحتى ، آرامش و آسايش يا موجب ناآرامى شما خواهد بود؟

اگر دربها، ديوارها و... براى راحتى خانه ها باشد، حجاب هم براى راحتى و آسودگى بانوان است ، پس اگر اسلام براى زن حجاب آورده ، براى راحتى است نه مشقت «مشقت در بى حجابى و بدحجابى است». (٥٠)

حجاب و سلامتى

تا ميوه اى پوست بر تن دارد، مدتهاى زيادى دوام خواهد داشت . ولى وقتى پوست ميوه اى گرفته شد بيش از دقايقى دوام نخواهد داشت و حتى بى احترامى به مهمان است كه قبلا ميوه اى مثلا سيب را پوست بكنند بعد در مقابل مهمان بگذارند.

حجاب همانند پوست ميوه است كه حافظ تازگى و سلامت ميوه است و تا زمانى كه زنها اين حجاب و عفّت را دارند از طراوت و زيبايى و تازگى و سلامت بهره مندند، ولى برداشتن حجاب همان و از بين رفتن سلامت و زيبايى همان . (٥١)

## حجاب عامل استحكام خانواده ها

يكى از عوامل مهم استحكام خانواده ، رعايت حجاب است . اگر حجاب در جامعه اى كاملا رعايت شود و روابط جنسى به محيط خانواده محدود گردد، گروه جوانان به ازدواج تمايل بيشترى پيدا مى كنند و خانواده هاى تشكيل شده نيز ثبات بيشترى خواهند گرفت ، بالنتيجه در اين ميان بيشترين نفع عايد زنان خواهد شد، زيرا از محبت و حمايت مالى مردان برخوردار خواهند بود.

در حالى كه اگر خودنمائى و آرايش و تحريك در يك اجتماع بشرى رواج پيدا كند و روابط جنسى در غير محيط خانواده مُيّسر گردد، هيچ وقت جوانان مشكلات ازدواج را نخواهند پذيرفت و به آن تن نخواهند داد. بلكه خانواده هاى تشكيل شده نيز دائما در حال تزلزل مى گردند.

زيرا مردان با ديدن زنان بى حجاب تحريك شده و آسيب پذير مى شوند و در نتيجه كانون گرم خانوادگى بسردى مى گرايد و محبت در خانواده جاى خود را به تنّفر خواهد داد، چون همسر قانونى رقيب و مانع روابط جديد جنسى به حساب مى آيد.

بى ترديد نهاد خانواده تنها با پاسدارى از حجاب اسلامى درخشش و بالندگى لازم را پيدا خواهد كرد.

بله وقتى لامپ نورافشانى مى كند كه سيمهاى متصّل به آن سالم باشند و اگر اين سيمها لخت و يا زدگى داشته باشند، نه تنها نيروى برق را بخوبى منتقل نمى كنند بلكه با جريان آب يا با اتصال به يكديگر موجب حريق و آتش سوزى مى گردند.

زن و مرد همانند، جريان مثبت و منفى دست به دست هم داده و چراغ خانواده را روشن كرده اند، مى بايست حجاب اسلامى را ركن اساسى اين پيوند قرار دهند و الاّ اين چراغ بخاموشى مى گرايد و آتش هوس آن را خواهد سوزانيد.

جورج كامينكسى جامعه شناس معروف به اين مطلب تصريح كرده است و مى گويد: عامل اصلى اختلاف (زن و شوهرها در طلاق) روابط نامشروع مى باشد. (٥٢)

اينك به برخى از پيش آمدهاى نامطلوب طلاق اشاره مى كنيم .

الف : افزايش جرائم : با افزايش طلاق ، جرائم نيز افزايش خواهند يافت . زيرا با فروپاشى خانواده ، زنان و كودكان بى سرپرست داراى زمينه بيشترى براى اعتياد به مواد مخدر و مشروبات الكلى ، بزهكارى و فساد اخلاقى مى باشند. بنابر گزارش هاى آمارى پژوهشگران : ٩٠ در صد بزهكاران جوان ١٤ تا ٢٥ ساله از ميان خانواده هاى از هم پاشيده برخاسته اند. (٥٣)

ب : كودكان بى سرپرست : با رواج روابط نامشروع و افزايش طلاق ، كودكان نامشروع را از حمايت هيچيك از والدين برخوردار نمى سازد و مسئله جديدى است كه امروزه غرب را دچار مشكل نموده است .

بنابر آمار منتشره امروز در جهان ٩٠ ميليون جوان زير ٢٠ سال از خانواده ها طرد شده و بدون خانه و كاشانه حيران در خيابان ها زندگى مى كنند. متاسفانه آمار كودكان نامشروع در غرب دائما رو به افزايش و تزايد است .

در آمريكا از هر ٤ نوزادى كه متولد مى شوند، يكى نامشروع است ، تنها در سال ١٩٧٩ بيش از ٥٩٧٠٠٠ كودك نامشروع در آمريكا متولد شده است .

در سوئد ٧ ميليونى سالانه ٢٧٠٠٠ كودك نامشروع به جامعه تحويل داده مى شود. (٥٤)

ج : بيماريهاى روانى ناشى از طلاق : يا وقوع طلاق زنان مطلقه بيشترين زيان را متحمل مى گردند. به نوشته مجله نيوزويك : با وجودى كه پس از طلاق زن آمريكائى خويشتن را آزادتر از آزاد حس مى كند، ولى مُطَّلِقه هاى آمريكائى چه جوان چه ميان سال شادكام نيستند و اين ناشادى را مى توان از ميزان روز افزون مراجعات زنان به روانكاو و روانشناس يا از پناه بردن به الكل و يا افزايش سطح خودكشى در ميان آنان دريافت .

از هر چهار زن مُطّلقه يكى الكلى مى شود و ميزان خودكشى ميان آنها سه برابر زنان شوهردار است . (٥٥)

اين نوشته ها بخوبى اثبات مى كند كه زنان با خودنمائى و بى حجابى بيشترين زيان را متوجه خويش ساخته و خود اولين قربانيان پديده شوم فساد مى باشند. (٥٦)

## حجاب همچون سدى آهنين

زن و مرد مانند آتش و پنبه هستند و بايد تا آنجا كه ممكن است از هم دور نگه داشته شوند، مگر از طريق تشكيل خانواده كه روابط جنسى بايد به آن محدود گردد.

حضور زنان و مردان در جامعه بصورتى كه هيچگونه تحريك و شائبه جنسى با آن همراه نباشد آن جامعه را استوار و محكم نموده و زمينه پيشرفت تعالى آنرا فراهم خواهد كرد. استاد شهيد مطهرى در توضيح اين مطلب چنين مى فرمايد: آيا اگر پسر و دخترى در محيط جداگانه اى تحصيل كنند، و فرضا اگر در يك محيط درس مى خوانند دختران بدن خود را بپوشانند و هيچگونه آرايشى نداشته باشند بهتر درس مى خوانند و فكر مى كنند و به سخن استاد گوش مى كنند؟

يا وقتى كه كنار هر پسرى يك دختر آرايش كرده با دامن كوتاه تا يك وجب بالاى زانو نشسته باشد؟

آيا اگر مردى در خيابان و بازار و اداره و كارخانه و غيره با قيافه هاى محرّك و مهيّج زنان آرايش كرده دائما مواجه باشد بهتر سرگرم كار و فعاليت مى شود يا در محيطى كه با چنين مناظرى روبرو نشود؟ (٥٧)

بنابر اين حجاب مجوّز ورود زن به جامعه است نه مانع از آن ، براى روشن شدن نقش حجاب در استفاده شايسته از نيروى زنان به مثالهاى ذيل توجه فرمائيد.

مثال اول : همانطور كه براى بهره بردارى از نيروى گاز مى بايست آن را در محفظه اى مخصوص و غير قابل نفوذ قرار دهيم و يا لوله هاى آن را از نظر نشت مراقبت نمائيم ، هميشه در آسايش قرار داريم .

حال اگر در محفظه قرار نگيرد و مراقبتها انجام نشود، نه تنها از آن بهره بردارى نمى كنيم ، بلكه انفجار آن باعث تخريب خواهد شد.

بهره بردارى از نيروى زن نيز منوط به رعايت حفاظ محكم حجاب است در غير اين صورت با رواج فرهنگ مبتذل ، آرايش و خودنمائى ، نيمى از جامعه را به خود مشغول كرده كه چه بپوشند؟ چگونه بپوشند؟ و خود را چگونه بيارايند؟

و نيم ديگر جامعه را به آنان مشغول خواهد ساخت . آنوقت كار آموزش تحقيق و پژوهش جاى خود را به آرايش ، خودنمائى ، چشم چرانى و لذّت جوئى خواهد داد و سقوط و سوختن و از بين رفتن جامعه در آن صورت حتمى خواهد بود.

مثال دوّم : همانطورى كه سدّ، نيروى آب را مهار مى كند و آن را در معرض استفاده مطلوب قرار مى دهد. حجاب هم مثل سدّى آهنين ، است كه نيروى زنان را ذخيره كرده و از هرز رفتن آن در مسيرهاى نامطلوب جلوگيرى مى كند. و امكان استفاده مطلوب را از آن ميسّر خواهد ساخت .

مثال سوّم : همانطور كه آتش مى تواند آب را گرم كند و حتّى آن را بصورت غليان و حالت جوش درآورد البته در صورتى كه (بين آن دو حجابى وجود داشته باشد و در ظرفى جاى داده شود) و الاّ با ريختن آب بر روى آتش نه تنها حرارتى ايجاد نخواهد كرد بلكه خود نيز خاموش خواهد شد. و هر دو از بين خواهند رفت .

نيروى زن وقتى موقعيت خود را خواهد يافت و گرمى بخش و مكمّل فعاليتهاى ديگر اجتماعى مى شود كه حجاب بطور كامل رعايت گردد.

در غير اينصورت ، با آرايش و خود نمائى نه تنها نيرويش صرف تجمّل مى شود بلكه همچون آبى بر آتش از به جريان افتادن چرخ فعاليت ديگران نيز جلوگيرى خواهد كرد.

زيرا زن به آراستن خود مشغول مى گردد و نيم ديگر از اجتماع هم به او. (٥٨)

## بى حجابى يا بدحجابى باعث فشارهاى روانى

بى ترديد اگر زنان متين و موقر باشند و با پوشش مناسب ظاهر شوند و تحريكى صورت نگيرد، همسران آنها و ديگر افراد جامعه از آرامش روانى برخوردار خواهند بود.

امّا اگر حضور زنان در جامعه بصورت تحريك آميز باشد، التهاب و اضطراب و هيجان روحى بيننده ، هر لحظه با ديدن صحنه اى تازه افزايش پيدا خواهد كرد و از آنجا كه ارضاى غريزه جنسى در تمامى موارد به دلخواه ممكن نيست ، باعث به هم خوردن تعادل روحى آنها مى شود، اين تاثيرات منفى روانى نه تنها بينندگان اين مناظر را تهديد مى كند، بلكه همسران اين زنان بى حجاب را نيز در معرض بيماريهاى روانى قرار مى دهد.

زيرا اين مردان دائما با نگاههاى هوس آلود ديگران به زن و دختران خود مواجه هستند كه مانند نيشى زهر آگين آنان را مورد آزار و اذيّت قرار مى دهند، و متاسفانه در بسيارى از موارد نمى توانند به آن اعتراض كنند!!

و در برخى از موارد مجبورند عليرغم فطرت انسانى و اعتقادات مذهبى خود و... يا سكوت كرده و بدينوسيله آن را تاءييد كنند و باخود نسبت به تهيه آن لباسها و كفشهاى مبتذل كه توجّه ديگران را جلب مى كند اقدام نمايند و با دست خود عامل بيمارى روانى خود را فراهم سازند!! حتّى مى توان گفت : زنان بى حجاب ديگرى كه قادر به تهيه آن نوع لباس و كفش نيستند نيز دچار فشارهاى روانى شده و تعادل روحى خود را از دست بدهند، بهم خوردن تعادل روحى در بينندگان اين مناظر و همسران بدبخت آنان يا زنان بى حجاب ديگر بيماريهاى جسمى و روانى را بوجود مى آورند كه از زبان متخصصان به آن اشاره مى نمائيم :

دكتر الكسيس كارل نويسنده معروف كتاب انسان موجود ناشناخته مى گويد: فكر و هيجان مى تواند سبب ضايعات عضوى واحشائى شود... عدم تعادل دستگاههاى عصبى و نقص دستگاه هاضمه در اثر هيجان عامل بيمارى هاى معده و روده است . (٥٩)

دكتر ديل كارنگى بنقل از دكتر ژوزف مى گويد: عصبانيت و هيجان عامل زخم معده است . (٦٠)

قرآن مجيد: حجاب را عامل طهارت قلب و روح معرفى مى كند و خداوند متعال در قرآن چنين مى فرمايد:

هر گاه از زنان پيامبر متاعى را مى خواهيد پس آن را از پس پرده بخواهيد زيرا اين كار براى طهارت و پاكى قلوب شما و ايشان بهتر است . (٦١)

وَ اِذ ا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتاعا فَسْئَلُوهُنَّ مِنْ وَر اَّءِ حِج ابٍ ذ لِكُمْ اَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ. (٦٢)

## بى حجابى يا بدحجابى يعنى كمبود شخصيت

زنانى كه حجاب دارند از سلامت روانى برخوردارند و در خود كمبودى احساس نمى نمايند و تمايلى هم به جلب توجه ديگران ندارند، ولى زنانى كه بى حجابند داراى عُقْده حقارت هستند و با نمايش زيبائيها و زينت و نوع پوشش ، مى كوشند تا حس كمبود خود را بنحوى مرتفع نمايند.

روان شناسان در اين باره چنين مى گويند: «زنان و مردانى كه در تعويض لباس و انتخاب رنگهاى متنوع مبالغه و وسواس دارند جز جبران يك نقيصه ذاتى كار ديگرى نمى كنند، زيرا افراط در لباس پوشيدن هم ، نظير افراط در حرف زدن است و نوعى مبالغه زياده روى است و زياده روى هم شكل منحرف و «پى گم كرده» از حس حقارت است .

زنى كه مورد توجه مردان نباشد مى كوشد تا با پوشيدن لباسها و زينتهاى مختلف جبران نازيبائيهاى خود را كرده و احيانا توجه ديگران را از نقائص صورى خويش منحرف سازد. (٦٣)

آرى انتخاب لباس و نحوه پوشش و آرايش چهره مانند رنگ رخساره از سرّ ضمير خبر مى دهد، افرادى كه دچار كمبود شخصيت هستند مى كوشند با لباسى كه تن مى كنند براى خود نوعى تشخّص و تعيّن ايجاد كنند، بنابر اين مى توان حجاب را علامت سلامت روحى زن دانست ، و بى حجابى را نشان بيمارى روانى .

در روايت نيز به اين نكته اشاره گرديده است :

امام صادق عليه‌السلام مى فرمايد:

كَفى بِالْمَرءِ خِذْيا اَنْ يَلْبِسَ ثَوْبا يَشْهُرَهُ

در خذلان و پستى (عقده حقارت) فرد همين بس كه لباسى مى پوشد تا بوسيله آن مشهور گردد. (توجّه ديگران را جلب كند). (٦٤)

## بى حجابى يا بدحجابى باعث از هم گسيختگى جامعه است

يكى از عوامل مهّم فحشا و منكرات ، و جرايم ويرانگر و گيج كننده در جهان غرب كه ناله همه را بلند كرده است . برهنگى و بى حجابى است .

مطابق آمارهاى قطعى و مستند، روز به روز، بلكه ساعت به ساعت و لحظه به لحظه بر تعداد بهم پاشيدگى خانواده ها و طلاق ، و فرزندان نامشروع و انحرافات جنسى مى افزايد كه هر كدام از اينها عاملى براى جرايم و انحرافات گوناگون و بسيار ديگر خواهد شد، بطورى كه دانشمندان تربيتى براى اصلاح جامعه نااميد شده اند، زيرا يكى از علل مهم آن اين است كه بازار برهنگى و دورى از حريم حجاب و عفاف و آزادى در روابط، زنان را به صورت كالاى مشترك در آورده ، به طورى كه دو همسر تعلّق به خود ندارند، در نتيجه قداست پيمان زناشويى مفهومى ندارد، و به دنبال اين برنامه ، خانواده ها همچون تار عنكبوت به سرعت متلاشى مى شوند، و كودكان ، بى سرپرست مى مانند، و همين وضع اساس اعتياد، بزه كارى ، انحرافات شديد، و قتل و جنايت را پى ريزى مى نمايد، و جامعه را به صورت فساد و لجام گسيخته درمى آورد، تا آنجا كه آمار طلاق در آمريكا به ٥٠ در صد رسيده ، يعنى از هر دو نفر خانواده زندگى يك نفرشان به طلاق و بهم پاشيدگى كشيده شده است .

و از صفحات حوادث روزنامه ها كه بيانگر نمونه هايى از جنايات هولناك و تباهيهاى جامعه است ، به خوبى مى توان به پيامدهاى شوم بى حجابى يا بد حجابى پى برد. (٦٥)

## آمار فساد

آمار ذيل كه مال سالها پيش است ، يك روز آمريكا را به تصوير كشيده گوياى تاثير فساد در افزايش طلاق و جرائم مى باشد.

١ - هر روز در آمريكا ٩٠٧٧ كودك بدنيا مى آيد كه ١٢٦٣ نفر آن غير مشروع هستند.

٢ - در قبال ٥٩٦٢ ازدواج روزانه در آمريكا هر روز زن و شوهر نيز از هم جدا مى شوند.

٣ - هر روز ٣٢٣١ نفر عمل سقط جنين در اين كشور انجام مى شود.

٤ - روزانه ٢٧٤٠ دختر در آمريكا باردار مى شوند

٥ - نوجوانانى كه هر روز در آمريكا به امراض تناسلى دچار مى شوند به ٦٨٤٩٣ نفر مى رسد.

٦ - در هر ٨ دقيقه يك آدم ربايى در اين كشور صورت مى گريد.

٧ - در هر ٧٨ ثانيه يك نفر كشته مى شود.

٨ - در هر ١٦ ثانيه يك سرقت مسلحانه صورت مى گيرد.

٩ - در هر ١٦ ثانيه يك اتومبيل ربوده مى شود.

١٠ - آمريكائى ها روزانه ٩٠ ميليون بطرى مشروبات الكلى مى نوشند.

١١ - هر روز ١٦٠ ميليون سيگار در آمريكا كشيده مى شود.

١٢ - روزانه چندين هزار نفر معتاد به هروئين و كوكائين و... مى شوند.

اين آمار كه توسط يكى از نشريات خارجى تهيه و انتشار يافته نشانگر گوشه اى از اين پيامدها و نابسامانى ها اجتماعى طى هر شبانه روز در اين كشور مى باشد. (٦٦)

## زن با حجاب مانند گوهر در صدف

بطور كلى هر چيزى كه در همه جا پيدا مى شود و در دسترس همه به آسانى مى رسد از ارزش كمترى برخوردار است . ولى از اشياء كم ياب و ذى قيمت و پر بها بخوبى نگهدارى مى نمايند و از دسترس ديگران دور نگه مى دارند و بطور خاصى از آن مراقبت مى كنند. مثلا طلا و جواهرات را در گاوصندوقهاى محكمى حفظ مى كنند كه از دسترس دزدان محفوظ باشد.

زن هم مثل گوهر گرانبهايى است كه بايد محفوظ باشد. اسلام زن را جواهر گرانبهاى هستى مى داند و براى او شخصيت والايى قائل است و او را انسانى كامل شناسانده و حجاب را همچون گاوصندوق و صدف و ويترين ، و پوشش را بهترين وسيله براى حفظ و ثبات شخصيت زن معرفى كرده است .

آنهايى كه زن را تشويق و ترغيب به آرايش و تزئين و نمايش زيبائيهاى جسمى مى كنند در حقيقت زن را فاقد شخصيت و روح انسانى مى شمارند.

تجربه اين مطلب را ثابت كرده . قبل از ظهور اسلام نه تنها زنان ارزشى نداشتند، بلكه با داشتن يك دختر ننگ به حساب مى آمدند در چنين جامعه اى بى حجابى كه علامت آن بى ارزشى بود رواج داشت .

اسلام مقام زن را بالا بُرد و شخصيت او را مورد تكريم قرار داد و با آوردن قانون حجاب حفظ و دوام اين شخصيت را براى هميشه بيمه كرد.

دكتر گوستاو لبون مورخ معروف فرانسوى مى گويد: اين مطلب نيز روشن شد كه اسلام در بهبودى وضع زن بسيار كوشيده و اولين مذهبى است كه مقام زن را بالا برده و روى هم رفته زنان مشرق زمين از نظر احترام و شخصيت علمى و تربيتى و سعادت بهتر از زنان اروپائى هستند.

## بى حجابى يا بدحجابى يعنى تنزّل شخصيت زن

اسلام نه تنها زن را يك انسان كامل مى داند بلكه احترام به او را ملاك كرامت انسان معرفى مى كند: آقا رئيس اسلام حضرت رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: م ا اَكْرَمَ النِّس اءِ اِلاّ الْكَريم وَ م ا اَه انُهُنَّ اِلا الْلَئ يم .

هرگز زنان را گرامى نمى دارند مگر كريمان با كرامت و به آنان اهانت نمى كنند مگر لئيمان بى ارزش .

خانم «ايفيلين كوبالاد» نويسنده انگليسى ، كه بالا خره به اسلام گرويد و مسلمان شد، در كتاب «بسوى خدا» مى گويد: در مقام و بزرگى زن در اسلام همين بس كه مسلمين او را «حرم» كه از احترام و حرمت گرفته شده مى خوانند.

بدين اساس حجاب وسيله اى است در خدمت زن تا موفّقيت خويش را در جامعه تحكيم كرده و شخصيّت و احترام خويش را فزونى بخشد.

«ويليام جميس» روانشناس معروف در تأ ييد اين مطلب چنين مى گويد: زنان دريافتند كه دست و دل بازى مايه طعن و تحقير است و اين امر را به دختران خود ياد دادند.

قرآن مى فرمايد:

«اى پيامبر به همسران و دخترانت و همه زنان مسلمان بگوى كه : حجاب و روسرى شان را به خود نزديك سازند تا (به عفاف) زنان عفيفى شناخته شوند و مورد آزار اوباشان قرار نگيرند. خداوند آمرزنده و مهربان است . (٦٧)

عصمتيان را به مقام جلال جلوه حرام است مگر با حلال (٦٨)

## بى حجابى يا بدحجابى يعنى تنزّل شخصيت زن

امروزه با رواج بى حجابى شخصيت انسانى زن بفراموشى سپرده شده و تنها به زيبائيهاى جسمى او توجّه مى شود.

در استخدام او بيشتر از صلاحيتهاى تخصصى زيبائى جسمش مورد دقّت قرار مى گيرد. چاپ تصوير برهنه او بمنظور تبليغ بر روى بى ارزشترين اجناس امرى عادى شده ، زن از نظر آنها موجودى است با هويّت صرفا جنسى ، نه داراى يك شخصيّت انسانى ، بدين صورت ارزش زن را تا حدّ يك (كالاى لوكس) نظير اجناس ديگر تنزل داده اند و اين نگرش توهين آميز به زن هر ساله با جارو جنجال فراوانى انتخاب (ملكه زيبائى) صورت مى پذيرد.

زن را وسيله اى براى كاميابى قلمداد كرده اند كه بعد از مدّتى ملال آور مى گردد و هر چند گاه يك بار بايد به او تنوّع بخشيد، در همين راستا روابط آزاد جنسى مورد حمايت قرار مى گيرد.

به قول گاندى : زن با اينكه به ظاهر در صدد آزادى بر آمده ولى در خطر جديدى قرار گرفته و آن خطر بازيچه و قرار گرفتن وسيله هوسرانيهاى مرد است . (٦٩)

وى اضافه مى كند: من ترجيح مى دهم كه نسل انسان نابود شود تا اينكه بماند و با تبديل زن يا ظريفترين مخلوق الهى (به يك وسيله عياشى و شهوترانى مرد) از هر حيوانى پست تر گردد...

اگر من زن بودم عليه دعوى مرد دائر بر اينكه زن بدنيا آمده تا بازيچه او باشد، سخت عصيان مى كردم ، اى زنان اگر آرايش كردن شما تنها به خاطر جلب شهوت مردهاست از اين كار خوددارى كنيد و زير بار ننگ چنين خفتى نرويد.

ولى اين اقدامات غرب جز مزاحمت و تجاوز نتيجه ديگرى براى زنان بهمراه نداشته است .

طبق آمارگيرى در ٦٣ شهر آمريكا ٩١ در صد زنان دامن كوتاه و نيمه عريان هر روز در معرض تهديد و تجاوز جنسى قرار دارند.

طبق اين آمار تنها ٩ در صد از آنان از اين تهديدات مصون مانده اند.

اميد آنكه زنان جهان با روى آوردن به حجاب ، ارزش و شخصيت از دست رفته خويش را به چنگ آورند و هر ساله بجاى انتخاب ملكه زيبائى شاهد انتخاب ملكه علمى و هنرى يا ملكه اخلاقى و عاطفى زنان باشيم . (٧٠)

## حجاب يعنى شكوفايى استعدادها

اگر زنان داراى حجاب باشند همه مثل هم مى شوند امتيازات ظاهرى و زيبائيهاى جسمى زيور و مقام محو مى گردد.

آنگاه ذهنها متوجه ارزشهاى واقعى نظير علم ، ادب ، هنر و اخلاق مى شود. و در تحصيل آنها كوشا مى گردد و در نتيجه استعدادها شكوفا و جامعه راه ترقى و پيشرفت را بسرعت طى خواهد نمود. آرى از آن جهت كه حجاب احياگر ارزشهاى معنوى است ، اسلام پوشش از بيگانه را ملاك برترى زن معرفى كرده است .

پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله مى فرمايد:

بهترين زنان شما زنان با عفت و غير عقيمى هستند كه تنها براى شوهرانشان خود را مى آرايند و در مقابل بيگانه كاملا پوشيده اند. (٧١)

در حديث ديگر فرمودند:

آيا بدترين زنان را بشما معرفى كنم ؟ بدترين زنان شما زنانى هستند كه در برابر بيگانه آرايش كنند و نزد شوهر پوشيده باشند. (٧٢)

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| هان ز اغيار بپوشان رخ زيبا زنهار |  | نرسد ميوه در آن باغ كه ديوارش نيست |

(٧٣) پس اگر زنان خواهان تحكيم موقعيت و افزايش محبوبيت خويشند بايد آن را در پناه حجاب بدست آورند.

زن امروزى با بى حجابى از جذابيت خود كاسته ، حجاب مؤ ثرترين چيز براى حفظ زيبايى و طراوت است ، چون زنان باحجاب ، آرامش روانى دارند.

امام صادق عليه‌السلام مى فرمايد: حجاب زن ، براى طراوت و زيبائى اش مفيدتر است . (٧٤)

## ايرادهاى مخالفان حجاب

طرفداران برهنگى و كشف حجاب ، براى برداشتن حجاب اسلامى ، به اصطلاح خودشان توجيه و برهانى ارائه مى دهند، اشكالاتى را مطرح مى كنند تا با اِلقاى شبهه ، در دلها ترديد ايجاد كنند، و عمده اشكالات آنها به پنج اشكال زير باز مى گردد، كه ما آن را در اينجا به طور فشرده مطرح كرده و به پاسخ آن مى پردازيم :

١ - آنها مى گويند انسان چه زن و چه مرد، آزاد آفريده شده ، و آزادى مفهوم مقدّسى است كه همگان طرفدار آن هستند، ولى حجاب و پوشش اسلامى ، دست و پا گير است و زنان را منزوى و پرده نشين كرده و از مواهب آزادى محروم مى سازد.

خداوند (و به قول بعضى طبيعت) غرايزى را در وجود انسان ، آفريده ، كه يكى از آنها «غريزه جنسى» است كه ، نبايد آن را حبس و سركوب كرد، بلكه بايد آن را با كمال آزادى اشباع نمود، وگرنه موجب عقده و بيمارى روانى خواهد گرديد.

٢ - زنان نيمى از جامعه هستند و بايد دوش به دوش مردان به تلاش هاى مختلف فرهنگى ، سياسى و اقتصادى بپردازند، و به هيچ وجه صحيح نيست كه نيمى از نيروهاى انسانى جامعه به انزوا كشيده شوند، و از صحنه هاى تلاش دور گردند، حجاب عامل مهمّى براى اين انزوا است . زيرا دست و پاگير است و طبعا زنان را از فعاليتهاى فرهنگى و اقتصادى و سياسى عقب مى راند.

٣ - حجاب و پوشش زن موجب فاصله انداختن بين زن و مرد شده و همين موضوع مردان را به زنان حريصتر مى كند. و آتش تمايلات جنسى آنها را شعله ور مى سازد، چرا كه از قديم گفته اند و از نظر روانى ثابت شده كه انسان نسبت به آنچه را كه از آن ممنوع شده حريص است .

٤ - با پوشش زن ، موارد بسيارى از مصالح و منافع از دست خواهد رفت ، و گاهى ناديده گرفتن اين مصالح ، موجب سقوط و رنجهاى ابدى خواهد شد، مثلا جوانى كه مى خواهد با دخترى ازدواج كند، چگونه آن دختر را كه در ميان حجاب پنهان شده بشناسد، آيا ازدواج جوان با آن دختر باحجاب اقدام كوركورانه براى انتخاب شريك زندگى تا آخر عمر، نخواهد بود؟!

٥ - اگر حجاب براى حفظ زنان از روابط نامشروع ، و از بروز انحرافات جنسى و فساد است پس چرا زن از نظر اسلام در نماز بايد كاملا رعايت حجاب كند، گرچه در درون اطاق در بسته باشد، آيا اين كار يك نوع به زنجير كشيدن زن نيست ؟!

## پاسخ به اشكالات

١ - آزادى ، كلمه مقدسى است ، ولى هر چيزى داراى حدّ است ، مثلا آيا انسان آزاد است غذاى مسموم بخورد؟ آيا آزاد است چند برابر غذاى معمولى بخورد؟آيا آزاد است نصف شب كه همسايه ها در خواب هستند با بلند كردن صداى طبل آنها را بيدار نمايد؟ آيا...؟ آيا...؟

قطعا آزادى داراى مرز و حدّ است ، آن آزادى مقدّس است كه موجب ضرر و زيان و باعث سلب آزادى ديگران نشود، همه انديشمندان با انصاف معتقدند كه آزادى بر دو گونه است .

١ - آزادى صحيح ٢ - آزادى غلط، ما با دليل و منطق ثابت كرديم كه آزادى زنان به اين معنى كه بدون پوشش اسلامى و مَلا عام آشكار شوند، آزادى غلط است ، و هرگز عقل و علم چنين آزادى مفسده انگيز را نمى پذيرد.

٢ - درست است كه زنان نيمى از جامعه هستند، و بايد در همه صحنه هاى زندگى تلاش داشته باشند، ولى پوشش اسلامى هرگز آنها را منزوى نمى كند و هرگز دست و پاگير نيست در حدّى كه آنها را از تلاش در صحنه هاى كار و فعاليت باز دارد.

زيرا حجاب ، به معنى پرده نشينى نيست ، بلكه به معنى يك پوشش معقول است ، اگر ما در گذشته در پاسخ به اين اشكال ، نياز به استدلال داشتيم ، امروز پس از جمهورى اسلامى در ايران ، ديگر نياز به استدلال نيست ، چرا كه آشكارا مى بينيم زنان در تمام صحنه ها، از مجلس قانونگذارى گرفته تا ادارات و بيمارستانها و راديو و تلويزيون و فروشگاه ها و.. در عين حفظ حجاب اسلامى ، مشغول كار و تلاش شبانه روزى زندگى هستند.

زن مى تواند با لباسهاى بلند و پوشش كامل اسلامى به تلاش زندگى بپردازد، و در موارد ديگر با چادر كه لباس برتر و پوشش عاليتر است در صحنه ها ظاهر شود، آرى وضع موجود، پاسخ دندان شكنى به اشكال فوق است ، چنانكه فلاسفه گفته اند: بهترين دليل بر امكان چيزى وقوع آن است»به زبان معمولى خودمان :

آنجا كه عيان است چه حاجت به بيان است وانگهى مگر خانه دارى و فرزنددارى ، كار و تلاش بسيار مهم اقتصادى و فرهنگى نيست ؟!

٣ - اين اشكال نيز بى اساس است زيرا پوشش در اسلام به معنى محروميت زن و مرد از اشباع غريزه جنسى از راه صحيح نيست ، تا موجب عطش بيشتر و انفجار گردد، اگر آنچه را كه اسلام درباره ازدواج و آسان گيرى در تحقق آن فرموده ، اجرا گردد، غريزه جنسى از راه صحيح اشباع شده و هيچگونه اشكالى پيش نمى آيد.

وانگهى اگر وضع فعلى جمهورى اسلامى ، را با وضع عصر رژيم گذشته مقايسه كنيم ، به روشنى مى فهميم كه امروز تا حدود زيادى حجاب اسلامى رعايت مى شود، در حالى كه آن روز رعايت نمى شد، و در امروز دهها و صدها برابر فساد و تباهى و بى بندوبارى و بى عفّتى كمتر شده است ، بنابر اين بى بندوبارى و بى حجابى عطش جنسى زن و مرد را بيشتر خواهد كرد، و حجاب و مقّيد بودن به حفظ حريم حجاب و عفاف ، تباهى و فساد را از بين مى برد. و آمارهاى قطعى نشان مى دهد كه فساد در كشورهاى بى حجاب اسلامى به مراتب بيشتر است ، از فساد در كشورهايى كه در آن رعايت حجاب مى شود، اينها شواهد عينىِ خلل ناپذيرى است كه بيانگر فوايد حجاب ، و بازدارندگى آن از بسيارى از تباهيها است ، و به عكس بى حجابى و بى بندوبارى وسيله نزديك و عامل مؤ ثر براى افزايش فساد و گسترش دامنه انحرافها خواهد بود.

٤ - در پاسخ چهارم بايد گفت :

اولا: پوشش براى زنان ، داراى فوايد و مصلحتهاى بسيار مهم براى آنها و جامعه است ، كه هرگز به خاطر بعضى از مصلحتهاى فرضى و جانبى نمى توان از آن دست كشيد.

ثانيا: در آن مواردى كه مصلحت مهمترى در ميان باشد، اسلام پوشش را در آنجا لازم نمى داند، بلكه گاهى عدم پوشش را واجب مى داند، به عنوان مثال : اگر مردى در حال غرق شدن يا سوختن است ، و در آنجا مردى كه او را نجات دهد نيست ، ولى زنان نامحرم در آنجا هستند، بر آنان واجب است گرچه موجب كنار رفتن پوششان گردد آن مرد را نجات دهند.

و به عنوان مثال : جوانى كه مى خواهد با دخترى ازدواج كند، با توجه به مصلحت آينده براى او نگاه به چهره دختر مورد نظر، نگاه به مواضع زينت او جايز است تا او را بشناسد.

حتّى در اين مورد پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله امر كرده كه خواستگار، دختر مورد نظرش را بنگرد.

بنابر اين با رعايت پوشش اسلامى ، و دستورهاى اسلام ، هيچگونه مصلحتى از دست نمى رود.

٥ - فلسفه رعايت حجاب در حال نماز ممكن است از چند جهت زير باشد:

١ - حجاب براى زنان بهترين حالت است ، نماز نيز بهترين عمل عبادى است و چه بهتر كه زن نماز خود را در بهترين حالت كه حالت پوشش است انجام دهد.

٢ - نماز در عين آنكه يك عبادت است ، يك فرهنگ است ، يك كلاس بزرگ و پربار است كه درسهاى مختلف مى آموزد، يكى از درسهاى آن اين است كه درس حجاب را به زنان مى آموزد، و آنها را عملا به حجاب دعوت مى كند.

٣ - با توجّه به پنج بار نماز واجب در شبانه روز، زنان مسلمان پنج مرتبه با حجاب كامل اسلامى با خدا رابطه برقرار مى كنند، و همين تكرار عمل ، چگونگى حجاب را به آنها ياد مى دهد، و اين دستور مقدّس را براى آنها به صورت يك عادت خوب ، درمى آورد، و پيوند آنها را با حجاب محكم مى سازد، قطعا چنين تكرارى آن هم در نماز، تمرين عميق و خوبى براى رعايت حفظ پوشش خواهد بود. (٧٥)

## دخترك مسيحى در رشت

مرحوم حاج شيخ يوسف جيلانى در كتاب طومار عفّت مى نويسد:

در گيلان ما دختر قشنگ و خوشگلى كه مسيحيهّ بود و پدر وى هم دكتر بود.

دكتر و مادر و جدّه دختر كه در سبزه ميدان رشت ساكن بودند، پيوسته در حفظ و حراست آن دختر بودند كه مبادا شهوت پرستان و دزدان ناموس او را بربايند. ولى آن دختر بيچاره چون زيبا و بدحجاب بود و هميشه خود را آرايش مى كرد به جوانان عرضه مى نمود هدف گلوله قرار گرفت .

پدر و مادر به خاطر حفظ آبرويشان به ناچار او را براى معالجه به خارج بردند و پولهاى زيادى خرج او كردند تا بلكه بتوانند او را از منجلاب مرگ تدريجى و بى آبرويى نجات دهند. گرچه دخترك از مرگ نجات يافت ، اما چه فايده آنكه ديروز از زيارتش مسرور بود، امروز از ديدنش ناراحت مى شد، و مى هراسيد، من اين قضاوت را به خود شما واگذار مى كنم ، آيا اين كار بر اثر حجاب و پوشش بود يا در سايه بى حجابى ؟!... (٧٦)

## خاطره اى از آيت اللّه مرواريد

بنده در مراجعت از عراق بعد از قضاياى مسجد گوهر شاد به واسطه قطع ارتباط بين مشهد و تهران كه از ناحيه خود دولت به وجود آمد.

هر كس مى خواست عبور كند مى بايد تحت كنترل باشد و مراقبت شود.

چند روزى در تهران ماندم و بعد آمدم ، بالاخره خيلى فشار مى آوردند هم از جهت لباس و هم از جهت كشف حجاب زنان ، وضع خيلى فجيعى به وجود آورده بودند.

حتى در حرم مطهّر به خُدّام و پاسداران حرم دستور داده بودند كه چادر و چارقد را از سر زنها بكشند و به يك تعبير گفتند كه گاهى شنيده مى شد، عده اى خودشان در پاى ضريح مى گفتند: خجالت بكش با روسرى نيا.

زنهاى خانواده ما و منسوب به ما، سحر از منزل بيرون مى رفتند وصله ارحام به جا مى آوردند.

حتى يكى از خانمها را كه مامور تعقيب كرد، حالتى برايش به وجود آمد كه بعد از دو - سه روز ناراحتى در منزل ما فوت شدند.

از حجاب به شدت جلوگيرى مى كردند و دخترها را با اوضاع بدى در خيابانها رژه مى بردند، كاملا روشن بود كه همه اين كارها براى از بين بردن مظاهر دينى است . (٧٧)

## خاطره حجاب زنى از كشمير

خانم سيده آسيه آندرابى از كشور كشمير مى گويد:

سال ١٣٦٠ نقطه عطفى در زندگى من بود، در آن سال من به كتابى تحت عنوان افكار عميق زنان مسلمان برخوردم كه تاءثير زيادى در روح من گذاشت و سپس با آثار خواهر «مريم جميله» آشنا شدم كه باعث گرايش من به درك عميق مفاهيم قرآن شد.

به آخرين تفسير «مولانا مودودى» پى بردم با مطالعه در سيره پيامبرانى چون حضرت ابراهيم ، موسى عيسى و محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله به اين واقعيّت پى بردم كه همه آنها به خاطر مبارزه با خدايان دروغين زمان خود همواره در رنج بوده اند.

اين مطالعات باعث ايجاد يك انقلاب درونى من گرديد و من حجاب را به عنوان اوّلين اقدام انتخاب نمودم و آن را در بين تمام اعضاء خانواده ام رواج دادم و سپس خانه به خانه و مدرسه به مدرسه شروع به تبليغ نموديم و جايگاه والايى را كه اسلام به زن اختصاص داده براى زنان جامعه معرفى كرديم . (٧٨)

## طاغوتى ها از حجاب مى ترسند

(قسمتى از خاطرات اسداللّه اعلم وزير در بار شاه)

سه شنبه ١٧ ارديبهشت ماه ١٣٥٠ شرفيابى شاه از من به خاطر سخنرانى ديروزم در دانشگاه پهلوى شيراز تمجيد كرد، به او گفتم كه چه استقبال گرمى از من به عمل آمده بود ٣٠٠ دانشجو در استاديوم ورزشى (دانشگاه) اجتماع كرده بودند، البته از ديدن اين همه دختر با چادر وحشت كردم .

در زمان خودم در مقام رياست دانشگاه چادر كم و بيش منسوخ شده بود.

هر دخترى كه مى خواست آن را بر سر كند تحقير مى شد. ليكن در كنفرانس ديروز سى نفرشان بودند، مناسب نديدم كه در آن لحظه اظهار نظرى بكنم .

ضمنا به من اطلاع داده شد كه بعضى از اين دختران از دست دادن با فرهنگ مهر، رئيس جديد دانشگاه خوددارى كرده اند، و مدّعى بودند كه اسلام هر نوع تماس جسمانى را با جنس مخالف خارج از چارچوب ازدواج ممنوع كرده است . شاه خيلى اوقاتش تلخ شد. (٧٩)

## حجاب زن آلمانى

به نام خدا اسم قبلى من زابنيه است ماجراى تشرفم به اسلام از اين قرار است كه در آلمان در همسايگى ما يك خانواده مسلمان اهل تركيه زندگى مى كردند.

دختران آنها در مدرسه با من دوست بودند و با هم رفت و آمد داشتيم وقتى كه من به خانه آنها مى رفتم مى ديدم آنها نماز مى خوانند كم كم جذب آنها شده و با اسلام آشنا شدم در تاريخ ٤/١٢/١٩٩٠ در مسجد اسلامى هامبورك به سرپرستى برادر محمد مقدم به دين اسلام تشرف يافتم .

آيا فكر نمى كنيد الگوى حجابى كه اسلام براى زن در نظر گرفته زحمت دارد؟

هر موجودى براى مصونيت از آسيب دشمن و بيگانه به دنبال حفاظ و مأ من و پناهگاهى مى گردد تا در پناه آن احساس امنيت و آرامش كند شما اگر يك لاك پشت را در نظر بگيريد، مشاهده مى كنيد كه چگونه درون پوستى سخت و مقاوم مى رود تا از گزند و دشمن ايمن باشد.

چرا انسان وزن مسلمان اينگونه نباشد آدم وقتى كه دنبال محافظى مى گردد تا او را انگشت نماى غير نكند و او را از جلب توجه به ديگران حفظ كند چه بهتر كه حجاب را انتخاب نمايد.

حجاب براى من نه تنها زحمت و تحميل نيست ، بلكه يك اصل مسلم و خدشه ناپذير است كه از عقيده ام سرچشمه گرفته است و در صددم كه عقيده و حجابم را براى همگان ابراز داشته و توضيح بدهم .

اين من بودم كه در حجاب وارد شدم و دريافتم كه حجاب يك ارزشى است و ارزشهاى ديگر در كنار حجاب به من ارزانى مى شود، نه اينكه حجاب بر من تحميل شده باشد. من خودم اينطور تصميم گرفتم . (٨٠)

## بهترين خدمت به نسل جوان

نامه اى از يك برادر دلسوز و دردمند انقلابى از بوشهر:

غم ها و رنج هاى زيادى است كه بر قلب جوانم سنگينى مى كند از مسئولين كشور گله مندم ، امّا نه براى تورّم و گرانى و نه هشت سال جنگ و نه از براى مسائل مادى و دنيوى ديگر، مسائلى كه بر دل من سنگينى مى كند اين است كه چرا مسئولين كشور كه حاميان عزّت و شرف اين ملتند به حرف ميليونها حزب اللّهى اين مرز و بوم توجّه نمى كنند؟

آيا به دستورات به پيامها و وصيت نامه آن بزرگوار عمل مى كنيد؟

آيا از بى حجابى و بدحجابى ، از عروسى هاى كذائى ، از پخش و توزيع عكسها و نوارهاى مبتذل جلوگيرى مى كنيد...؟

راديو، تلويزيون فرهنگ اسلام را تبليغ مى كند يا....؟

بسيجيان ، طلاّب و روحانيون و تمامى افراد مومن متعهد از دست مسئولين مى نالند كه چرا در برخورد با مفاسد اقدامى جدّى صورت نمى گيرد؟

چرا مسئولين به درد دل برادران ، خواهران ، مادران و پدران شهدا گوش نمى دهند؟

مسئولين كشور! انقلاب را دريابيد، خدا مى داند حيف است كه آن همه رنجها و زحمت امام راحلمان و آن همه رشادتها و دليرى فرزندان انقلاب در ميادين نبرد هدر برود....

مسئولين بدانند كه در مبارزه با مظاهر فساد و تلاش براى فرهنگ اسلام مردم حامى آنها هستند، ولى چنانچه در انجام وظيفه كوتاهى نمايند پيش خدا و ملّت و امام راحلمان مسئولند.

مگر نه اين است كه مقام معظم رهبرى آية اللّه خامنه اى فرمودند:

«فلسفه وجود ما خدمت به مردم است» مگر نه اين است كه مسئولين خادم اين ملّت هستند پس بايد به مردم خدمت كنند و اكنون شايد خدمتى بهتر و ارزشمندتر از مبارزه با فساد بى حجابى و بدحجابى نباشد و اين بهترين خدمت خصوصا به نسل جوان است . (٨١)

## خاطره اى از امام خمينى در مورد حجاب

برادر خادم يكى از محافظين بيت امام :

يكى ديگر از موارد خاطرات من مساله دقّت در رعايت حجاب نزديكان امام از جانب ايشان بود بعضا لازم مى شد كه ما به طور سر زده به خدمت ايشان برسيم و مطلبى را عرض نماييم .

بلافاصله بعد از زدن درب و تقاضاى ورود از جانب ما، اگر از بستگان امام نزد ايشان بودند، خيلى سريع مى گفتند: كه كمى صبر كنيد و بعد به بستگان خويش تذكر مى دادند چادر خود را بر سر گذارند، تا وارد شويم و بالعكس اگر ما در داخل خانه بوديم و يكى از بستگان امام قصد دخول داشتند، بلافاصله امام مى فرمودند كه : «يا اللّه يا اللّه ... نامحرم داخل اتاق است».

البته امام براى تذكر اعلام كرد وگرنه بستگان امام هميشه رعايت حجاب خويش را مى نمودند. (٨٢)

## نصايح خانم مجتهده امين

چنانچه از قرائن معلوم مى شود از صدر اسلام تا اين زمان اخير گفتگو در حجاب زنان نبوده و معمول نوع زنان اسلام اين بوده كه خود را موظّف مى دانستند كه از نامحرمان احتراز نموده و خود را بپوشانند و تارك آنرا فاسق و گنه كار مى دانستند.

در اين دوره اخير بعضى از آزاديخواهان بشر خواستند زن را از قيد حجاب و چادر نجات دهند و زن را در كار و فعاليت ، رديف مرد قرار دهند، اين بود كه به اسم آزادى و دلسوزى و حُرّيت حجاب زنان را دريدند و چنانچه مى بينيم در اين دوره آنقدر بى عفّتى و فساد اخلاق در بين جامعه شيوع پيدا نموده ....

اى خواهران مى دانيد اين نگارنده ناچيز از صنف زن مى باشم و دشمنى با هم صنف خود ندارم و طبعيت زن را بهتر از مردها مى دانم و طالب سعادت و خوشبختى و آسايش و آزادى شما هستم و كشف حجاب اگر چه در ظاهر چون موافق با طبعيت زن است كه مايل به خودنمايى و جلوه گرى است بسيار خوش مى آيد و البته اگر بدون چادر و حجاب آزادانه در معابر و خيابانها گذر كند و مقيّد به حجاب نباشد، خيلى راحت تر است .

لكن ببين صلاح دين و دنياى تو در چيست ؟ حكم حجاب تكليف است و تكليف البته زحمت دارد.

و شايد بعضى خانمها و دوشيزگان خيال مى كنند با حجاب بودن و خانه نشستن اسباب ضعف و نقص آنها مى شود.

لكن اين فكر اشتباه است ، شهوت پرستى است كه منكرات را به صورت زيبا در نظر جلوه مى دهد، قدرى فكر خود را به كار بياندازيد و از دريچه عقل خود وضعيّت امروزه را بنگريد و انصاف دهيد، آيا اين وضعيت با دين دارى و ايمان و تقوى مناسبت دارد؟

البتّه نفس بشر طالب هرزه گرى ، ولگردى و انجام هواهاى گوناگون است ، خدا پرستى غير از نفس پرستى است ....

از عموم مسلمين كه پاى بند به ديانت اسلامند تقاضا مى نمائيم كه همّت گمارند كه اين گم گشته را باز آرند كه شايد اندازه اى از اين وحشيگرى و بى عفتى كه سرتاسر ممالك اسلامى را گرفته و شيوع پيدا نموده جلوگيرى شود...

خواهران : گمان نكنيد اگر شما شيك و مُد و بدون حجاب از منزل بيرون آئيد شرافتمند مى شويد مردها به نظر تقديس به شما نگاه مى كنند، همان كسانيكه شما را خانم خطاب مى كنند.

اينها روى اصل قواى شهوانى است و نگاه آنها نگاه شهوت آميز است نه روى اصل فضيلت ! همان كه با صورت بشّاش شما را استقبال مى كند و به شما دست مى دهد و احترام مى گذارد در دل شما را خانم بى عفّت مى داند و اگر قدرى با غيرت باشد، هيچ وقت امثال شما را به همسرى نمى گيرد.

خواهر: تو مسلمان و مسلمان زاده اى و مقدّسات مذهب در تمام ملل محترم است خود را هدف تير چشمهاى ناپاك بعضى مردهاى بى عفت قرار مده . (٨٣)

## سخنى از حجة الاسلام قرائتى در مورد حجاب

شما جنس مرغوب را در كادو مى پيچيد، روى تلويزيون پارچه مى اندازيد، كتاب قيمتى را جلد مى كنيد، طلا و جواهرات را ساده در دسترس قرار نمى دهيد.

بنابر اين جلد و حجاب نشانه ارزش است .

خداوند براى چشم كه ظريف است و خطرات آنرا تهديد مى كند، حجاب قرار داده حجاب باعث تمركز فكر مردان كه بخش عمده توليد جامعه به دست آنان است مى گردد.

در كشورهايى كه بى حجاب است نظام خانواده از هم گسسته و آمار طلاق غوغا مى كند. اسلام به خاطر حفظ حيا، كرامت و جلال ، جلوگيرى از تشتّت و هوسبازى و گسستن نظام خانواده حجاب را واجب فرموده .

بايد دانست كه حجاب مانع توليد نيست ، بزرگترين صادرات ايران بعد از نفت ، قالى است كه توليدش به دست زنان با حجاب است .

حجاب مانع تحصيل نيست صدها هزار دانشمند زن در كشور اسلامى ايران شاهد اين ادعّاست حجاب آرم جمهورى اسلامى ايران است .

دنيا انقلاب اسلامى ايران را باحجاب بانوان مى شناسد و ابرقدرتها از اين نشانه پرارزش انقلاب آنقدر هراس دارند كه چند دختر مسلمان را با پوشش اسلامى بر سر درس تحمل نمى كنند. (٨٤)

## مقابله با بى حجابى

عيد نوروز سال ١٣٠٦ ش بود، زائران بسيارى در حرم حضرت معصومه عليها‌السلام حضور داشتند خانواده رضاخان پهلوى بدون حجاب براى زيارت مرقد مطهر حضرت معصومه عليها‌السلام به قم آمده بودند و مى خواستند با همان وضع وارد حرم شوند، اين گستاخى و بى احترامى خانواده شان ، موجب خشم مردم مى شود و يك نفر روحانى به نام «سيد ناظم واعظ» مردم را به امر معروف و نهى از منكر فرا مى خواند.

در اين ميان خبر به آيت اللّه شيخ محمد تقى بافقى رسيد، ايشان نخست به خانواده رضاخان پيام داد كه اگر مسلمان هستيد نبايد با اين وضع در اين مكان مقدس حضور يابيد، و اگر مسلمان نيستيد باز هم حق نداريد. «زيرا كافر نبايد در حرم باشد».

خانواده رضاخان به پيام آية اللّه بافقى ، ترتيب اثر نمى دهند، آنگاه مرحوم آية اللّه ... بافقى شخصا به حرم آمده و به خانواده رضاخان شديدا اخطار كرد، و همين حادثه نزديك بود موجب قيام و شورش مردم بر ضد حكومت شاه شود.

از طريق شهربانى قم به رضاخان اطلاع دادند كه خانواده شما (يعنى همسر و دو دختر شما شمس و اشرف) به دستور روحانيون در اتاقى محبوس شده اند و به آنها اخطار شده كه حق ندارند بدون حجاب وارد حرم گردند.

رضاخان شخصا با يك واحد نظامى به قم آمد و خانواده خود را نجات داد، او با چكمه وارد صحن مطهر شد، آية الله بافقى را مورد ضرب و شتم قرار داد. (٨٥)

## چادر نورانى

روزى حضرت اميرالمؤ منين على عليه‌السلام محتاج به قرض شد، چادر حضرت فاطمه عليها‌السلام را پيش مرد يهودى كه نامش زيد بود، رهن گذاشت آن چادر از پشم بود، قدرى جو قرض گرفت .

يهودى آن چادر را به خانه برد و در اتاقى گذاشت ، وقتى شب شد زن يهودى به آن اتاق رفت ، ناگاه نورى را از آن چادر ديد كه تمام اتاق را روشن كرده بود وقتى زن آن حالت شگفت را ديد فرياد زد:

شوهر خود را خواست آنچه را ديده بود براى شوهرش بازگو كرد.

يهودى شگفت زده شده بود و فراموش كرده بود كه چادر حضرت فاطمه عليها‌السلام در آن خانه است ، با سرعت داخل اتاق شد، ديد كه اشعه نورانى چادر آن خورشيد عصمت است كه مانند بدر منير خانه را روشن كرده است .

يهودى از مشاهده اين حالت تعجبش بيشتر شد، يهودى همراه با زنش به خانه خويشان خود دويدند و ٨٠ نفر از ايشان حاضر شدند و اين را ديدند از بركت شعله چادر فاطمه عليها‌السلام همگى به نور اسلام مشرف و منور گرديدند. (٨٦)

## حجاب در اجتماع

فاطمه زهرا عليها‌السلام با گروهى از زنان مسلمان كه بنا به نقل واقدى ١٤ نفر بودند، از مدينه حركت كردند و روانه اُحد شدند تا از نزديك جريان كار و حادثه هولناك را ببينند و پيامبر خدا را ملاقات نمايند.

حضرت فاطمه زهرا عليها‌السلام با آن گروه از زنان كه دلشان مى تپيد و از آسيب رسيدن به پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله نگران بودند پس از مدت كوتاهى توانستند خود را به اُحد يا بهتر بگوئيم به ميدان رزم برسانند.

وقتى آمدند كه ، پيامبر خدا چند روز پيش در هنگام رزم سراسر بدنش مجروح شده بود، ناراحتى حضرت زهرا عليها‌السلام به اندازه اى بود كه نمى توانست آب بياشامد، در اين صحنه زنهاى مسلمانى كه با حضرت زهرا عليها‌السلام بودند، نگفتند: چون ما زن هستيم بايد در خانه بنشينيم ، بلكه آنها را تعليم به حقايق و درخشان اسلام را به خوبى از رسول خدا مى آموختند و به وظيفه خود آشنا بودند، حجاب اسلامى آنها موجب نمى شد كه دست از وظيفه خود بردارند از اينرو هر كدام مشكى پر از آب كرده و به دوش مى گرفتند و به رزمندگان آب مى دادند، زخم خوردگان را مداوا مى نمودند.

تا آنجا احساس وظيفه مى كردند كه خود حضرت زهراى اطهر عليها‌السلام نيز غذا و آب به دوش مى كشيد و از پادر آمدگان ميدان رزم پرستارى مى كرد و به كمك اميرالمؤ منين على عليه‌السلام زخمهاى پيامبر را شستشو و مداوا مى نمودند. (٨٧)

پس از اين داستان مى آموزيم كه زنان هم مى توانند با حجاب كامل در اجتماع خدمت كنند.

## حجاب و نماز

فلسفه رعايت حجاب در حال نماز ممكن است از چند جهت زير باشد:

١ - حجاب براى زنان بهترين حالت است ، نماز نيز بهترين عمل عبادى است و چه بهتر كه زن نماز خود را در بهترين حالت ، كه حالت پوشش است انجام دهد.

٢ - نماز در عين آنكه يك عبادت است ، يك فرهنگ است ، يك كلاس بزرگ و پر بار است كه درسهاى مختلف مى آموزد، يكى از درسهاى آن اين است كه درس حجاب را به زنان مى آموزد، و آنها را عملا به حجاب دعوت مى كند.

٣ - با توجه به پنج بار نماز واجب در شبانه روز، زنان مسلمان پنج بار با حجاب كامل اسلامى با خدا رابطه برقرار مى كنند، و همين تكرار عمل ، چگونگى حجاب را به آنها ياد مى دهد.

و اين دستور مقدس را براى آنها به صورت يك عادت خوب ، درمى آورد، و پيوند آنها را با حجاب محكم مى سازد، قطعا چنين تكرارى آن هم در نماز، تمرين عميق و خوبى براى رعايت حفظ پوشش خواهد بود. (٨٨)

## الگوى زنان

مطابق پاره اى از روايات ، حضرت وقتى كه از خانه بيرون مى آمد شمله مى پوشيدند، (شمله روپوش فراگيرى بود كه كاملا سر تا پاى حضرت زهرا عليها‌السلام را مى پوشاند).

و نيز حضرت زهرا عليها‌السلام در وصيت خود به على عليه‌السلام فرمود: «جنازه ام را با تابوت (كه پوشاننده است) حمل كن».

و در اين مورد، وقتى اسماء بنت عُميس ، تابوت پوشاننده ساخت ، حضرت زهرا عليها‌السلام خرسند شد و فرمود: «بسيار خوب و عالى است» اين حوادث بيانگر آن است كه حضرت زهرا عليها‌السلام كه بايد الگوى زنان خداپرست و مسلمان باشد، براى خود حجاب برتر را برگزيند، و سفارش مى كرد كه حتما مسلمانان در لباس ، در مسكن ، در رفت و آمد و زندگى و تقسيم كار و... آن را رعايت كنند. (٨٩)

## زن در اجتماع

چگونگى وضع ظاهرى خطبه خواندن حضرت زهرا (عليها‌السلام)

يكى از امورى كه بعضى براى وسعت دادن به اختلاط زن و مرد، به آن تمسّك مى كنند موضوع خطبه خواندن حضرت زهرا عليها‌السلام در مسجدالنبّى است ، موضوع خطبه خواندن حضرت زهرا عليها‌السلام در مسجدالنبى در برابر مردان است ، در صورتيكه با تشريح چگونگى ورود حضرت زهرا عليها‌السلام و خطبه خواندن او به روشنى به دست مى آيد كه اين ماجرا هيچ گونه دلالتى بر اختلاط يا بى تناسبى آن با حريم حجاب و عفاف ندارد، بلكه بيانگر آن است كه بايد حتى در موارد ضرورت خطبه خواندن حضرت زهرا عليها‌السلام براى تبيين امامت حق ، بايد حريم عفاف را كاملا حفظ نمود، اينك در اينجا نظر شما را به ذكر متنى كه بيانگر ورود حضرت عليها‌السلام به مسجد و خطبه خواندن اوست ، و سپس به شرح كوتاه آن ، جلب مى كنيم :

عبداللّه بن حسن (نوه امام حسن مجتبى عليه‌السلام» از پدران خود نقل مى كند، هنگاميكه ابوبكر و عمر به اتفاق هم ، فدك را غصب كردند و اين خبر به حضرت زهرا عليها‌السلام رسيد در اين هنگام : حضرت زهرا عليها‌السلام روسرى خود را بر سرش پيچيد و عباى خود را كه (روپوشى مانند چادر بود) بر سر نمود و همراه گروهى از همفكران و ياران و زنان خويشاوند به سوى مسجد حركت كرد، آن حضرت در حال راه رفتن بر اثر شتاب يا بلندى لباس به قسمت پايين لباسش ، پا مى گذاشت (يعنى قسمت پائين پيراهن بلند يا چادرشان ، زير پايش قرار مى گرفت) راه رفتن او در (متانت و وقار) از راه رفتن رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله هيچ كم نداشت و همانند او بود، تا اينكه آن حضرت بر ابوبكر وارد شد، در حاليكه ابوبكر در ميان گروه بسيارى از مهاجر و انصار و ساير مسلمانان قرار گرفته بود، در اين هنگام ميان آن حضرت و مردم پرده اى نصب شد.

حضرت زهرا عليها‌السلام نشست ، سپس ناله جانسوزى نمود كه بر اثر آن صداى همه حاضران به گريه بلند شد، به گونه اى كه گويى از صداى گريه ، مسجد به لرزه در آمد، سپس حضرت زهرا عليها‌السلام اندكى سكوت كرد، تا مردم آرام شدند، و جوش و خروششان بر اثر گريه ، فرو نشست ، آنگاه خطبه را شروع كرد. (٩٠)

## اعتراض شديد زينب (عليها‌السلام) به يزيد

در ماجراى اسارت زينب عليها‌السلام زنان خاندان رسالت و همراهان پس از حادثه خونين عاشورا، زنان خاندان رسالت و همراهان را به گونه اى وارد دمشق كردند كه به آنها هتك حرمت شد، به طورى كه روپوش آنها را غارت كردند.

هنگاميكه زينب و همراهان را به مجلس يزيد وارد كردند، حضرت زينب عليها‌السلام در همانجا سخنرانى شديدى بر ضدّ روشهاى ظالمانه يزيد و يزيديان نمود، از جمله بر سر يزيد فرياد زد و فرمود:

آيا اين عدالت است كه زنان و كنيزان خود را در پشت پرده بنشانى ، ولى دختران رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله را به صورت اسير حركت دهى ، حريم پوشش صلى‌الله‌عليه‌وآله زنان ما را بشكنى و نقاب از چهره آنها بردارى .

سپس فرمود: سوگند به خدا جز پوست خودت را نكنده اى و گوشت خودت را پاره پاره نكرده اى ، حتما تو را در (قيامت) نزد رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله ببرند، با بار سنگين گناه ، گناه ريختن خون اهل بيت آن حضرت ، و هتك حرمت (حجاب) آنها، آنگاه حق ما از تو گرفته خواهد شد، و در آنجا عزّت ما و ذلّت خود را خواهى ديد.

اين فراز بيانگر آن است كه خاندان رسالت در مورد، «قداست حريم حجاب» بسيار حساّس بودند، به طوريكه هتك آن را در كنار گناه بزرگ ريختن خونشان ، عنوان يك گناه بزرگ مى شمردند، و با ذكر آن به سلطان ستمگر وقت ، اعتراض مى نمودند. (٩١)

## شهادت آيت اللّه آقا زاده در راه مبارزه با بى حجابى

شهيد آيت اللّه ميرزا محمد خراسانى مشهور به آقا زاده فرزند آخوند آيت الله شيخ كاظم خراسانى صاحب كتاب كفاية الاصول است ، وى در نيمه شعبان ١٢٩٤ ه‍ ق در نجف اشرف به دنيا آمد، و پس از رشد علمى و دريافت درجه اجتهاد، در سال ١٣٢٥ ه‍ ق (يك سال بعد از رويداد مشروطيت) به مشهد هجرت نمود، و در آنجا سكونت نموده علاوه بر تدريس و تربيت شاگرد، در امور سياسى دخالت مى كرد، و تا سر حد جهاد و تبعيد و زندان ، با هر گونه فساد مبارزه مى نمود.

هنگاميكه رضاخان كشف حجاب اجبارى را به اجرا گذاشت ، مرحوم آية اللّه آقا زاده همراه علماى ديگر، اعتراض شديد خود را اعلام نمود.

علماى برجسته مشهد مانند: آيت اللّه العظمى حاج آقا حسين قمى ، آيت اللّه حاج شيخ محمد آقا زاده ، آيت اللّه شيخ هاشم قزوينى ، آيت اللّه سيد عبداللّه شيرازى ، آيت اللّه سيد على اكبر خويى ، آيت اللّه شيخ غلامحسين قزوينى ، آيت اللّه سيد على سيستانى و... در بيت آيت اللّه العظمى سيد يونس اردبيلى (ره) اجتماع كردند و اعتراض خود را طىّ تلگرافى به رضاخان ، ابلاغ نمودند، اين تلگراف ، با امضاى ٣١ نفر از علماى برجسته مشهد، مزيّن شده بود.

پس از كشتار فجيع مسجد گوهر شاد به دست مزدوران رضاخانى ، چون رژيم پهلوى احتمال قيام عمومى را مى داد، همه علماى مبارز را دستگير كرده و از مشهد تبعيد نمود.

## چند فراز از گفتار شهيد مطهرى پيرامون حجاب

از جمله تبعيدشدگان به تهران سه نفر از مراجع برجسته بودند كه عبارتند از: آيت الله حاج آقا حسين قمى ، آيت اللّه سيديونس اردبيلى و آيت الله شيخ محمد آقا زاده .

مرحوم آيت اللّه آقازاده وقتى به تهران رسيد، به دستور رضاخان خلع لباس شد، و در دوره سرپاس مختارى (رئيس شهربانى وقت) با تزريق آمپول هوا به دست دكتر احمدى به شهادت رسيد، و در روز ٣١ ذيقعده سال ١٣٥٦ در جوار مرقد حضرت عبدالعظيم عليه‌السلام به خاك سپرده شد.

آرى او در حاليكه بيش از ٦٢ بهار از عمر پر بار و شريفش نگذشته بود، به خاطر مبارزه با كشف حجاب ، جان خود را فدا كرد تا امّت اسلام بيدار گردند، و دستور حجاب را پاس دارند، و در برابر بى حجابى ، مقاومت نموده و حريم حجاب و عفاف را از گزند دشمنان و غرب زدگان ، و مزدوران استعمار حفظ نمايند. (٩٢)

## چند فراز از گفتار شهيد مطهرى پيرامون حجاب

استاد شهيد، علامه مرتضى مطهرى در ضمن بيان تشريح فلسفه حجاب ، و بيان چهار اصل به عنوان شاخصه هاى فلسفه حجاب كه عبارتند از: ١ - آرامش روانى . ٢ - استحكام پيوند خانوادگى . ٣ - استوارى اجتماع . ٤ - ارزش و احترام زن ، مى نويسد:

«حجاب در اسلام از يك مساله كلّى تر و اساسى ترى ريشه مى گيرد، و آن اين است كه اسلام مى خواهد انواع التذاذهاى جنسى ، چه بصرى و لمسى و چه نوع ديگر، به محيط خانوادگى و در كادر ازدواج قانونى ، اختصاص يابد، اجتماع منحصرا براى كار و فعاليت باشد.

بر خلاف سيستم غربى عصر حاضر كه كار و فعاليت را با لذّت جوئيهاى جنسى به هم مى آميزد، اسلام مى خواهد اين دو محيط را كاملا از يكديگر تفكيك كند»

«وظيفه پوشش كه اسلام ، براى زنان مقررّ كرده است ، به اين معنى نيست كه آنها از خانه بيرون نروند، زندانى كردن و حبس زن در اسلام ، مطرح نيست ... پوشش زن در اسلام ، اين است كه زن در معاشرت خود با مردان ، بدن خود را بپوشاند، و به جلوه گرى و خودنمايى نپردازد، آيات مربوطه همين معنى را ذكر مى كند، و فتواى فقهاء هم موّيد همين مطلب است».

«از نظر استعمار گران اگر زن ايرانى بخواهد خود را فقط براى همسر قانونى يا براى حضور در مجالس اختصاصى زنان بيارايد، نه مصرف كننده لايقى براى سرمايه داران غربى خواهد بود، و نه وظيفه و ماموريت ديگرش را كه عبارت است از انحطاط اخلاق جوانان ،و ضعف اراده آنان ، و ايجاد ركورد در فعاليّت اجتماعى ، به نفع استعمار غرب ، انجام خواهد داد.»

به عقيده ما براى آرامش غريزه جنسى ، دو چيز لازم است :

١ - ارضاء غريزه جنسى در حد نياز طبيعى (با ازدواج .)

٢ - جلوگيرى از تهييج و تحريك آن (با پوشش .) (٩٣)

## عوامل بى حجابى يا بدحجابى

از مطالب گذشته و بررسى ريشه ها و زمينه ها چنين نتيجه مى گيريم كه عوامل بدحجابى را بايد در امور ده گانه زير خلاصه كرد:

١ - هجوم فرهنگ غرب ، و تلاش استعمار براى نابودى حجاب .

٢ - اعتقاد به آزادى غلط، و ناآگاهى از آزادى صحيح و معقول .

٣ - اعتقاد به دست و پاگير بودن حجاب براى كار و تلاش .

٤ - پيروى از هوسهاى نفسانى و خوشگذرانى بدون قيد و بند.

٥ - دگرگونى ارزشها، و اعتقاد كاذب به اينكه شخصيت زن در اين است كه زيبائيهايش آشكار باشد، كه چنين حالتى بر اثر آگاهى يا عقده هاى درونى ، و تربيت هاى ناصحيح است كه موجب كمبودهاى عاطفى شده ، و زن را براى جبران آن به شيوه هاى غير طبيعى و ناهنجار سوق مى دهد، از جمله او را به بى حجابى و يا بدحجابى مى كشاند.

٦ - الگوهاى دروغين ، عامل ديگرى براى بى حجابى و بدحجابى است ، با توجه به اينكه انسان به طور فطرى ، الگوپذير و الگو گزين است . اگر در اين راستا، هدايت صحيح ، او را راهنمايى نكند چه بسا با گزينش الگوهاى غربى و غرب زده ، و به بى حجابى و بدحجابى كشانده شود.

٧ - تقليد كوركورانه و بدون دليل كه از جهل و عدم اعتماد به نفس و كمبود نشأ ت گرفته و انسانها را از راه راست منحرف مى سازد.

٨ - جايگزينى فرهنگهاى بيگانه ، و دور شدن از فرهنگ اصيل اسلام .

٩ - بى محتوايى ، و عدم استقلال فكرى و ضعف تجربه و تحليلهاى عقلى و منطقى يكى از عوامل ديگر رو آوردن به ناهنجاريها از جمله ناهنجارى بى حجابى و بدحجابى است .

١٠ - سستى و سهل انگارى ، و زندگى بيمار گونه همچون زندگى معتادان كه معلول ضعف اراده است ، قطعا ضعف اراده از عوامل مهم انحرافات و كج انديشى ها و كج روشى خواهد شد. (٩٤)

## رضاخان مامور كشف حجاب

قبل از انقلاب اسلامى ايران ، بى حجابى و برهنگى در ايران آنچنان توسعه يافته بود كه در تهران و بعضى از شهرها بين پسر و دختر تشخيص داده نمى شد، و موجب مفاسد بسيار شده بود و روز به روز بر دامنه فساد و انحراف جنسى مى افزود، رژيم منهوس پهلوى ، بى حجابى را به عنوان تمدّن و رشد فرهنگى ، عنوان مى كرد، و با انواع ترفندها از آن ترويح مى نمود، براى اينكه نسل جوان ما كه در آن عصر نبودند، دورنمايى از آن عصر و وضع خاندان پهلوى را در رابطه با حجاب دريافت نمايند، دو داستان زير را بخوانيد تا بيشتر قدردان جمهورى اسلامى ايران باشيد. (٩٥)

در آن زمان كه رضاخان سلطنت مى كرد به روشنى معلوم بود كه از طرف انگليس ، به نام تمدّن ، ماءمور كشف حجاب است ، لذا او خود پيشتاز اين گناه بزرگ شد، به عنوان نمونه مى نويسند:

در عيد نوروز سال ١٣٦٠ ه‍ ش برابر با ٢٧ رمضان ١٣٤٦ ه‍ ق) رضاخان همسر و دو دخترش به نامهاى شمش و اشرف را بدون حجاب به قم فرستاد، اين سه زن بى حجاب مى خواستند با همان وضع براى به اصطلاح زيارت حضرت معصومه عليها‌السلام وارد حرم گردند، مردم قم و زائران اجتماع كردند و بر اثر خطابه «سيدناظم واعظ» احساس مسئوليت كرده و تنفّر خود را از ورود اين سه زن با سربرهنه به حرم مطهر اعلام نمودند.

در اين ميان ، عالم مجاهد حضرت آية اللّه محمد تقى بافقى كه از علماى نزديك به مرجع آن عصر آيت اللّه العظمى شيخ عبدالكريم حائرى بود، از حادثه اطلاع يافت و براى سه زن نامبرده چنين پيام داد:

«اگر شما مسلمان هستيد مسلمان نبايد با اين وضع در اين مكان مقدس حاضر شود، و اگر مسلمان نيستيد باز حق نداريد، (زيرا كافر نبايد وارد حرم گردد).

خانواده رضاخان به اين پيام گوش نكردند، آيت الله بافقى شخصا به حرم آمد و به آنها اخطار شديد كرد و مردم را براى جلوگيرى از ورود آنها با سر برهنه فرا خواند، همين موضوع از طريق شهربانى به رضاخان گزارش شد، رضاخان شخصا با يك واحد نظامى خود را به قم رسانيد، و خانواده خود را از دست مردم نجات داد و با كمال گستاخى ، با چكمه وارد صحن مطّهر گرديد و آيت اللّه بافقى (ره) را مورد ضرب و شتم قرار داد، سپس به دستور او، دژخيمان آن عالم ربّانى را به زمين خواباندند و شاه با عصاى ضخيم بر پشت او مى زد و او با فرياد مى گفت : «اى امام زمان ! به فرياد برس».

سپس آيت اللّه بافقى را به جرم مبارزه با بى حجابى ، مدّتى زندانى كردند و بعد از آن او را به شهر رى تبعيد نمودند، او در آنجا به عبادت اشتغال داشت تا از دنيا رفت ، سپس جنازه مطهّرش را به قم آوردند و در مسجد بالاسر حرم ، به خاك سپردند. (٩٦)

## زن بى حجاب

چه قدر ارزشمند است محل نشستن و سوار شدن زنان و مردان در اتوبوسهاى شركت واحد، در اكثر نقاط ايران ، جدا گشت ، و در آن حريم حجاب رعايت شده است و.. اين وضع زيبا را با وضع رژيم شاهنشاهى مقايسه كنيد كه دوستى مى گفت :

در اتوبوس شركت واحد سوار بودم ، دو نفر جوان جلف كنارم نشسته بودند، دخترى آرايش كرده و بى حجاب وارد اتوبوس شد، آن دو جوان حريصانه به او نگريستند يكى به ديگرى گفت :

بنويس ! اين دختر از نظر قد و قامت ، نمره اش ٢٠ است ، ديگرى گفت : بنويس ! در مورد بينى نمره اش ١٨ است و... دختر سخنان آنها را شنيد و با تندى به آنها گفت : برويد گم شويد، مرده شور ريختتان را ببرد، يكى از آنها بى درنگ گفت : بنويس از نظر اخلاق نمره اش صفر است .

آيا براستى به نظر شما مقصّر چه كسى بود؟ اگر عميق فكر كنيد و با انصاف باشيد خواهيد گفت : مقصّر آن دختر و يا آن بانو بود كه با آن وضع ظاهر شده بود. (٩٧)

## علّت شكست سپاه موسى عليه‌السلام

حضرت موسى عليه‌السلام با تلاشهاى پى گير خود به تدريج بر ستمگران پيروز شد و پرچم توحيد و عدالت را در نقاط زمين به اهتزار آورد، او براى توسعه خدا پرستى و عدالت همواره مى كوشيد، در آن عصر شهر انطاكيه (كه فعلا در تركيه واقع شده) شهر با سابقه و پر جمعيتى بود ولى ساكنان آن همراه در تحت حكومت خود كامگى ستمگران به سر مى بردند و از نظرات گوناگون در فشار قرار داشتند.

موسى براى نجات ملّت انطاكيه راهى جز سر كوبى ستمگران و فتح آن شهر و حومه نمى ديد، براى اجراى اين امر سپاهى به فرماندهى يوشع و كالب تشكيل داد و آن سپاه را به سوى انطاكيه رهسپار كرد.

عده اى از مردم نادان و از همه جا بى خبر و اغفال شده انطاكيه گرد عابد خود «بلعم باعور كه اسم اعظم را مى دانست جمع شده از او خواستند تا درباره حضرت موسى عليه‌السلام و سپاهش نفرين كند، بلعم در ابتدا اين پيشنهاد را رد كرد، ولى بعد بر اثر هواپرستى و جاه طلبى جواب مثبت به آنها داد، سوار بر الاغ خود شد تا به سر كوهى كه سپاه حضرت موسى عليه‌السلام از بالاى آن پيدا بودند برود و در آنجا در مورد حضرت موسى عليه‌السلام و سپاهش نفرين كند، در راه الاغش از حركت ايستاد، هر چه كرد الاغ به پيش نرفت حتى آنقدر با ضربات تازيانه اش آن را زد كه كشته شد، سپس آنرا رها كرد و پياده به بالاى كوه رفت ، ولى در آنجا هر چه فكر كرد تا اسم اعظم را به زبان آورد و نفرين كند به يادش نيامد و خلاصه چون به نفع دشمن و به زيان حق و عدالت گام برمى داشت شايستگى استجابت دعا در موردش از او گرفته شد و با كمال سرافكندگى برگشت .

او كه تيرش به هدف نرسيده بود و به طور كلّى از دين و ايمان سرخورده شده بود، ديگر همه چيز را ناديده گرفت و سخت مغلوب هوسهاى نفسانى خود گشت از آنجا كه دانشمند بود، براى سركوبى سپاه حضرت موسى عليه‌السلام راه عجيبى را به مردم انطاكيه پيشنهاد كرد، كه همواره براى شكست هر ملتى ، استعمار گران از همين راه استفاده مى كنند، آن راه و پيشنهاد، اين بود.

مرد انطاكيه از راه اشاعه فحشاء و انحراف جنسى و برداشتن پوشش و حجاب از زنان و دختران وارد عمل گردند، دختران و زنان زيبا چهره و خوش اندام را با وسايل آرايش بيارايند و آنها را همراه اجناس مورد نياز به عنوان خريد و فروش وارد سپاه حضرت موسى عليه‌السلام مى كنند و سفارش كرد كه هر گاه كسى از سربازان سپاه حضرت موسى عليه‌السلام خواست قصد سوء با آن دختران و زنها كند مانع او نشوند.

آنها همين كار را انجام دادند طولى نكشيد كه سپاه حضرت موسى عليه‌السلام با نگاههاى هوس آلود خود كه به پيكر سفير عريان زنان آرايش كردند و كم كم در پرتگاه انحراف جنسى قرار گرفتند، سپس كار رسوايى به اينجا كشيد كه : رئيس يك قسمت از سپاه حضرت موسى عليه‌السلام زنى را به حضور حضرت موسى عليه‌السلام آورد و گفت : خيال مى كنم نظر شما اين است كه هم بستر شدن با اين زن حرام است ، به خدا سوگند هرگز دستور تو را اجرا نخواهم ساخت ، آن زن را به خيمه برد و با او آميزش نمود.

كم كم بر اثر شهوت پرستى ، اراده ها سست شد، بيماريهاى مقاربتى و طاعون زياد گرديد، لشكر حضرت موسى عليه‌السلام از هم پاشيد تا آنجا كه نوشته اند بيست هزار نفر از سپاه حضرت موسى عليه‌السلام به خاك سياه افتادند و با وضع ننگينى سقوط كردند، روشن است كه با رخ دادن چنين وضعى ، شكست و بيچارگى حتمى است . اين داستان يك واقعيت تاريخى است ، به خوبى بيانگر يكى از فلسفه هاى پوشش ، براى زنان است .

خدا را شكر كه در پرتو جمهورى اسلامى ، در كشور ايران ، از بى حجابى و سبكسرى ها جلوگيرى شد، اميد آنكه با هوشيارى بيشتر، از بدحجابى و ورود فرهنگ ننگين غرب ، نيز پاكسازى گردد و جامعه سالم بماند. (٩٨)

## حقيقت زن

چنانچه زن مايه مباهات است ، حجاب سند شخصيت زن است نه وسيله عقب ماندن او در اجتماع ، حجاب حريم مقدس و قلعه آرامش زن است ، رسم است كه هر چيز با ارزش را پنهان دارند تا از دستبرد نااهلان مصون باشد.

اى زن ، تو نيز با حجاب باش تا اسرار وجوديت ، از ارزش نيفتد.

حجاب پوشش جسم تو است .

چرا كه پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله آن را براى تو به ارمغان آورد، تا با استفاده از آن به امنيت برسى و باوقار آزادى در جامعه ظاهر شوى و جذابيت وجودت باعث نشود كه ميكروبها و انگلهاى جامعه حقيقت وجود تو را تهديد نموده و آن را به فساد و تباهى بكشاند.

حجاب صدف است و گوهرى گرانبها، با حجاب شدن به نمايش صلى‌الله‌عليه‌وآله گذاشتن شخصيت واقعى زن و محدود كردن جسم و آزاد گذاشتن روح و عقل است و بى حجابى يعنى «پنهان شدن حقيقت زن و در پوشش جاذبه جنسى» و بدحجاب ميكروب جامعه است كه بر روح و افكار افراد رسوخ مى كند و آن را مشوش مى كند.

حجاب به عنوان سرمايه عظيمى براى زن است ، اين نقش مهم را ايفا مى كند،

پرده سياهى بر چشم هوسبازان كشيده و به او اجازه مى دهد سرمايه هاى وجود خويش را در كانون گرم خانواده متمركز نموده و با عرض استوار و خلل ناپذير اولين هسته اجتماعى را پى ريزى كند.

اگر خداوند متعال حجاب را بر زن واجب كرد، چون زن يك موجود زينتى و ظريفى است و مى خواسته با اين حجاب زن را يك موجود محترم بداند نه اينكه فقط وسيله اى باشد براى دفع شهوت مرد. (٩٩)

## هتاكى و خشونت براى مبارزه حجاب

در خاطرات صدرالاشرف آمده است :

در اتوبوس زن با حجاب را راه نمى دادند و در معابر پاسبانها از اهانت و كتك زدن به زنانى كه چادر داشتند با نهايت بى پروايى و بى رحمى فرو گذار نبودند.

حتى بعضى از مامورين به خصوص در شهرها و دهات ، زنهايى كه پارچه روى سرانداخته بودند، اگر چه چادر معمولى نبود از سر آنها كشيده پاره پاره مى كردند و اگر زن فرار مى كرد او را تا توى خانه اش تعقيب مى كردند،و به اين اكتفا نكرده ، اتاق زنها و صندوق لباس آنها را تفتيش كرده ، اگر چادر از هر قبيل مى ديدند، پاره پاره مى كردند يا به غنيمت مى بردند.

محمد رضاشاه راجع به كشف حجاب در كتاب «ماموريت براى وطنم» اشاره دارد، مى گويد: اقداماتى كه پدرم براى ترقى و پيشرفت معنوى بانوان به عمل آورد، طبعا با مخالفتهايى مواجه مى گرديد، ولى با آن شهامت و دورانديشى فطرى كه داشت موانع را از پيش برداشته و راه را هموار مى ساخت چنانكه مثلا در سال ١٣٠٧ كه مادرم به زيارت عتبه منوره (حضرت معصومه عليها‌السلام به قم مشرف شده بود، با وجود آنكه خود و همراهانش در نقاب بودند، ولى باز چون چادرشان كمى كوتاه بود، از طرف بعضى از متعصبين جاهل مورد طعن و توهين قرار گرفتند.

به مجردى كه اين خبر به تهران رسيد، پدرم با چند كاميون سرباز به آن شهر رفت و عامل آن اهانت را شخصا تنبيه فرمود...

پدرم در آغاز به رفع حجاب زنان اقدام كرد و در اثر تشويق و تحريص وى در سال ١٣٠٩ نخستين بار بعضى از بانوان طبقه اول در خانه هاى

خود و مجالس مهمانى به لباس اروپايى در آمدند وعده كمى هم جرات كرده ، بدون حجاب در خيابانها ظاهر مى شدند.

در سال ١٣١٣ آموزگاران و دختران دانش آموز، با داشتن حجاب ممنوع شدند و افسران ارتش با زنانى كه حجاب داشتند راه نمى رفتند. بالاخره در سال ١٣١٤ روز هفدهم دى پدرم با اعلام «كشف حجاب» قدم نهايى را در اين راه برداشت و از مادرم و خواهرم خواست كه بدون حجاب همراه وى در يكى از جشنهاى مهم رسمى كشور حاضر شوند.

جشن مزبور به مناسبت اعطاى دانشنامه به بانوانى كه از دانش سرا فارغ التحصيل شده بودند، برگزار مى شد و موقع بسيار مناسبى براى اين تصميم عمومى بود.

تا آنجائيكه اطلاع دارم اين اولين بارى بود كه در تاريخ جديد ايران بانوان بدون حجاب در مراسم رسمى عمومى شركت مى جستند و پرواضح است كه موقعيت در اين آزمايش بزرگ مرهون ابتكار پدرم و تا درجه اى مديون شجاعت مادر و خواهرانم بود كه در برابر رسوم كهنه و مورد حمايت اكثريت مردم از جمله بسيارى از روحانيون بزرگ و رجال كشور بود، قيام كنند.

اما رضاشاه مى دانست كه بسيارى از مردم ترقى خواه كشور و روحانيون دانشمند و / در خارج يا در تهران در مدارس خارجى تحصيل كرده بودند، طرفدار تصميم عاقلانه او هستند.

اقدام رضاشاه موفقيت كامل يافت و متعاقب آن پدرم دستور منع حجاب را صادر كرد.

به موجب اين دستور هيچ زن و يا دوشيزه اى حق پوشيدن چادر و نقاب نداشت و اگر زنى با روبند و چادر در كوچه پيدا مى شد، پاسبان از وى تقاضا مى كرد كه روبند خود را بردارد، و اگر امتناع مى كرد اجبارا او را برمى داشتند.

سرانجام با اعلام رسمى «كشف حجاب زنان» از طرف رضاخان در سالهاى قبل و بعد از ١٣١٤ جامعه ما با دو گروه مواجه بود دسته اى كه فرهنگ غربى را پذيرفته بودند و به دنبال آن به خاطر «آزادى» و تساوى حقوق تغيير لباس را نيز پذيرفتند.

و گروهى دوم اين تغيير لباس را قبول نكردند و دقيقا آنها بودند كه آن فرهنگ را نپذيرفته بودند و گول آن به اصطلاح «ترقى» و «آزادى»و «تساوى حقوق» صد البته به اصطلاح غربى را نخورده بودند و همانهايى بودند كه در برابر آن همه زور و قلدرى مقاومت كردند. مساله به ظاهر خيلى ساده بود، رضاخان مى خواست زنان را از چادر بيرون آورد و آنان را وارد دنياى پرنور و مدرن كند، ولى اكثريت عظيم اين مردم در برابر اين پيشنهاد ساده ، تا سر حد جان مقاومت كردند و حتى حاضر شدند جان خود را فدا كنند و كفن بپوشند اما لباس غربى نپوشند.

راستى كه دفاع زنان ما از لباس و حجابشان در قضيه كشف حجاب رضاخانى ، يك حماسه غرورانگيز در تاريخ ملت ماست . (١٠٠)

## چادر سياه سرگرفتن زنها از چه زمانى آغاز شد

در تفسير ابن كثير آمده :

امّ سلمه روايت كرده ، وقتى كه آيه فوق نازل شد، زنان طايفه انصار جامه هاى پشمى سياه به سر مى كردند، و در سياهى مانند زاغها بودند، و با همين وضع از كنار رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله عبور مى كردند.

رسول اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله در اين مورد به آنها اعتراض نكرد، و همين دليل تقرير و امضاء آن حضرت است ، و تقرير او مانند قول او حجت مى باشد. (١٠١)

## انهدام خانواده

در يكى از خانواده هاى محترم ، زنى زيبا و خوش اخلاق زندگى مى كرد، او با شوهر و چهار فرزندش با وجوديكه شوهرش چندين سال از او بزرگتر بود. در يك جوّ پر مهر و محبت و با تفاهم كامل روزگار را سپرى مى كردند.

نزديك خانه ايشان كاسب خبيثى بود كه هميشه به زيبايى آن زن (كه بى حجاب بود) چشم دوخته و در او طمع مى كرد، كم كم با كلمات و نغمه هاى عاشقانه اى او را فريب داد و به او گفت : تو زنى زيبا و كم سن هستى ، چگونه به زندگى با اينمرد بزرگسال تن مى دهى ؟!

و پيوسته در گوش او زمزمه مى كرد... تا اينكه شوهر آن زن تحت فشار همسر فريب خورده اش مجبور شد طلاقش دهد تا با آن مرد جوان كاسب ازدواج كند، به اين ترتيب (بى حجابى) كانون گرم خانواده اى را منهدم ، ميان دو همسر جدايى و بالا خره : فرزندان آنها را ضايع و آواره ساخت . (١٠٢) و همه بلاها بر اثر بى حجابى بود. اگر اين زن حجابش را در دست مى گرفت چشم دزدان ناموس به او نمى خورد و زندگى شيرين منهدم نمى گشت .

## جنايتهاى خاندان پهلوى

پهلوى اول دستور داد هر رئيس صنفى بايد هم صنفان خود را در روز معيّنى همراه با زنانشان و بدون حجاب در محلّى جمع نمايد.

روز اوّل از خود شاه و زن بى حجابش شروع شد، روز بعد از وزراء و خانواده هايش و روز سوم وكلا... و به همين ترتيب تا يك روز هم نوبت به اهل علم و خانواده هايشان رسيد.

اين برنامه ريزى براى آن بود كه اهل علم را مجبور به چنين عملى بكنند و در نتيجه بى حجابى رواج پيدا كند.

شاه از امام جمعه خواست اين كار را ترتيب دهد، امام جمعه آن وقت از شاه مهلت خواست چون مى دانست گوش ندادن به حرف شاه چه عاقبت سختى را به دنبال دارد.

امام جمعه به نزد مرحوم آيت اللّه سيد محمد بهبهانى (قدس سره) آمده جريان را به عرض ايشان رسانيد ايشان فرمود: اين را بدانيد براى هر انسانى چهار چيز است .

يكى مال ، ديگرى زندگى ، سوّم ناموس ، چهارم دين حال اگر بنا باشد يكى از اين فداى ديگرى بشود، بايد مال را فداى زندگى ، زندگى را فداى عرض و تمام را فداى دين كرد.

بعد مرحوم آيت اللّه به امام جمعه فرمود: شما عمر خود را نموده ايد و از عمرت چندى بيش باقى نمانده چه بهتر كه دستور را عملى نكنى ، زيرا اگر به دستور شاه عمل كردى خودت را به عذاب ابدى گرفتار خواهى نمود.

اضافه بر اين تاريخ هم ترا لعن مى كند، اما اگر كشته شوى سعادت دنيا و آخرت را براى خود كسب نموده اى پس از آن شاه امام جمعه را براى گرفتن جواب طلبيد، امام جمعه همان جوابى را به شاه داد كه آن مرحوم فرموده بود.

پهلوى از سخن او بسيار خشمگين شده گفت : اين سخن او نيست بلكه سخن سيدمحمّد بهبهانى است و به ناچار آن عالم را رها ساخت و خداوند هم آنها را از شر پهلوى نجات داد و به عزت دنيا و آخرت نائل گشته رحمت خدا بر آنان باد. (١٠٣)

## حقانيت حجاب

حجاب ، مانند فانوس است و زن شبيه به شمع است و حيا و عفت او همانند نور شمع ، يعنى زن عفيف همچون شمع روشن است و زنى كه عفت خود را از دست داده و بى حيا شده چون شمع خاموش است .

در قديم فانوس يك ظرفى بود مسى و يك پارچه شمعى كه نور پس مى داد، در اطرافش بود، شمع را داخل آن مى گذاشتند و بعد روشن مى كردند حال اگر باد مى وزيد اين شمع خاموش نمى شد. اما اگر شمعى بيرون بود، همين كه نسيمى مى وزيد، خاموش مى شد: زن شمع و اين حجاب چون فانوس است روشنى هميشه شمع به فانوس است .

شمع اگر بخواهد روشن بماند، بايد در اين فانوس باشد و اين فانوس براى حفظ نور و روشنايى اوست و زندان نيست . (١٠٤)

## پر طاووس

طاووس تا وقتى كه پر دارد زيبا و قشنگ است اگر پر طاووس را از او بگيرى و عريان بشود، چقدر زيبايى خود را از دست مى دهد. در حقيقت حجاب براى زن همانند پر براى طاووس است . (١٠٥)

پوشش براى شير زن آگاه چون پر بود كه زينت طاووس است

ارزش چادر

مى دانيد چادر يعنى چه ؟ درِ خانه شما چقدر ارزش دارد؟ بگو ١٠٠ هزار تومان حال اگر اين در كنده بشود و يك شب بى در باشى ، چقدر ضرر دارد؟

چادر يعنى در خانه . ١٠٠ هزار تومان مى دهد، يك ميليون تومان حفظ كند.

دور خانه هايتان سيم و ميله مى زنيد، يعنى چند هزار تومان خرج مى كنيد، اما صد برابرش را حفظ مى كنيد، خارجى ها چادر ندارند پس خانه شان هم در ندارد البته ديوار هم ندارد.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| هر كه خواهد گو بيا |  | و هر كه خواهد گو برو |

شما ديده بوديد كه در آبادان ، انگليسى ها آمده بودند آنجا خانه ساخته بودند.

آنجا ديوار نكشيده بودند، گفتند: چرا نمى كشيد؟ گفتند با ديوار فضاى خانه گرفته مى شود. بايد خانه باز و دلباز باشد و همه خانه ها مى شود يك خانه .

حال بيا و همه خانه ها را نگاه كن . زنها از خانه بيرون مى آمدند،! اما در معرض ديد همه مردم ، آبادانيها كه اين طور نبودند، انگليسى ها اين ارمغان را براى ايشان آوردند. و الاّ اينها از غيورترين و جدّى ترين مردم بودند. اما مدتى با اينها معاشرت كردند و عوض شدند.

الان هم دارند زنده مى شوند و خودشان را دارند حفظ مى كنند و گذشته را جبران مى كنند چه شهيدهاى خوبى اينها در انقلاب دادند و چه صبر خوبى در دوران مهاجرت انجام دادند امّا اين غم فسادى كه اينها خوردند از معاشرت با انگليسى ها بود.

شما مى ديديد خانواده هايى كه وضع خوبى داشتند، رفتند اروپا و برگشتند و بى غيريت شدند. (١٠٦)

## بخشنامه ضد حجاب

وزير آموزش و پرورش رژيم گذشته منوچهر گنجى به دستور مسئولان رژيم بخشنامه زير را براى اجراء به سراسر كشور صادر كرد

(٢٣/٨/٢٥٣٥ (١٣٥٥ شمسى) شماره ٢٤٣/٣٦ از دفتر خدمات محرمانه)

اداره كل آموزش و پرورش

طبق گزارشات رسيده ، مشاهده مى شود هنوز در جلسات امتحانات مدارس و در كلاسهاى درس دوشيزگان با چادر حضور پيدا مى كنند و با توجه به تحولات بنيادى كه در عصر رستاخيز در كليه شئون كشور بخصوص در زمينه آزادى زنان بعمل آمده اند لذا استفاده از چادر صرف نظر از اينكه با روح انقلاب سفيد ايران سازگارى ندارد، از نشانه هاى عقب ماندگى زنان از كاروان ترقى و تمدن نيز به شمار مى رود.

دستور فرمائيد مراقبتهاى لازم به عمل آيد كه در كلاسهاى درس و جلسات امتحانى دانش آموزان و بانوان بدون چادر و با لباس مناسب شركت نمايند.

مدير كل و رؤ ساى ادارات آموزشى و پرورشى مسئول اجراء اين دستور مى باشند وصول بخشنامه و نتيجه اقدامات محوله را به دفتر حفاظت اعلام داريد.

وزير آموزش و پرورش منوچهر گنجى

لازم به تذكر است كه منوچهر گنجى از عناصر فرارى رژيم گذشته و از ضد انقلابيون مقيم خارج كشور است كه اسناد ارتباطش با سيا و اخبار دريافت كمك وى از آمريكا در سالهاى گذشته منتشر شده است (ماهنامه صبح سال دوم شماره ٦٦ ص ٦٢ عين بخشنامه را گردآورى كرده است .

بخشنامه يادشده دو سال قبل از انقلاب صادر شده است و ملاحظه مى كنيد كه اگر انقلاب نشده بود رژيم منحوس چه فاجعه اى بوجود مى آورد.

چنانكه در سال ١٣٥٥ نيز تصويب كردند كه ضمن تعليمات اجبارى ورود بانوان ، دانشجويان و دانش آموزان دختر باحجاب به مراكز آموزشى ممنوع است ، سوار كردن افراد با حجاب به قطار، هواپيما و ماشين هاى شركت واحد ممنوع مى باشد و بليط به آنها فروخته نمى شود فقط بانوان ٦٠ سال به بالا مثتثنى هستند و نگارنده خود قبل از انقلاب در يكى از شهرهاى غرب كشور شاهد بودم كه زنان بى حجاب را آنهم با وضع بسيار زننده اى در مدارس راهنمائى پسرانه بعنوان معلمين دينى منصوب كرده بودند و بارها مى ديدم كه معلمين بى حجاب آرايش كرده در خيابانها راه افتاده و دانش آموزان را كه همانند عروسك آنها را درست كرده بودند بدنبال خود مى گردانيدند.

خدا را شكر مى كنيم كه با اين انقلاب اسلامى ملّت ما بخصوص زنان و جوانان از آثار خانمانسوز نقشه هاى بيگانگان در امان ماندند و الحمدللّه . (١٠٧)

## ارزشهاى گرانقدر حجاب

زن با حجاب و چادرى ، رضايت پروردگار را به دست مى آورد.

زن بد حجاب و بى حجاب سبب خشنودى شيطان مى شود.

حجاب مواظبت از گل ميباشد.

جمال زن در جلال حجاب است .

زن با حجاب ، نزد شوهر محبوبتر است .

حجاب باعث آرامش روح است .

حجاب نشانه عدم كمبود و عدم حقارت نفس است .

حجاب ، باعث دوام بيشتر زندگى مى شود.

اضطراب در زنان با حجاب ، نسبت به بد حجابها كمتر است .

حجاب مصونيت است ، نه محدوديت .

حجاب و چادر، نشانه عفاف زن است .

دختر با حجاب ، زودتر همسر مى يابد.

حجاب ، ارزش زن را بالا مى برد.

حجاب ، يعنى ، گسستن قيود اسارت نفس و رهايى از آن است .

فساد و سقط جنين در با حجابها كمتر است .

زن با حجاب ، مردان هرزه را در اهدافشان نا اميد مى كند.

حجاب نشان دهنده حيا و پاكى روح و روان زن است .

زن با حجاب ، در تحصيل علم موفقتر است .

حجاب و تقوا، آدمى را بهشتى مى كند.

حجاب ، مانع ايجاد فرزندان نامشروع مى شود.

حجاب ، نشان دهنده استقلال در فرهنگ مذهبى و ملّى است .

چادر مشكى زن و حجاب او، تير زهر آلودى بر قلب شيطان بزرگ است .

حجاب ، خطرات اوباش و اراذل را از زن دور مى كند.

طلاق و فروپاشى زندگى در زنان با تقوا و با حجاب كمتر است .

زن محجّبه ، باعث عزت و سرافرازى خود و شوهرش است .

محجّب بودن ، يعنى ، خروج از ولايت شيطان و دخول در ولايت اللّه است .

زن با حجابش ، دشمنان را در اهدافشان كه همان ضربه به اسلام است ، شكست مى دهد.

زن باحجابش ، روح شهدا را شاد مى كند و به جرگه پيروان واقعى شهدا مى پيونداند.

زن باحجاب ، حق شوهر را ضايع نمى كند و به او خيانت نمى ورزد.

چادر مشكى ، باعث غمگينى شياطين و هرزگان و روشنى دل مؤ منان است .

حجاب زن ، نشانه غيرت پدر، برادر و شوهرش است .

حجاب ، مبيّن ايمان و اعتقاد زن به خداوند سبحان و روز قيامت است .

حجاب ، بيانگر شخصيت حقيقى زن است ، در حالى كه بد حجاب اصالت و هويّت خود را از دست مى دهد.

زن چادرى و با حجاب ، مطيع خداست و زن بد حجاب ، مطيع شياطين است .

زن محجّب ، شيطان را (در عملِ خود كه همان فساد و انحراف است نا اميد مى كند.

زن با حجاب ، باحجابش به قرآن شريف و ائمه (عليهم السلام) و خون شهدا و....احترام مى گذارد، ولى بد حجاب به همه اينها كج دهنى مى كند.

دختران و زنان با حجاب ، از لحاظ روحى و اخلاقى سالم ترند، در حالى كه بد حجاب و بى حجاب با ناز و عشوه ... مى خواهد نقايص خود را جبران كند.

زن با حجاب ، باپوشش خود، آرايش و زينت را به شوهرش اختصاص مى دهد، ولى بد حجاب با عشوه و آرايش خود، مى خواهد محبوب همه باشد، نه شوهر خويش .

زن باحجاب ، همچون مرواريد است در صدف كه به شوهرش اختصاص دارد، ولى زن بد حجاب ، مانند جواهرات بدلى بدون پوشش هستند كه در هر جا به چشم مى خورند.

زن با حجاب ، نخستين عشق و گوهر عفت خود را به شوهرش تقديم مى دارد، ولى زن بى حجاب و بى تقوا، بعد از معاشرتهاى بسيار و در معرض نگاههاى مختلف قرار گرفتن ، شايد آخرين عشق خود را به شوهرش مى دهد.

زن به بفرموده حضرت على عليه‌السلام: مانند گل خوشبو است .

حجاب باعث مى شود،زن لطافت و طبيعت خود را از دست ندهد و مانند گلى شود كه در دسترس همگان نيست و زود پژمرده نمى شود،ولى زن بى حجاب و بدحجاب ، مانند گلى است كه در اماكن عمومى و پاركها قرار دارد و سريع لطافت و طبيعت خود را از دست مى دهد و باغبان كه همان شوهر است ، اندك اندك به گل بى اعتنا مى شود.

زن محجوبه ، چون كمتر ديده مى شود، محبوب است و هر چه محبوب شد مطلوب است . (١٠٨)

## توصيه چارلى چاپلين به دخترش

چارلى كه در آوريل «١٨٨٩» در لندن به دنيا آمد، يكى از كمدين هاى مشهور جهان است .

در نامه اى به دخترش مى گويد:

برهنگى بيمارى عصر ماست و من پيرم شايد حرفهاى خنده آور مى زنم ، اما به گمان من تن عريان تو بايد مال كسى باشد كه روح عريانش را دوست دارى . (١٠٩)

نتيجه

از آنچه گفتيم معلوم شد كه زن ، با حجاب خويش مى تواند شرافت خويش را حفظ كند و زن شايسته اى براى همسرش باشد. زن با حجاب خود مى تواند همسرش را اسير خود گرداند و اگر شوهرش بى اعتقاد هم باشد به دنبال زن ديگرى نرود كه خود اين مساءله ، باعث استحكام نظام خانواده مى گردد.

بر همين اساس بود كه بازيگران و گويندگان سابق سينما و تلويزيون از آن كارها توبه كرده اند و هنرمند واقعى گشته اند و حفظ شخصيت حقيقى خود را در حجاب يافته اند و دانستند كه پيش از آن ملعبه دست مشتى خدانشناس بوده اند، و از وجود و زيبايى آنان براى جلب مشترى بيشتر در فيلمها استفاده مى شد، تا به اين طريق زراندوزان از خدا بى خبر سريعتر به مطامع دنيوى برسند.

دلسوزانه به همه بانوانى كه در اين راهها قدم مى نهند عرض مى كنيم : راهى كه ديگران رفتند و سالها تجربه كردند و چيزى جز ضرر برايشان حاصل نشد، عاقلانه نيست شما آن راه را برويد.

تقاضا داريم به آغوش اسلام باز گرديد و در سايه لطف و رحمت خداوند بزرگ زندگى كنيد، كه سعادت دنيا و آخرت در آن است .

و گناه و نافرمانى حق تعالى ضررش به خود انسان بر مى گردد. بر همين اساس خداوند سبحان مى فرمايد: «... يا ايّها الناس انّما بغيكم على انفسكم ...» اى مردم ، طغيان و سر پيچى از دستورات الهى ، ضررش به شما بر مى گردد. (١١٠)

### فساد و سقوط اجتماع

از دير باز فساد، عامل تباهى اجتماعات بشرى بوده است بطورى كه مى توان اين تجربه را بعنوان يكى از قوانين حاكم بر ملّتها بحساب آورد كه تاريخ موارد آنرا بطور مكرر ثبت كرده است .

امّتهاى گذشته ، مسلمان و حتى جوامع غير اسلامى هر يك زيانهاى ناشى از اين فرهنگ را متحمل گشته اند كه در اين نوشتار بذكر نمونه اى از هر يك بسنده مى كنيم .

## شكست مسلمانان و زوال اسلام در اندلس

«اَندُلُس» كه امروز «اسپانيا» ناميده مى شود در سال ٧١١ ميلادى به تصرف مسلمانان در آمد با آن كه اروپا در حالت توحش و قرون وسطائى مى زيست ، مسلمانان اسپانيا را به اوج تمدن و دانش رساندند.

«دكتر گوستاولون» دانشمند معروف فرانسوى در اين باره مى نويسد: در زمان مسيحيان اسپانيا قبل از اعراب ، تمدن و آبادى جز همان مقدار كه وحشيان گوت داشتند در اين كشور بچشم نمى خورد، اعراب مقارن باپايان فتوحات خود در اين سرزمين دست به اصلاحات و عمران و آبادى زده و در زمانى كمتر از صد سال توانستند زمينهاى لم يزرع و موات را زير كشت و زرع در آورده و شهرهائى كه بصورت ويرانه در آمده بود از نو بسازند و بناهاى بسيار عالى و مهم در آنجا بنا كنند و از طرفى ارتباطات خارجى با كشورهاى ديگر برقرار سازند.

سپس دست به ترويج علوم و دانش زده بهمين منظور كتب يونانى و لاتينى را به زبان عرب ترجمه كردند، دانشگاههاى بزرگى تاءسيس نمودند كه يكى از همين دانشگاهها مدت زمانى مركز نشر علوم و معارف در تمام قاره اروپا شده بود...و در حقيقت «قرطبه» براى مدت سيصد سال مترقى ترين شهرهاى دنياى آنروز بوده است .

مسلمانان حدود ٨٠٠ سال در اسپانيا قدرت را در دست داشتند و اسپانيا در اين مدت مهد علم و تمدن گرديده بود تا آنكه دشمنان با انتشار فساد و بى حجابى و رواج مشربات الكلى و بى بندوبارى و بالاخره در اثر اختلاف زمامداران حكومت مسلمانان ساقط گرديد.

بلكه طبق نوشته دكتر گوستاولوبون : بعد از سقوط حكومت مسلمين ، نخست مسلمانان را بزور وادار به قبول دين مسيح كردند، سپس محكمه هاى تفتيش عقائد، دستور سوزاندن اين تازه مسيحيان را داد.

به بهانه اينكه اينها واقعا به دين مسيح در نيامده اند و بقيه را وادار به مهاجرت كردند. در سال ١٦١٠ ميلادى دولت اسپانيا دستور داد تمام اعراب از اسپانيا بيرون روند و مهاجرت كنند اعراب كه با اين دستور ناچار بجلاى وطن گشتند در سر راه كه مى خواستند از اسپانيا هجرت كنند بيشترشان بدست مسيحيان كشته شدند آنگاه بنقل از «راهب بليدا» مى گويد: ٤/٣ اين مهاجران در اثناى مهاجرت كشته شدند.

و اضافه مى كند: و او (بليدا) همان كسى است كه كاروان يكصد و چهل هزار نفريشان را كشت . اين مورخ معروف فرانسوى بنقل از «سديلو» مورخ معروف مى نويسد: از زمانى كه «فرديناند» اسپانيا را فتح كرد، تا آخرين مهاجرت اعراب سه ميليون نفر از نفوس اسپانيا كاسته شد.

مى بينيم چگونه يك ملت مسلمان بر اثر فساد؛ حكومت ، فرهنگ ، دين و حتى جان خود را از دست دادند.

آرى اينست نتيجه جوامعى كه از مسير فطرت منحرف گشته و در گرداب فساد غوطه ور شده اند. باشد كه كشورهاى اسلامى از آن درس عبرت بگيرند.

پيامبرصلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: «لا يُلْدغ الْمُؤ مِن مِنْ جُحرٍ مَرَّتَين»

مؤ من هرگز از يك سوراخ دو بار گزيده نمى شود. (١١١)

##  گفته ها

براستى فساد بصورت كنونى جز بدبختى و نكبت چه چيزى را با خود بارمغان آورده است ؟

عمق فاجعه ناشى از فرهنگ بر هنگى آنقدر زياد است كه سران استكبار را هم بفرياد درآورده است «كندى» رئيس جمهور اسبق آمريكا مى گويد: از هر هفت جوانى كه به سر بازى اعزام مى شوند ٦ نفرشان نالايق و سست عنصر از آب در مى آيند و اين بدان سبب است كه افراط در شهوترانى استعدادهاى بدنى و روانى آنان را كاسته است .

«خروشچف» رئيس اسبق «اتحاد جماهير شوروى» در اين باره مى گويد:

آينده شوروى در خطر است و جوانان هرگز آتيه اميد بخشى ندارند، زيرا بى بندوبار و اسير شهوات گشته اند.

«ويل دورانت» مورخ معروف مى گويد: ما ميراث اجتماعى خود را با اين فساد انبوه به هدر خواهيم داد.

جالب تر آنست كه بدانيم عوارض شوم فساد بجائى رسيده است كه حتى كندى در خواست كمك كرده و مى گويد: نسل جوان اروپائى و آمريكائى هوسبازند من براى نسل آينده آمريكا بيمناكم .

از اين رو دانشمندان و روشنفكران و مصلحين اجتماع را دعوت مى كنيم كه در باره اين خطر بزرگ كه دنياى بشريت را تهديد مى كند فكرى كرده و راه علاجى پيدا نمايند.

آرى حجاب است كه با كنترل غريزه و نظم و قانون بخشيدن با رضاى آن جامعه را استوار ساخته ، و آنرا در مقابل عوامل سقوط بيمه خواهد كرد. باميد بيدارى جوامع اسلامى و بازگشت به فرهنگ ملى اسلامى خود.

عاقبت انديشى :

مردى با اصرار از پيامبر گرامى اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله خواست تا به او پندى بياموزد؛ رسول اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله تا سه بار به او فرمود: اگر بگويم بكار مى بندى ؟

هر سه بار جواب شنيد. بلى يا رسول اللّه .

آنگاه پيامبر فرمود:

اِذ ا هَمَمْتَ بِأ مرٍ فَتَدَبَرَّ اِنْ يَكُ رُشْدا فَاَمْضِهْ وَ اِنْ غَيّا فَاَنْتَهِ عَنْه .

هرگاه تصميم بكارى گرفتى در عاقبت آن كار بينديش اگر ديدى عاقبتش خوب است آن را دنبال كن و اگر عاقبتش تباهى است از آن صرف نظر كن .

كاش بى حجابان عصر ما لحظه اى به نتايج كار خويش مى انديشيدند! و آينده فرزندان و جامعه خويش را با دست خود بخاطر تقليد از بيگانگان به آتش نمى كشيدند!!

«غم انگيزترين فاجعه معاصر آنست كه بعضى از زنان جوامع اسلامى به فطرت ، مذهب ، فرهنگ و تمدن ملّى خود، پشت پا زده و بجاى آنكه به عواقب شوم و خطرناك آن بينديشند. افتخار مى كنند كه به فرهنگ از ما بهتران !؟ نزديكتر شده و متمدّن و متجدّد! گشته اند.»

كاش حفظ شخصيت زن و استوارى جامعه خويش را بر خودنمائى و آرايشهاى مبتذل مقدّم مى نمودند.

كاش بجاى تقليد كوركورانه و غرق شدن در اين مرداب خطرناك با ديده اى باز به بررسى فوائد حجاب و عوارض فساد پرداخته و آنگاه راه خويش را انتخاب مى كردند. (١١٢)

## حجاب پيام عاشورا

قيام خونين كربلاء كه ماهيّتش امر به معروف و نهى از هر منكر بود بنيان فساد را لرزاند. آرى سالار شهيدان براى حفظ ارزشهاى متعالى دين بپا خاست و به شهادت رسيد. ولى رسالت عاشورا همچنان در قافله اسيران كربلا پى گيرى شد، با قافله اسيران غم همراه مى شويم تا از لابلاى كلمات آن عزيزان پيام عاشورا را با گوش جان بشنويم .

يزيد فاجعه كربلاء را با تبليغات فراوان پيروزى خواند و مردم را براى تماشاى پيروزيهايش دعوت كرد، اينك قافله اسراء نزديك شهر دمشق رسيده است ، ام كلثوم نزد شمر آمد و فرمود: ما را از راهى ببر كه تماشاچيانِ كمترى جمع شده اند و سرهاى مطهّر شهيدانمان را از بين محمل و كجاوه هاى ما جدا كن و آنها را در جلو قافله حركت بده تا توجّه مردم به ديدن آنها جلب گردد و صورت دختران پيامبر از نگاه نامحرمان محفوظ بماند.

ام كلثوم اينگونه مسؤ ليت خويش را ادا نمود ولى به اين در خواست توجهى نگرديد.

قافله اسيران به شهر شام داخل شد «سهل بن سعد ساعدى» مى گويد: ناگاه ديدم زنانى بر شتران بى روپوش سوارند نزديك شدم واز نخستين زن پرسيدم كيستى ؟!

گفت : سكينه دختر امام حسين عليه‌السلام هستم .

گفتم : آيا حاجتى دارى تا برآرم كه من سهل بن سعد ساعدى هستم جّد ترا ديدم حديث او را شنيدم .

گفت : اى سهل به حامل اين سر بگو كه آنرا پيشتر بَرد تا مردم مشغول نگريستن آن شوند و به حرم پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآله نگاه نكنند. سهل مى گويد: چهار صد دينار دادم تا سر را جلوتر بُردند.

قافله اسيران را نزد يزيد آوردند زينب عليها‌السلام لب به اعتراض گشوده فرمود: اى پسر آزاد شده !!آيا عدالت اينستكه زنان و كنيزانت را در پشت پرده و ما را در بين نامحرمان جا داده اى ؟ امّا سكينه عليها‌السلام اندوه جانكاهش را با گريه اظهار مى كند. وقتى يزيد از او پرسيد: چرا گريه مى كنى ؟ فرمود: چگونه گريه نكند كسى كه روپوشى ندارد تا با آن صورتش را از تو و نامحرمانى كه در مجلس تو حاضرند بپوشاند؟ آرى او مى گريد كه چرا روپوشى بر صورت ندارد. و بدينسان پيام مكتب عاشوراء نيز حفظ حجاب است . (١١٣)

تاريخچه ، اهداف و شيوه برهنگى و بى حجابى دامى شيطانى است : در قرآن برهنگى و فساد را از دامهاى شيطان معرفى كرده است :

يابنى آدم لا يفتننكم الشيطان كما اخرج ابويكم من الجنه ينزع عنهما لباسهما ليريهما سوء تهما انه يراكم هو و قبيله من حيث لا ترونهم انا جعلنا الشياطين اولياء للذين لا يؤ منون .

اى فرزندان آدم مبادا شيطان شما را بفريبد، آنگونه كه پدر و مادر شما را از بهشت بيرون راند، لباسشان را از تنشان بيرون آورد تا عورتشان را به آنها بنماياند شيطان و وابستگان او از جائى شما را مى بينند كه شما آنها را نمى بينيد ما شياطين را اولياء دوستان كسانى قرار داديم كه ايمان نمى آورند.

با توجه به آنكه لباس و حجاب وسيله اى است براى زينت ، عفاف ، و تقوى .

كشف حجاب هم از دامهاى شيطان و اولياء اوست . بهمين جهت قرآن ضمن تشريح دامهاى شيطان به مسلمانان اينگونه توصيه مى فرمايد:

يا ايها الذين آمنوا لا تتبعوا خطوات الشيطان و من يتبع خطوات الشيطان فانه ياءمر بالفحشاء و المنكر و لولا فضل الله عليكم و رحمته ما زكى منكم من اءحد اءبدا ولكن الله يزكى من يشاء و الله سميع عليم .

اى كسانى كه ايمان آورده ايد از دامهاى شيطان پيروى نكنيد هركس از اين دامها پيروى كند شيطان او را به فحشاء و منكر دستور مى دهد و اگر فضل و رحمت الهى بر شما نمى بود هرگز هيچيك از شما پاك نمى شد ولى خداوند هر كس را كه بخواهد تزكيه خواهد كرد و خدا شنونده و داناست . (١١٤) (١١٥)

## تاريخچه بى حجابى

از فصلهاى گذشته بخوبى معلوم شد كه تاريخ حجاب به آفرينش اولين موجودات روى زمين يعنى حضرت آدم و حوا (عليهما‌السلام) برمى گردد و فراز و نشيبهاى بى شمارى كه در طول تاريخ رخ داده نتوانسته آن را از بين ببرد. تاريخ بى حجابى به سبك جديد آن از رنسانس علمى صنعتى اروپا آغاز مى شود و طبق شواهد تاريخى كارخانه داران بزرگ براى استفاده از نيروى كار ارزان قيمت زنان ، زمينه باصطلاح آزادى !! زنان و امكان حضور آنان را در محيط كار پديد آوردند.

زنان بى خبر از همه جا در تلاش فراوان براى دست يافتن بحقوق اوّليه خويش !!گول اين تبليغات دروغين را خورده و آنان را در اين جهت يارى دادند!! دامنه اين اقدامات كم كم كشورهاى اسلامى را نيز فرا گرفت و بصورت سلاحى كار آمد براى تضعيف معنويت و اخلاق و سقوط اسلامى بكار گرفته شد و استعمارگران در جهت ترويج آن از هيچ اقدامى فروگذار نكردند در اين راستا واژه هاى بسيارى تغيير كرد مذاهب جديدى توسط استعمار ساخته شد حرفهائى در قالب علمى مطرح گرديد و... نخستين كشور اسلامى كه اقدام بكشف حجاب از بانوان كرد افغانستان بود.

امان اللّه خان پادشاه افغانستان مسافرتى به اروپا كرده و در مراجعت از اروپا در سال ١٣٠٦ شمسى به ايران آمد و از طريق خراسان بكشورش باز گشت به محض ورود به پايتخت اعلام نمود كه زنان بايستى بدون حجاب باشند و نخست خود با همسرش بدون حجاب در مجامع و محافل ظاهر شد.

اين بى پروائى آنهم در كشورى چون افغانستان موجب قيام عمومى در آن كشور گرديد و امان اللّه خان ناچار به استعفا و ترك كشور شد.

دومين كشور را مى توان تركيه دانست : بعد از سقوط دولت عثمانى در تركيه آتاتورك در سال ١٣١٣ فرمان منع حجاب را صادر كرد.

در ايران آغازگر بى حجابى را زنى بنام قرة العين دانسته اند وى كه در سال ١٢٢٣ در يك خانواده مذهبى در قزوين بدنيا آمد با ظهور باب به اين مسلك استعمارى پيوست . وى با كشف حجاب و آرايش كامل ظاهر مى گشت و به ترويج بهائيت مى پرداخت تا آنكه فشار افكار عمومى بر دولت ناصرالدين شاه بالا گرفت و قرة العين معدوم گرديد.

ولى زمينه سازى براى كشف حجاب بطور رسمى همزمان با اقدامات آتاتورك آغاز گرديد در سال ١٣١٣ وزير معارف وقت مسافرتى به شيراز مى كند و بمناسبتى مجلس جشنى كه از پيش تدارك ديده شده بود برپا مى كند كه عدّه زيادى از طبقات مردم در آن شركت نموده بودند پس از ايراد سخنرانيها و نمايش در خاتمه آن عده اى از دوشيزگان بروى صحنه (سِن) نمايان مى شوند و ناگهان نقاب از چهره بر مى گيرند و اركستر رقص مى نوازند و دختران به پاى كوبى مى پردازند.

اعتراض و فشار افكار عمومى در همان مجلس و در شهر بالا مى گيرد و رضا خان بخاطر هراس از قيام عمومى انجام اين اقدام شوم را بتاءخير مى اندازد. ولى پس از مسافرت به تركيه و اطمينان از آنكه كشف حجاب در كشورهاى اسلامى قيام عمومى را بدنبال نخواهد داشت بصورت جدى وارد عمل مى گردد.

كتاب تاريخ بيست ساله ايران در اين باره مى نويسد: مجالس جشن و سخنرانى ابتدا در تهران و شهرهاى شمال ايران و سپس بتدريج در ساير شهرها برقرار مى گردد. ولى پيشرفت زيادى نداشت و اكثريت مردم نه تنها استقبال نمى كردند بلكه با نظر تنفّر مى نگريستند تا روز ١٧ ديماه ١٣١٤ كه شاه باتفاق ملكه و شاهدخت ها در جشن دانشسراى مقدماتى حضور يافتند.

محمود جم نخست وزير وقت مى گويد: جالب تر از همه اين بود كه ميهمانان حتى وزراء كه يك عمر بود با هم دوست و رفيق بودند آنروز براى اولين بار صورت زنهاى يكديگر را مى ديدند. چونكه تا آنروز هيچ دوستى مجاز نبود صورت زن دوست خود را ببيند.

البته اين اقدامات بعد از به خاك و خون كشيدن اجتماع مردم مشهد صورت مى گيرد در اين اجتماع كه در تاريخ ٢١ تير ماه ١٣١٤ براى انصراف شاه از عمل تغيير لباس و كشف حجاب در مسجد گوهرشاد قبل از اعلام رسمى آن تشكيل گرديده بود قزاقان دژخيم با كشتن بيش از دو تا پنج هزار تن و اسير كردن ١٥٠٠ نفر، مردم را سركوب و مرعوب نمودند، اين موج خشونت بنظر رضاخان اعلام رسمى كشف حجاب را با يك قيام عمومى مواجه نمى ساخت .

زيرا كه با اين عمل دژخيمانه به همگان ثابت كرده بود كه از هيچ اقدامى جهت اين نقشه استعمارى اِباء ندارد.

رضاخان از اين اقدامات طرفى نبست تبليغات مطبوعات وابسته هم تاءثير چندانى نداشت بالا خره با زور سر نيزه به عملى كردن كشف حجاب پرداخت .

امام خمينى در بيان خاطرات تلخ خود از اين روز مى فرمايند: امروز هفده دى است من يادم هست كه هفده دى چه شرارتى كرد اين آدم (رضاخان)، چقدر به اين ملت فشار آورد چه اختناقى ايجاد كرد، چه محترماتى را هتك كرد، چقدر سقط جنين شد.

در هفده دى و اطراف هفده دى چقدر ماءموران و دژخيمان او به زن ها تندى كردند و زن ها را از توى خانه ها بيرون كشيدند، كارهائى كه او كرده است نمى شود شرحش داد.

مهديقلى هدايت در اين مورد مى نويسد: پليس دستور يافت روسرى را از سرزنها بكشد، روسرى ها پاره شد و اگر ارزش داشت تصاحب ، مدتى زد و خورد بين پليس و زنها دوام داشت بسيار زنها را شنيدم كه از خانه بيرون نيامدند ولى اين سلاح نيز مؤ ثّر واقع نشد.

اين اقدامات توسط محمدرضا شاه نيز بطور جدى با برنامه ريزى گسترده و البته با ملايمت بيشترى دنبال شد تنها در يكى از جلسات برنامه ريزى كشف حجاب ٣١ برنامه اجرائى براى برداشتن چادر نظير استفاده از صدا و سيما، انتشار مقاله ، آموزش غير مستقيم كودكان در مدارس ، ممنوع بودن چادر براى دانشجويان و كارمندان به تصويب رسيد.

و بتدريج به مرحله اجرا گذاشته شد، زنان شريف و نجيب ايرانى اگر چه تحت فشار همه جانبه تبليغات و عملكرد اين پدر و پسر بودند. لكن جز اندكى ناآگاه اصالت خويش را حفظ كردند و برگى ديگر بر افتخارات خويش افزودند و با پيروزى انقلاب اسلامى جهان را متوجه ارزش آن قانون الهى نمودند. (بنابر اين مى توان گفت ؛ توطئه كشف حجاب توسط استعمار انگليس طراحى گرديد، بهائيت در ايران ماءمور زمينه سازى آن گرديد و مزدوران انگليس امان اللّه خان در افغانستان ، آتاتورك در تركيه و رضاخان در ايران عامل اجراى اين توطئه شوم بودند.) (١١٦)

## اهداف استعمار از كشف حجاب

اين اهداف را از زبان خود آنان بشنويم :

در «پُروتكل» انديشمندان يهود آمده است : ما بايد كارى كنيم كه اخلاق در همه جا ويران شود تا راه سيطره ما را بگشايد «فرويد» از ماست و بزودى روابط جنسى زن و مرد چنان آشكارا و بر ملاء انجام مى شود كه در نظر جوان ، ديگر هيچ چيز مقدسى مفهوم نداشته باشد.

پيوسته همت و هدف او اشباع غرائز شهويش گردد در آن صورت است كه اخلاق فرو مى ريزد.

«فرانتس فانون» كه از طرف فرانسه مدير بخشى از روانكاوى يكى از بيمارستانهاى الجزاير بود مى گويد: مسؤ لين ادارى فرانسوى كه در الجزاير ماءموريت داشتند اصالت ملت را نابود سازند و از طرف مراجع مربوطه موظف بودند مطلقا تمام شكلهاى زندگى را كه ممكن است از نزديك يا دور واقعيت و اصالت ملى را خاطرنشان مردم سازد، تجزيه كرده از هم بدرند.

(حداكثر كوشش خود را بر مساءله چادر تمركز داده آنرا به منزله علامت اصالت ملّى و وضع خاص زن الجزايرى تلقّى كردند) آنگاه مى گويد: موضع گيرى آنچنانى نتيجه الهامى تصادفى نيست بلكه بعد از تجزيه و تحليل هاى جامعه شناسان و مردم شناسان بود كه متخصصين باصطلاح مسائل بومى و مسؤ لين ادارات عمومى كار خود را هماهنگ ساختند در بادى امر اين روش تمسكى است ساده و روشن به ضرب المثل قديمى كه مى گويد: «زنها را در دست بگيريم همه چيز بدنبال آن خواهد آمد».

كشفيات جديد جامعه شناسان فقط كارى كه كرده اينست كه به اين فرمول قديمى روش خالص علمى بخشيده است . وى حضور مختلط مردان با خانواده خود در مجالس جشن يا ازدواج با دختران فرانسه را از شيوه هاى انتقال فرهنگ فرانسه به خانواده هاى الجزايرى ذكر مى كند، بنا بر اين اعترافات ، مى توان اهداف استعمار را بطور خلاصه چنين ذكر نمود.

١ - تحقير فرهنگى كشورهاى جهان سوم و تحميل فرهنگ مبتذل غرب .

٢ - صدور فرهنگ تجدد و مصرف بجاى تعليم مبانى تكنولوژى و علوم .

٣ - ايجاد جمود فكرى در اثر اشتغال به كامجوئى .

٤ - تهيه بازار مصرف كالاهاى توليدى و در يك كلمه استعمار اقتصادى .

٥ - زمينه سازى براى تسلط سياسى از طريق سلطه فرهنگى .

٦ - جلوگيرى از تحرك و هر گونه مبارزه عليه منافع استكبار و در يك كلمه تسلط همه جانبه بر جهان و منابع اقتصادى آن . (١١٧)

## شيوه هاى استعمار در انتشار فساد

استكبار جهانى از شيوه هاى ذيل براى اهداف شوم خود استفاده مى كند:

١ - تضعيف مكاتب صحيح و سست كردن عقائد: با ابراز فرضيه هاى بظاهر علمى نظير فرضيه هاى فرويد يا بوجود آوردن مذهب مثل بهائيت مبانى فكرى فساد را مستحكم نمايد. با دقّت در تاريخ علوم و اديان بخوبى مى توان دريافت كه برخى از فرضيه هاى بظاهر علمى يا انديشه هاى مذهبى باطل ريشه استعمارى دارد سعى در جا انداختن فرهنگ لذّت و فراموشى هدفهاى متعالى از اين اقدامات است .

٢ - هدايت و تفسير تاريخ و علوم و حتّى مذهب در جهت منافع خويش : همفر جاسوس انگليسى مى گويد: بايد ثابت كنيم كه پوشيدگى زن از دوران بنى عباس متداول گشته و مطلقا سنّت اسلام نيست .

مردم همسران پيامبر را بدون حجاب ديده اند... پس از آنكه حجاب زن با تبليغات وسيعى از ميان رفت وظيفه ماءموران ما آنست كه جوانان را به عشق بازى و روابط جنسى با زنان غير مسلمان سوق دهند و كاملا بدون حجاب ظاهر شوند تا زنان مسلمان از آنان تقليد كنند.

مى بينيم كه تاريخ و احكام اسلامى خود را نيز بايد از جاسوسان انگليسى بياموزيم و آنان براى ما بايد مطالب را اثبات نمايند و شيوه زندگيمان را بيان نمايند.

٣ - مخلوط كردن فرهنگ محلى با فرهنگ فساد: در ترويج فساد براى هر كشور بفراخور حال آن برنامه ريزى مى كنند. لذا مى بينيم از نظر پوشش در بعضى از كشورها تنها سرو گردن زن نمايان است ، در برخى ديگر سر و گردن با مقنعه پوشيده امّا دامنهاى رنگى جذاب با پاهاى برهنه و بدون جوراب و ناخنهاى لاك زده تحريك صورت مى گيرد.

امّا در هند شكم زنان نمايان است اگر چه بقيه اندام آنان پوشيده است ، يا از مراسم مختلف براى اين مقصد شوم استفاده مى گردد. مثلا در ايران از مراسم عروسى در برخى ديگر كشورها از جشن گندم براى اختلاط زن و مرد استفاده مى شود.

٤ - طرح شعارهاى عوام پسندانه بطور مثال : مى گويند: «دلت پاك باد حجاب يك امر ظاهرى است» در حالى كه پاكى دل تنها با داشتن حجاب ميّسر است .

يا مى گويند: «ديگر جامعه عوض شده است جامعه امروز اينگونه مى پسندد» ولى ما نبايد تحت تاءثير محيط باشيم بلكه بايد بر محيط تاءثير بگذاريم در زمستان همه جا سرما هست اما بايد خود را از سرماخوردگى حفظ كنيم .

٥ - القاء فرهنگ و مطالب غرب در تمام برنامه هاى صوتى ، تصويرى ، فيلم هاى سينمائى ، تئاترها مجلات و روزنامه ها و كتب منتشر شده خود با استفاده از تكنيكهاى روانشناسى و روانكاوى ، گفته مى شود تنها در تهيه برنامه هاى راديوئى اسرائيل ٤٠ متخصص روانشناس شركت داشته تا مطالب به شنونده القاء گردد.

٦ - طرّاحى و توليد لباس و كفشهاى تحريك آميز ارزان قيمت : تا مردم براى خريد به آنها روآورده و كم كم بطور ناخودآگاه الگوى مصرف عادى جامعه گردد، بنظر شما آيا كفشهاى صدادار كه توجه ديگران را جلب مى كند بدون طراحى استكبار توليد مى گردد؟

آيا جورابهاى نازك با اين فراوانى و با مدلهاى مختلف بدون برنامه ريزى قبلى توليد و توزيع مى گردد؟

٧ - ترويج مُد گرائى بصورت مستقيم و غير مستقيم .

٨ - قالب كردن تجدد بجاى تمدن ، فساد بجاى علم ، شهوترانى بجاى پژوهش .

٩ - ايجاد خانه هاى فرهنگ ، رفت و آمد به كشورهاى فاسد، و حتى از روابط تجارى در اشاعه فساد استفاده مى شود.

١٠ - فراهم آوردن امكان تحصيلات عاليه براى جوانان با توجّه به محدوديت آن در كشورهاى سوم ، جهت غرب يا شرق زدگى آنان و باصطلاح تربيت مزدوران محلّى اشاعه دهنده فرهنگ مبتذل غرب بوسيله تعليم دانش البته اين اقدامات معمولا بصورت تدريجى انجام مى شود بطورى كه كم كم لباس مورد نظر آنان عادى شده و حتى نسل بعد نمى داند كه آداب و پوشش نياكانش به چه صورت بوده است ، زيرا حساسيّت ها بتدريج از بين مى رود و با عادى شدن يك انحراف ، درمان آن نيز مشكل تر مى شود.

بطور مثال ابتداء چادر حذف مى گردد و بعد مقنعه ها تبديل به روسرى مى گردد، كم كم مانتوها تنگ يا كوتاه شده آنگاه جوراب جاى شلوار مى گيرد و جورابها هر روز نازكتر مى شود و... باشد كه با هوشيارى ترفندهاى دشمن را شناخته و با آن به مقابله برخيزيم . و اصالت فرهنگى فكرى و مذهبى خويش را پاس داريم و دشمن را از نفوذ و سلطه نااميد نمائيم . (١١٨)

## بحران روسرى نشانه وحشت غرب

چندى قبل دخترانى كه با پوشش اسلامى در مدارس انگلستان و فرانسه حاضر شده بودند توسط مديران اين مدارس اِخراج شدند.

اين اِخراجها و اعتراضات و گفت و شنودهاى مربوط به آن ، كم كم سراسر مطبوعات اروپا را فرا گرفت و بحرانى را بوجود آورد كه اصطلاحا «بحران روسرى» ناميده شد.

بدون شك انتخاب نوع پوشاك جزء ابتدائى ترين آزاديها و از بديهى ترين حقوق انسانى مى باشد. پس چرا در اروپا كه خويش را مهد و مُدّعى حقوق بشر مى داند از پوشش حجاب جلوگيرى مى شود؟

آيا كسى كه طبق اعتقادات خويش لباس مناسب و مورد نظرش را پوشيده مى بايست از مدرسه اخراج گردد؟

اين موج خشونت كه قبلا در كشور تركيه ، با اخراج دانشجويان دختر با حجاب اعمال گرديده بود، نشانه وحشت و هراس استكبار جهانى از حفظ حجاب اسلامى است ، زيرا حجاب توجّه زنان روشنفكر را به خود جلب كرده و آنان را به انديشه و تفكّر وا مى دارد.

يكى از مؤ سسات مطالعاتى لندن اعلام كرد آمار گرايش به اسلام بعد از پيروزى انقلاب اسلامى ايران افزايش يافته است .

طبق اين گزارش اكثر كسانى كه به اسلام گرويده اند زنان تحصيل كرده غرب هستند! اين گزارش نشان مى دهد كه آنها از نشر اسلام و حضور مسلمانان با هويت اسلامى بيمناكند و فشار زندگى ماشينى ، حاكميت سرمايه و شستشوهاى مغزى ، مسخ انسانيت ، تهاجم همه جانبه راديو تلويزيون ها به افكار انسان غربى ، نتوانسته جلو باز گشت زنان را به فطرت انسانى خويش بگيرد.

اين بحران زنگ خطرى براى قدرتهاى بزرگ است ، چرا كه بيدارى انسانها و باز گشت مسلمانان را به فرهنگ اسلامى خويش نويد مى دهد.با اين بيدارى ، تحقير فرهنگ ، به يغما رفتن ثروتهاى عظيم اقتصادى كه سلطه همه جانبه آنها و فقر روز افزون كشورهاى جهان سوم را بدنبال خواهد داشت ، پايان مى پذيرد.

بحران روسرى فصلى ديگر از باز گشت مسلمان به هويت اسلامى خويش مى باشد كه اين بار سنگر «حجاب» بدفاع از آرمانهاى خود پرداخته اند.

دشمن بخوبى مى داند كه با حفظ حجاب جائى براى استحمار ملتها باقى نمى ماند و بزودى پايه هاى قدرت پوشالى آنان در هم خواهد شكست .

پس خواهرم تو نيز ارزش حجاب را بدان . آنقدر كه دشمنان براى از بين بردنش حساسيّت نشان مى دهند تو نيز براى حفظش پافشارى كن .

خواهرم جايگاه بلند سربندى و چادر را ارج بگذار و بدينوسيله با دشمنان فرهنگ و كشورت ستيز كن . (١١٩)

رعايت حجاب

١ - پاسخى است به نداى درونى فطرت .

٢ - نشانه تمدن است نه ارتجاع .

٣ - در همه ملل رواج داشته و فرهنگ ملى ماست .

٤ - شخصيت و احترام زن را فزونى مى بخشد.

٥ - مايه سلامت جسم و آرامش روانى است .

٦ - مجوز ورود زن به جامعه است نه مانع از آن .

٧ - باعث استحكام و افزايش نهاد خانواده مى باشد.

٨ - عامل استوارى جامعه و زمينه ساز ترقّى آن مى باشد.

٩ - احياگر ارزشهاى متعالى است .

١٠ - جاذبه زن را بالا برده و استعدادهاى ادبى را شكوفا مى سازد.

١١ - اجراى قانون الهى است و رضايت خداوند را به همراه دارد.

## بى حجابى و فساد

١ - با فطرت و تمايلات درونى انسان توافقى ندارد.

٢ - مايه سقوط ارزش و جاذبه جنس زن مى باشد.

٣ - شخصيت انسانى زن را بفراموشى سپرده و تنها اذهان را به زيبائيهاى جسمى او متوجه مى سازد.

٤ - زن را تا حد يك كالا تنّزل داده و او را ابزار تبليغ كالاهاى بُنجل قرار مى دهد.

٥ - يكى از نمودهاى عقده حقارت بوده و موجب بسيارى از بيماريهاى جسمى و التهابات روانى مى باشد (آمار مرگ و مير و مبتلايان بامراضصلى‌الله‌عليه‌وآلهروانى را فزونى مى بخشد).

٦ - فرهنگ برهنگى ، برهنگى فرهنگى است و از علائم توحش محسوب مى شود.

٧ - باعث فرسايش استعدادها و مانع استفاده از نيروى زنان است .

٨ - اذهان را به شهوترانى متوجه و از ارزشهاى متعالى و تربيت صحيح منحرف مى سازد.

٩ - بنيان خانواده را سست كرده و آمار طلاق را افزايش مى دهد.

١٠ - بازار مصرف كالاهاى شركت هاى چند مليتى را گسترش مى دهد.

١١ - از حربه هاى خطرناك استعمار است كه بارها براى سقوط جامعه ها از آن استفاده شده است .

١٢ - زمينه ساز تسلط همه جانبه بيگانگان مى باشد.

١٣ - زير پا نهادن قانون واجب الهى است كه عواقب خطرناكى را بدنبال دارد. (١٢

## آيا فاطمه را شناخته ايم

آيا حضرت فاطمه عليها‌السلام را شناخته ايم ؟ حضرت فاطمه عليها‌السلام كوثرى است كه خداوند به هستى عنايت فرمود. او گرانبهاترين گوهرى است كه تقديم انسانيت شد.

حضرت فاطمه عليها‌السلام يك انسان كامل است ، مظهر اسم ستّار خداوند است ، اُم اَبيهاست ، مدينه فاضله وجودى يك زن كامل ، از همه آلايشها و آلودگيها مبّرى است او معصوم است تا در طول همه زمان ها رهبرى همه زنان را به عهده گيرد.

او قبل از ولادت با مادرش سخن مى گويد، تا از درد تنهائى حضرت خديجه عليها‌السلام بكاهد. امروز زن تنها و حيران است . او نمى داند كه حضرت فاطمه عليها‌السلام را دارد! بدين جهت سرگردان بدنبال الگوهاى پوشالى و كاذب از اين سو به آن سو مى رود! و بالا خره سرخورده از همه جا به حسرت مى نشيند.

هان اى زنان ! به كجا مى رويد؟ از چه كسى تقليد مى كنيد؟ چه كسى را الگوى قرار داده ايد؟

اينك اين حضرت فاطمه عليها‌السلام است ، برترين زن جهان ، او خيرالنساء، سيّدة نساء العالمين است . به سوى او بشتابيد به زندگى او نگاه كنيد در گفتار و كردارش دقّت كنيد، دانشجوى دانشگاه او، درس بگيريد، به خطابه اش گوش فرا دهيد، توصيه هايش را به جان و دل بخريد.

شيوه تربيتى فرزندان او را سرمشق خود قرار دهيد، زيرا تنها الگوى مناسب براى شخصيت والاى زن حضرت فاطمه عليها‌السلام است و بس . (١٢١)

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اى در دو جهان افضل زنها زهراء |  | بهتر دگر از مريم عذرا زهراء |
| او مادر يك مسيح باشد امّا |  | تو مادر يازده مسيحا زهراء |

امام خمينى كه در عصر حاضر از هر نظر الگو مى باشند در مورد رعايت حجاب در خانواده نيز بسيار دقيق و مراقب بودند دختر گرامى ايشان اين دقت و مراقب را چنين بيان كرده اند:

بهر حال همانطور كه گفتم ايشان (امام خمينى) در مقابل بيرونى و نامحرم خيلى سختگيرند، اَلا ن پسرهاى من و احمد آقا ١٥ - ١٦ ساله اند و ما يكروز اگر منزل آقا براى ناهار دعوت شويم پسرها حق آمدن ندارند يا اگر هم بيايند ما خانه خانم (همسر حضرت امام) مى نشينيم و سفره مى اندازيم و آنها منزل احمد آقا، آنهم براى اينكه پسرها و دخترهاى اهل فاميل و خانه با هم غذا نخورند، نه فقط سر سفره بلكه حتى سلام هم به هم نكنند چون واجب نيست .

من خودم پانزده ساله بودم كه آقاى اشراقى با خواهرم ازدواج كرد، و داماد ما شده بود.

يك روز ما دعوت داشتيم منزل ايشان همينجور كه من و آقا با هم وارد شديم ، ديدم آقاى اشراقى دارند به استقبال مى آيند، در يك باغچه اى بود كه ما داشتيم جلو مى رفتيم ، من گفتم : سلام بكنم ؟ امام گفتند: «واجب نيست»، منهم رويم نشد كه سلام نكنم ، زدم و از تو باغچه رد شدم كه با آقاى اشراقى روبرو نشوم .

## چهل سال او را نديده

وقتى كه آقا مادرم را گرفتند، چهل سال بعد از زندگيشون اولين سلام رو به برادر شوهرشون كردند!

ماجرا هم اين بود كه :

وقتى آقا را به تركيه بردند، عمويم مى خواستند تركيه خدمت آقا بروند، آمدند از پشت در، گفتند: من مى خواهم با خود خانم صحبت كنم اگر بخواهند پيغامى بدون واسطه براى آقا داشته باشند.

مادرم ناچار شدند سلام كنند و بعد يادم هست آمدند و گفتند: ناراحتم ، چون كه اولين سلام را در نبودن آقا كرده ام ، آنهم با اين لفظ كه «اگر (آقا) راضى نباشند چه ؟»

من هم گفتم : «نه ديگر حالا شما سنّى ازتان گذشته و مجبور بوديد» البته امام در مورد كار واجب و ضرورى حرفى ندارند اين را بدانيد!

برادر و خواهر عزيز:

اين شيوه يك زندگى سالم و اسلامى است كه در گفتار و عمل بزرگان دينى ترسيم گرديده است باشد كه آنرا الگو قرار داده و از مواهب و فوائد آن بهره ببريم . (١٢٢)

## كيفيت پوشش اسلامى يا «(حد حجاب»)

هر دخترى از ابتداى بلوغ هنگاميكه در معرض ديد نامحرم قرار گيرد لازم است تمام موها و بدنش را بپوشاند بجز دو مورد: يكى دستها تا مچ ، ديگرى صورت به اندازه ايكه در وضو شستن آن لازم است بشرط آنكه :

الف - اين دو عضو داراى زينت نباشند. ب - و كسى به آنها به قصد لذّت و هوس نگاه نكند. بنابر اين اگر كسى به قصد لذّت بردن به آنها نگاه كرد حرام است ، يا صورت و دستها داراى زينت و آرايش بود مى بايست صورت و دستها را هم بپوشاند.

براى روشن شدن بيشتر به سؤ ال و جوابهاى ذيل كه از امام (قدس اللّه) مى باشد دقت فرمائيد:

١ - حدود حجاب اسلامى براى بانوان چيست ؟ و آيا براى اين منظور لباس بلند آزاد و شلوار و روسرى كفايت مى كند؟ و اصولا چه كيفيتى در لباس و پوشش زن در برابر افراد نامحرم بايد رعايت شود؟

ج : واجب است تمام بدن زن بجز قرص صورت و دستها تا مچ از نامحرم پوشيده شود و لباس مذكور اگر مقدار واجب را بپوشاند مانعى ندارد ولى پوشيدن چادر بهتر است و از لباسهائى كه توجه نامحرم را جلب كند بايد اجتناب شود.

٢ - چنانچه زن با خود زينت داشته ، مانند حلقه ازدواج يا انگشترى در دست يا چهره آراسته كرده باشد آيا واجب است وجه (صورت) و كفّين (دستها) را بپوشاند؟

ج : پوشاندن از نامحرم در فرض مذكور واجب است .

٣ - آيا سرمه كشيدن يا ابرو چيدن ، انگشتر عقيق ، ساعت ، عينك طبى زيبا براى زنان زينت به حساب مى آيد كه پوشش آن لازم باشد؟

ج : هر چه در نظر عرف مردم زينت محسوب مى شود اظهار آن در برابر نامحرم جايز نيست .

٤ - حناى دست زن را اگر نامحرم ببيند چه صورت دارد؟

ج : بايد از نامحرم مستور كند (بپوشاند).

چند تذكّر:

١ - اگر بچّه بحدى برسد كه مطالبى را كه بزرگها مى فهمند او نيز بفهمد (مميّز محسوب مى شود) و حجاب در مقابل او واجب است .

٢ - از صورت و دستها كه استثناء شده بايد مقدار كمترى عريان باشد تا يقين كند كه به وظيفه اش عمل كرده است .

٣ - در لزوم پوشش ، بين نامحرم هيچ تفاوتى نيست . بنابر اين اقوام نامحرمان با ديگر نامحرمان هيچ تفاوتى ندارند.

س : آيا شوهر خواهر و برادر شوهر نيز همچون باقى نامحرمانند و حكم خودپوشى آنان نيز مانند ديگران است ؟

ج : شوهر خواهر و برادر شوهر با باقى نامحرمان در حكم تفاوتى ندارند و بايستى بهمان گونه كه زن از ديگر نامحرمان خود را حفظ مى كند از آنان نيز خود را حفظ كند (بپوشاند).

حتّى در برابر آنان نمى تواند با پاى بدون جوراب عبور كند (اگر چه آنها انسانهاى متشرّعى باشند و نگاه هم نكنند. زيرا زن بايستى از ديد نامحرم بپرهيزد چه او نگاه كند يا نكند.

## لباس زنان

لباسى كه زن براى حجاب و پوشش خود انتخاب مى كند مى بايست شرائط ذيل را دارا باشد:

١ - غصبى نباشد.

٢ - لباس شهرت نباشد. (لباسى كه بواسطه داشتن خصوصيتى جلب توجه و انگشت نما باشد لباس شهرت است)

٣ - مرد لباس مختص به زن و زن لباس مختص به مرد را نپوشد.

٤ - زن بايد از پوشيدن لباسهائى كه جلب توجه مى كند اجتناب نمايد.

٥ - لباس نبايد تنگ يا نازك باشد بگونه اى كه حجم يا برجستگيهاى بدن زن را نمايان سازد.

لباس نازك و تنگ :

يك روز اسماء دختر ديگر ابوبكر كه خواهر زن پيامبر بود با جامه بدن نما و نازكى به خانه پيامبر آمد پيامبر روى خود را از او برگرداند و فرمود:

اى اسماء زن وقتى بحد بلوغ رسيد نبايد چيزى از بدن و اندامش ديده شود.

كفشهاى صدادار:

قرآن مجيد در سوره نور (آيه ٣١) مى فرمايد:

و مبادا زنها پايشان را محكم بزمين بزنند تا زينتهاى مخفى آنان (خلخالهائى كه به پا مى كردند) آشكار شود و همگى بسوى خدا توبه كنيد باشد كه رستگار گرديد.

س : با توجه به فرمايش حضرت امام كه فرموده اند (بايستى از لباسهائى كه جلب توجه مى كند اجتناب نمايند) آيا پوشيدن جوراب ضخيم بدون شلوار با اينكه حجم بدن از بيرون مشخص و در بعضى موارد مهيّج است و يا پوشيدن كفشهائى كه در هنگام راه رفتن صداى مهيج دارد جايز است ؟

ج : از پوشيدن هر گونه لباس مهيج بايد خوددارى كرد.

راستى : چگونه است كه برخى از زنان مسلمان حّد حجاب را رعايت نمى كنند؟ از كفشهاى صدادار يا لباسهاى نامناسب استفاده مى كنند؟ موهايشان را كاملا نمى پوشانند؟ متابعت شيطان تا به كجا؟ دورى از خدا تا كى ؟ «ان ربك لبلمرصاد» و همانا پروردگارت در كمين است . (١٢٣)

## حجاب از ديدگاه احاديث

خانه بهترين جايگاه زن :

حضرت فاطمه عليها‌السلام فرمودند: نزديكترين حالت زن به پروردگارش وقتى است كه در خانه خودش باشد. (١٢٤)

پوشش كامل :

قال رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله: اَيُّم ا امرَاءة نَزَعَت ثِيابَه ا فِى غِيرِ بَيتِه ا خَرَقَ اللّهُ عَنه ا سِترَه . اَيُّم ا اِمرَاءَةٍ وَضَعَت ثِيابَه ا فِى غَيرِ بَيتِ زَوجِه ا فَقَد هَتَكَت سَترِ م ا بَينَه ا وَ بَينَ اللّهِ عَزوّجل . (١٢٥)

پيامبر فرمود: هر زنى لباسش را در غير خانه اش بيرون بياورد خداوند پرده او را خواهد دريد.

هر زنى كه لباسش را در خارج از خانه شوهر بيرون بياورد (پوشش او كامل نباشد) بدرستى كه حرمت بين خود و خدايش را هتك نموده است !

آرايش و استعمال عطر در خارج از خانه :

پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله در ضمن حديثى نهى فرمودند: كه زن براى ديگران خود را بيارايد و فرمود: اگر براى غير شوهر، خود را آرايش نمود لازم است خداوند او را با آتش بسوزاند.

و فرمود: زنى كه خود را براى ديگران خوشبو كند او خود آتش است و ننگ محسوب مى گردد.

و فرمود: واى بر زنان از دو سرخى طلا و جامه زيبا (كه دو وسيله زينت هستند و موجب فتنه مى باشند).

امام صادق عليه‌السلام از پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل كردند كه فرمود: هر زنى كه خود را خوشبو كند و از خانه خارج شود مورد لعنت قرار مى گيرد تا به خانه مراجعت كند. (١٢٦)

## اختلاط زن و مرد

پيامبر فرمود: سرانجام همنشينى و اختلاط با زنان زناء مى باشد و سرانجام زناء آتش جهنم است . (١٢٧)

وقتى زنى در جائى نشست و از آنجا برخاست نبايد مردى در آن مكان بنشيند تا آنكه گرمى آن از بين برود و سرد شود. (١٢٨)

روزى رسول خدا ديد كه مردان و زنان با هم از مسجد بيرون آمدند، به زنها خطاب كرد بهتر اينست شما صبر كنيد تا مردها بروند آنها از وسط و شماها از كنار. (١٢٩)

روزى رسول خدا بيكى از درها اشاره كرد و فرمود: چه خوب است اين در را به زنها اختصاص دهيم . (١٣٠)

مى بينيم پيامبر حتى از اختلاط زن و مرد براى رفت و آمد به مسجد و مجالس مذهبى ممانعت بعمل مى آورند.

## دست دادن (مصافحه) بانامحرم

پيامبر فرمود: هر كس با زنى كه محرم او نيست مصافحه كند غضب حق تعالى را براى خود خريده است . (١٣١)

پيامبر در ضمن حديثى فرمودند: هركس بطور حرام با زنى مصافحه كند يعنى به او دست بدهد روز قيامت در غُل زنجير بسته خواهد شد آنگاه به آتش انداخته خواهد شد.

خلوت بانامحرم

امام موسى بن جعفرعليه‌السلام بنقل از پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمودند: هركس به خدا و روز قيامت ايمان دارد هرگز در جائى كه نفس زن نامحرمى را مى شنود توقف نمى كند. (١٣٢)

پيامبر فرمودند: آگاه باشيد هرگز مرد و زنى با هم خلوت نمى كنند مگر آنكه سوّمى آنان شيطان است . (١٣٣)

## شوخى با نامحرم

پيامبر گرامى اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله در ضمن حديثى فرمودند: هركس با زن نامحرمى شوخى كند بخاطر هر كلمه اى كه با او سخن گفته هزار سال زندانى مى گردد.

امام صادق عليه‌السلام فرمودند: پيامبر و على عليه‌السلام به زنان سلام مى كردند ولى على عليه‌السلام به زنان جوان سلام نمى كرد و مى فرمود: مى ترسم از صدايش صلى‌الله‌عليه‌وآله خوشم بيايد و فتنه اش از ثوابش بيشتر شود. (١٣٤)

پيامبر در ضمن حديثى نهى فرمودند: از آنكه زن بيشتر از پنج كلمه (غيرضرورى)، نزد نامحرم سخن بگويد. (١٣٥)

فقهاء نيز سخن گفتن بصورت مهيّج و تحريك آميز را حرام دانسته اند. (١٣٦)

## تشبيه زن به مرد و بالعكس

امام صادق عليه‌السلام بنقل از على عليه‌السلام فرمودند: به زنان نامحرم سلام نكنيد و آنانرا به غذا دعوت ننمائيد (١٣٧) (كنايه از آغاز ارتباط بدين شكل مى باشد).

مشابهت بامردان : امام باقرعليه‌السلام در ضمن حديثى فرمودند: جايز نيست كه زن خود را شبيه مرد نمايد زيرا پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله مردانى را كه مشابه زنان مى شوند و همچنين زنانى كه خود را شبيه مردها قرار مى دهند لعنت كرده است . (١٣٨)

قال رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌وآله: لعن اللّه المُتشَبِهي نَ مِنَ الرِّج الِ بِالنّس اءِ المُتشبه اتِ مِنَ النِس اءِ بِالرِج ال .

پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: خداوند مردانى را كه شبيه زن مى شوند و زنانى را كه خود را شبيه مرد قرار ميدهند لعنت كرده است (١٣٩). (١٤٠)

## ترفندهاى استعمار

دختران دبيرستانى «قاهره» رسما از پوشيدن شورت داغ و مينى ژوب ممنوع شدند، زيرا اين لباس ها باعث حواس پرتى دبيران خواهد شد...

خود دختران بجاى اينكه به مطالب دبير گوش كنند به لباس هاى يكديگر توجه دارند...»

تعجب اين است كه زن براى بدست آوردن زيبائى ، موى سر و ناخن ، پاها را بدست مدسازان ميدهد: يك روز گيس دم اسبى مى سازند و روز ديگر موهايشان را آشفته مى كنند و روز سوم مد «شينيون» را مى پذيرند و...

يك روز لاك ناخن را صدفى مى كنند، روز ديگر سرخ و روز سوم قهوه اى روز چهارم نارنجى و... يك روز رنگ اطراف چشم را سفيد مى كند روز دوم آبى ، روز سوم طلائى ، نقره اى و... يك روز پاشنه هاى كفش را ٨ سانتى متر بلند مى نمايند روز ديگر آن را كوتاه مى كنند، روز سوم پاشنه ها را صنارى مى نمايند و...

آرى زنى كه براى اين رنگارنگ شدن ، خود را براى زيبا شدن كه يك امر موهوم است دست اين و آن مى دهند آن هم براى چند لحظه و يا چند روز برخوردار شدن از زيبائى ، حاضر نيست براى بدست آوردن سعادت و آرامش ، خود را در اختيار شوهر بگذارد و هواى دل او را داشته باشد تا با يكديگر زندگى آسوده اى داشته باشند! (١٤١)

## فروش زن

جوان ٢٤ ساله اى كه عاشق زن شوهر دارى شده بود زن را كه ٩ ماهه آبستن بود دزديد و در خانه يكى از اقوام خود در نقده مخفى كرد، آنگاه براى شوهر زن پيام داد:

زن تو مرا دوست دارد و الان هم پيش من است او را طلاق بده تا با او ازدواج كنم ...

محمد كه فرار زيبا با مردى غريبه را مايه ننگ خود مى دانست و ديگر حاضر نبود با او زندگى كند جواب داد:

حاضرم اين كار را بكنم ، بشرطى كه تو به من ده هزار تومان پول نقد بدهى و با هم قرار ملاقات گذاشتند و بالاخره زن به شش هزار تومان خريدارى شد و نقد دريافت گرديد و قرار شد كه وقتى زيبا بچه دار شد فرزندش را تحول پدرش بدهد.

اما هنگام وضع حمل «عروس حامله» در گذشت و داماد ناكام با چشمان اشكبار معشوقه اش را به گورستان برد و بخاك سپرد...» (١٤٢)

خُب اگر اين زنى كه شوهر دارد حجابش را رعايت مى كرد كدام مرد مى توانست او را ببيند و عاشق او بشود و اين جريان پيش آيد كه نه دنيا داشته باشد و نه آخرت ... عبرت بگيريد.

## شوهر عاشق

زنى كه داراى دو كودك بود مى گفت :

شوهرم عاشق دوستم شده است و دل از زندگى و خانه كنده و دوست يك دختر بيست ساله شده و مدتها است كه با اين زن رفت و آمد دارد و همين معاشرت سبب عشق شوهرش نسبت به او شد.

زن براى بر هم زدن اين عشق يك بار دست به خودكشى زد ولى نتيجه اى نگرفت ...

آرى زن بچه دار و شوهر كرده ، با دختر بيست ساله امروزى دوست مى گردد و پاى او را به خانه خود باز مى كند و شوهر دله او هم با او معاشرت مى نمايد.

سرانجام دوستى هاى عصر اتم را ملاحظه نمائيد!! پايان دوستى ها و ازدواج هائى كه بر اساس معنويت نيست !! (١٤٣)

اگر آن زن دوست بى حجاب خود را توى زندگى خودش نمى آورد، شوهر دله او عاشق روى زيباى او نمى گشت كه كار به خودكشى گردد.

## حجاب گل باز نشده

گل تا باز نشده است معطر است ، وقتى كه باز شد، عطر خود را از دست مى دهد. زن تا با حجاب است زيباست ، وقتى كه اين حجاب را كنار زد آن زيبايى و طراوت خود را از دست مى دهد. (١٤٤)

زنى شوهر را داغ كرد

مشهد: آقاى محى الدين با سر و صورت زخمى و پنبه كارى شده در حاليكه دائما با وحشت اطراف خود را نگاه مى كرد مى گفت :

آقا آمده ام از دست زن عفريته ام شكايت كنم شما را بخدا مرا از دست او نجات دهيد...

چرا آقا؟ مگر همسرتان چه خطائى كرده ؟ خطا؟! اختيار داريد قربان مرحمت آقا... اسمش را نمى شود خطا گذاشت قضيه اين است كه زن بنده همينكه در و تخته اى به هم مى خورد مى افتد بجان من و تامى خورم كتكم مى زند...

امروز هم ضمن يك كتك كارى مفصل ، دست و پاى مرا با طناب بست و بعد با سيخ كباب ده جاى بدنم را داغ كرد... آخر من خجالت مى كشم آن جاها را نشان بدهم ...

عجب پس با اين حساب خانم شما...

نگوييد خانم ، قربان بفرمائيد هيولا... مى دانيد آقا من كارمند دولت هستم و ماهى دو هزار تومان حقوق دارم و با آن يك خانواده پنج نفرى را اداره مى كنم ... اما زن بنده درست يكهزار تومان از اين پول را هر ماه خرج آرايش و خريد لباس خودش مى كند حرف هم كه مى زنم جوابم را با كتك مى دهد تا اينكه امروز خواست برايش يك پالتو پوستى بخرم و چون گفتم چنين پولى ندارم دور از جان شما با سيخ كباب افتاد بجان بنده . (١٤٥)

## قتل در خواب

دختر و پسرى كه از برترى و زيبائى ، وجاهت ، جذابّيت برخوردار است ، بايد بداند كه او بيشتر در معرض خطر است .

خيلى عشقها، محبتها، روابط، پايه و اساس ندارد مگر در پر تو بنياد الهى و انسانى تَشَكُل يابد.

اسلام براى جلوگيرى از روابط ناسالم و ناشايسته بياناتى را بيان داشته كه قابل توجه هست .

كسى كه زيباست بايد بداند هزاران دام و مكر برايش گسترده شده كه برخى از آنها بسيار موقّت و زودگذر است ، گاهى هم جنبه انحراف و بدبختى است ، برخى از آنها موجب پشيمانى و آبرو ريزى خواهد بود. (١٤٦)

اين داستان حقايقى را به ما مى آموزد:

من قصد كشتن دخترم را نداشتم ولى بخاطر رفتار ناپسند او كه باعث آبرو ريزى من شده بود ناچار به مشروب پناه بردم و در حاليكه از شدت مستى روى پاهايم بند نبودم به خانه وارد اطاق شدم . همسر، دختر و بچه هايم خوابيده بودند و ديگر چيزى نفهميدم ...

موقعيكه دخترم چهار ده ساله بود با اين جوان آشنا شد.

آنها مرتب با هم پنهانى ملاقات مى كردند وقتى از مزاحمت هاى او بستوه آمدم خانه ام را عوض كردم ولى او دست از مزاحمتهايش بر نداشت .

وقتى چنين ديدم تصميم گرفتم دخترم را به عقد او در آورم ، اما متوجه شدم كه داراى زن و فرزند است . به او گفتم دست از تعقيب دخترم بردار!

گفت : حاضرم بخاطر ازدواج با او زنم را طلاق بدهم مشروط بر اينكه شهرزاد و پانصد تومان مهريه اش را بدهى ، چون آبروى خانوادگيم در خطر بود حاضر شدم ، بعد فهميدم كه او فقط مى خواهد با دخترم عشقبازى كند. دخترم هم اين مطلب را فهميده بود و قول داد كه او را فراموش كند و بدرسصلى‌الله‌عليه‌وآلهخود ادامه دهد، اما باز هم وسائل درس را كنار گذاشت و با جوان رابطه پيدا كرد.

ديگر دوستان و آشنايانم سرزنشم مى كردند و هر كجا مى رفتم انگشت نما بودم ...

و سرانجام با كارد سلاخى دخترش را در خواب بقتل رسانيد.» (١٤٧)

اين مرد اگر از اول ، آئين اسلام و حجاب را در خانواده جا مى انداخت دخترش روى خود را به جوانان دله نشان نمى داد كه به اينجا كشيده شود.

چينيها

در چين مردم فاقد سه چيزند و اين فقدان نيز خود براى مردم چنين سعادت بزرگى است :

اوّل : كاباره و تفريحات زيانبخش .

دوّم : لوازم آرايش بطرزى كه امروز در غالب كشورها رواج دارد.

سوّم : لباس به سبك غربى .

در چين از مينى و ماكسى و شرت داغ خبرى نيست . مردم خيلى ساده لباس مى پوشند... و همينگونه مسائل ، رمز ترقى و تكامل چين است و هرگاه مسلمانان اين گونه مسائل را با سرمايه ى معنوى اسلام در آميزند بطور حتم آقائى و رهبرى جهان را اشغال خواهند كرد و روزى خواهد رسيد كه بار ديگر بر دنيا حكومت خواهند كرد و آن روز در اثر پشتكار و جديت دير نخواهد بود... (١٤٨)

## لباسهاى جلف

دوشيزگان و بانوان فكر ميكنند با پوشيدن لباس جلف و زننده ، بر دوستانشان مى افزايند و شهرت بيشترى پيدا ميكنند و آسايش بهترى خواهند داشت ، در صورتيكه اينها غافلند كه با اين جلف بازى ها نه تنها به جوانان ولگرد و منحرف مى افزايند، بلكه همانطوريكه در آمارهاى ياد شده از آمريكا روشن شد خودشان بيشتر در معرض تجاوز و تهديد هستند.

داستانهاى تجاوز، اغفال ؛ خودكشى و فرار، بيشتر در ميان همين جلف پوشان است - اين داستان حقايقى را به ما مى آموزد:

مشهد : پسر ١٥ ساله اى كه از خانه فرار كرده بود دستگير شد، وى در باره ى علت فرار خود گفت : مادرم هنگام رفتن به خيابان ، لباس هاى جلف مى پوشد و بهمين سبب همسالانم مرا متلك باران ميكنند. من چند روز قبل از مادرم خواستم بعد از اين لباس مناسب بپوشد، بجاى توجه بخواست من چند ناسزا نثارم كرد و شكايتم را پيش پدرم برد و پدرم هم مفصلا كتكم زد.

حال شما بگوئيد مى شود با اين پدر و مادر بى تربيت زندگى كرد؟ همه پدر و مادران از لباس پوشيدن پسران و دخترانشان در رنج و عذابند و من بدبخت از لباس پوشيدن مامانم ...

وقتى پدر و مادر پسر شاكى آمدند معلوم شد حق با اوست ، زيرا مادر كه در حدود چهل و پنج سال دارد لباسى مى پوشد كه براى دختران ١٧- ١٨ ساله هم مناسب نيست ...

همين زنها و دوشيزگان جلف هستند كه در كوچه و خيابان مورد حمله متلك گويان قرار مى گيرند و روز بروز با روش خود بر خيل مزاحمين مى افزايند و پس از آن بر زندانيان ، تيمارستانيان و خودكشى كنندگان . (١٤٩)

## مثل اين باشيد

١ - يكى از علماء بزرگ (مرحوم آية الله سيد باقر مجتهد سيستانى پدر آية الله سيد على سيستانى و مرحوم سيد محمود مجتهد سيستانى) در مشهد مقدس براى آنكه به محضر امام زمان عجل اللّه شرفياب شود ختم زيارت عاشورا در چهل جمعه هر هفته در مسجدى از مساجد شهر آغاز مى كند ايشان فرمودند: در يكى از جمعه هاى آخرين ، ناگهان شعاع نورى را مشاهده كردم كه از خانه ى نزديك آن مسجدى كه من در آن مشغول به زيارت عاشورا بودم مى تابيد، حال عجيبى به من دست داد، از جاى برخاستم و بدنبال آن نور بدر به آن خانه رفتم ، خانه كوچك و فقيرانه اى بود، از درون خانه نور عجيبى مى تابيد.

در زدم وقتى در را باز كردند، مشاهده كردم حضرت ولى عصر امام زمان عجل اللّه در يكى از اتاقهاى آن خانه تشريف داشتند و در آن اتاق جنازه اى را مشاهده كردم كه پارچه اى سفيد بروى آن كشيده بودند، وقتى من وارد شدم و اشك ريزان سلام كردم ، حضرت بمن فرمودند: چرا اينگونه دنبال من مى گردى و رنجها را متحمّل مى شوى ؟ مثل اين باشيد (اشاره به آن جنازه كردند) تا من دنبال شما بيايم !

بعد فرمودند: اين بانوئى است كه در دوره بى حجابى (رضا خان پهلوى) هفت سال از خانه بيرون نيامده مبادا نامحرم او را ببيند! (١٥٠)

## پند

اى بانو و اى دختر مسلمان آيا حجاب تو و زندگى تو مورد رضاى امام زمانت هست ؟

آيا آنگونه زندگى مى كنى كه حضرت ولى عصر عجل الله تعالى فرجه بتو نظر مرحمت فرمايد؟

آيا تقوى و حياء و عفت و حجاب تو آنگونه است كه نامت در زمره ياوران حضرتش ثبت گردد؟

آيا آنگونه هستى كه در هنگام مرگ عزيزانت محمد و آل محمد صلوات الله عليهم اجمعين به بالين تو آيند و سفارش تو را به فرشته مرگ نمايند و در لحظات سخت واپسين زندگيت آنگونه پاك هست كه اگر امام زمان خواست در شهرى چند لحظه اى ساكن شود خانه تو را براى زندگى انتخاب كند؟

آيا لباس و پوشش شما اسلامى است ؟ (١٥١)

## نتيجه بدحجابى

يكى از علماء مشهد مى فرمود:

روزى در محضر مرحوم حجة الاسلام و المسلمين سيد يونس اردبيلى بوديم ، جوانى آمد و مسئله اى پرسيد و گفت : من مادرم را دو روز پيش دفن كردم و هنگامى كه وارد قبر شدم و جنازه مادر را گرفته خواستم صورت او را روى خاك بگذارم كيف كوچكى كه اسناد و مدارك و مقدارى پول و چك هائى در آن بوده از جيبم ميان قبر افتاده ، آيا اجازه مى دهيد نبش قبر كنيم تا مدارك را برداريم ؟ و تقاضا كرد كه نامه اى به مسئولين قبرستان بنويسند كه آنها اجازه نبش قبر بدهند.

ايشان فرمود: همان قسمت از قبر را كه مى دانيد مدارك در آنجاست بشكافيد و مدارك را برداريد و نامه اى براى او نوشت بعد از چند روز آن جوان را دوباره در منزل آقاى اردبيلى ديديم ، آقا از او پرسيدند: آيا شما كارتان را انجام داديد و به نتيجه رسيديد، او غمناك و مضطرب بود و جواب نداد بعد از آنكه دوباره اصرار كردند گفت :

وقتى من قبر را نبش كردم ديدم مار سياه باريكى دور گردن مادرم حلقه زده و دهانش را در دهان مادرم فرو برده و مرتب او را نيش ميزند!! چنان منظره وحشتناك بود كه من ترسيدم و دوباره قبر را پوشاندم !

از او پرسيدند: آيا كار زشتى از مادرت سر مى زد؟

گفت : من چيزى بخاطر ندارم ، ولى هميشه پدرم او را نفرين مى كرد زيرا او در ارتباط با نامحرم بى پروا بود و روگيرى و حجاب نداشت و با سرو روى باز با مرد نامحرم روبرو مى شد و بى پروا با او سخن مى گفت و در پوشش و حجاب رعايت قوانين اسلامى را نمى كرد با نامحرمان شوخى مى كرد و مى خنديد و از اينجهت هميشه مورد عقاب و سرزنشصلى‌الله‌عليه‌وآلهبود. (١٥٢)

## حجاب و عفت در كربلا

بعد از ظهر عاشورا وقتى خيمه هاى حضرت اباعبدالله الحسين عليه‌السلام را آتش زدند و به فرمان حضرت سجاد عليه‌السلام همه فرار كردند.

دختركى از فرزندان امام حسين عليه‌السلام مى گويد: من فرار مى كردم ، عربى ، مرا دنبال كرد و با نيزه به پشت من زد كه بزمين افتادم ، آنگاه چنان گوشواره مرا كشيده ، كه گوشم را دريد و من بيهوش شدم ، وقتى بهوش آمدم ديدم عمه ام زينب سر مرا بدامن گرفته نوازش مى كند.

اين دختر دلسوخته اى كه آشيانه اش ويران شده ، به آتش كشيده شده ، پدرش و برادرانش شهيد شدند، لب تشنه است ، سه روز است آب برويش بسته است ، وقتى به هوش آمد، نگفت : عمه تشنه ام ! نگفت : عمه گوشم مجروح است ! نگفت : عمه مرا تازيانه زدند! نگفت : پدرم كو! برادرم كو!...

فقط وقتى متوجه شد چادر بسر ندارد با گريه التماس كرد! عمه جان چادر ندارم !! آيا چادرى ندارى كه خود را با آن بپوشانم ؟

حضرت زينب گريه كرد و فرمود: دخترم چيزى براى ما باقى نگذاشته اند! (١٥٣)

## پدر حجاب

وقتى حضرت سكينه دختر امام حسين عليه‌السلام روز يازدهم در گودال قتلگاه خود را روى بدن پدر انداخت و عده اى از اعراب با كعب نى و تازيانه او را از بدن بى سر پدر جدا كردند، نگفت : پدر مرا مى زنند! نگفت : پدر مرا به اسيرى مى برند! نگفت : پدر تشنه ام !

بلكه اشك مى ريخت و فرياد مى زد:

پدر برخيز ببين چادر از سرما كشيدند.

بابا سرهاى برهنه ما را بنگر.

بابا برخيز ببين عمه ام زينب را مى زنند! (١٥٤)

چادر نيمه

اين جمله معروف از حضرت زين العابدين عليه‌السلام است : اى كاش مادر مرا نمى زائيد، وقتى بود كه چشمش به همسر جوانش افتاد كه فرزندش حضرت باقرالعلوم عليه‌السلام را كه دو ساله بود در بغل داشت و چادر او آنقدر كوچك بود كه اگر مى خواست خود را بپوشاند، آفتاب صورت فرزند را مى سوزاند و اگر مى خواست فرزند را زير چادر برد،نمى توانست خود را كامل بپوشاند، اين بود كه حجت خدا و مظهر غيرت پروردگار آهى كشيد و فرمود: ايكاش مادر مرا نمى زائيد و اين روز را نمى ديدم . خواهرم بيا از كربلا آن دانشگاه بزرگ جهان ، درس حجاب و عفت و حيا بگير، بيا از كربلا فقط درس گريه نگيريم بلكه آنچه سيدالشهداء عليه‌السلام در آن دانشگاه بزرگ ، تدريس فرموده نيز بياموزيم . (١٥٥)

## شهيد راه ولايت و حجاب

سرور بانوان دو جهان حضرت فاطمه زهرا عليها‌السلام براى حفظ حجاب و در راه دفاع از امام زمانش اميرالمؤ منين على عليه‌السلام شهيد شد.

زيرا وقتى دشمن درب خانه حضرتش را به آتش كشيد، در را شكسته خواست وارد خانه شود، الگوى تقوى و حياء براى آنكه نامحرم او را نبيند، خود را پشت در پنهان نمود، آنگاه دشمن احساس كرد فاطمه عليها‌السلام پشت در است در را چنان فشرد كه حضرتش محسن را كه شش ماهه بود سقط نمود و به همين حادثه و صدمات ديگر از دشمن ، مريض شد و به شهادت رسيد.

اى دختران جوان و اى بانوان شيعه بنگريد كه در چه شرايط حساس و سختى بفكر حيا و حجاب و چادر خود بودند و در هيچ لحظه حجاب خود را فراموش نكردند آيا نمى خواهيد از مدينه و كربلا درس حجاب واقعى بگيريد آيا نمى خواهيد با حيا و حجاب بيشتر و دقيقتر به حضرت سيدالشهداء عليه‌السلام و خواهران و بانوان و عزيزانش عشق بورزيد آيا نمى خواهيد حسينى باشيد آيا نمى خواهيد زينبى باشيد!!؟؟ (١٥٦)

## الگوى تقوى

در مجلس عبيداللّه ابن زياد ديدند حضرت زينب عليها‌السلام آن الگوى تقوى و حيا پيوسته صورت مبارك خود را با آستينش مى پوشاند مبادا نامحرم صورت زينب را ببيند! (١٥٧)

## ظاهر سازى

گرچه اسلام به تميزى ، نظافت ، خوشبو بودن توجه زيادى كرده ، ولى اگر اين امور موجب تحريك ديگران گردد قطعا حرام است ، اصولا زن و مرد يك حالت جلوه گرى بقول قرآن «تبرج» نسبت به جنس مخالف دارند، ولى زن از اين نكته بيشتر مى تواند بهره جويد زيرا از زمينه هاى بيشترى برخوردار است .

اينكه خانمها وقتى مى خواهند خيابان بروند لحظاتى را مشغول صافكارى ، نقاشى ، بَتونه كارى و رنگ آميزى ، طراحى ، آرايش ، پالايش سر و صورت و اندام خود مى كنند، براى اين است كه در نظر ديگران جلوه كنند، بيچاره مردشان هميشه در انتظار وقتى هست كه همسرشان مى خواهد از منزل خارج شود عروسى برود، مجلس مهمى برود و... نگاهى به حلال خود بكند و لذت ببرد. خُب وقتى زن براى مردان نامحرم بزك كند مردان هم از زنان بزك كرده خيابان لذت مى برند.

خواهر! خيلى به جلوه گرى موقتى ، وعده هاى بى حساب ، موقعيت هاى دروغى ، علاقه نشان دادنِ مردان دلگرم نباش كه اگر كسى اين خصوصيات را واقعا مى داشت نياز نداشت همسر كنار خيابانى انتخاب كند و دنبال همسر پياده روى و سر كوچه بنشين و تو خيابان لوس بازى در آوردن نبود، مى رفت با پدر و مادر و بزرگان فاميلشان و يك مورد مناسب را پيدا مى كرد. خيلى باعزت و احترام فرد مورد نظرش را انتخاب مى كرد و آداب و رسوم معمولى و زمينه ازدواج آبرومندانه را فراهم مى كرد، چرا دنبال اين و آن ناشناخته آن هم مخفيانه برود.

برادر! خيلى به چهره سفيد، نورانى ، خوش آب و رنگ و... زنان توجه نكن (ممكن است اينها مصنوعى باشد و يا وسيله انحراف باشد) اگر نه دختر سالم ، متشخص و با وفا، در كوچه و خيابان دنبال شوهر نمى گردد، بلكه عفت خود را حفظ مى كند تا با احترام و عزت از او خواستگارى كنند و آغاز مستحكمى را داشته باشد و زمينه ساز آينده و آخرت خوبى باشد.

اگر پايه زندگى اساسى و حساب شده نباشد پايان رنج آورى خواهد داشت ، آخر همه زندگى كه مقام ، مدرك ، زيبائى ، اندام ، چشم ، ابرو، شهرت و... نيست ، بله اول زندگى يك مقدارى تاءثير دارد ولى بعدها مسائل ديگرى مانند: ايمان ، صداقت ، پاكى ، ادب عاطفه ، خانه دارى ، بچه دارى ، همسردارى ... و اساس زندگى را پايدار مى دارد. (١٥٨)

## ملاك برترى

نظر اسلام ملاك ارزش و برترى مسائل زودگذر و ظاهرى نيست ، اگر چه به اين امور هم بى توجه نيست ، بلكه نهادهاى پاينده و قابل افزايش مورد توجه است ، آن چيزها ارزش است كه زمينه ساز قوا و پايدارى خانواده و نيز سبب تقرب و نزديكى بخدا باشد.

زيبائى چهره ، چشم و ابرو، لب و دهان ، و بينى ، سفيدى يا سبزه بودن زن و مرد، خوش اندام بودن و...كه ظاهرا ديده مى شود در صورتى ارزنده است كه در درون فرد ايمان ، وقار، ادب ، صداقت ، پاكى و...قرار داشته باشد وگرنه خود اين مسائل زمينه ساز از هم گسستن خانواده ميگردد.

چه بسا افرادى بخاطر ظاهر جذاب ، پيوند زندگى خود را آغاز كرده اند ولى چون از نظر معنوى ضعف داشته اند به ورطه سقوط و پرتگاه بدبختى كشيده شده اند، آنانكه گمان مى كنند اين عوامل ظاهرى ارزشمند است و بايد فقط ملاك پيوندها اين باشد سخت در اشتباه هستند.

زيرا پيامبر گرامى صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: از سبزى كنار زباله ها و كثافات پرهيز كنيد. عرض كردند: يا رسول مقصود شما چيست (خضراء الدمن)؟

فرمود: زن زيبائى كه در خانواده پست و بى اخلاقى پرورش يافته باشد.

اگر دختر و پسرِ زيبا و خوش اندامى ، در يك خانواده غير متدّين رشد كنند احتمال زياد دارد كه از سلامت معنوى و عفّت واقعى برخوردار نباشند.

اصولا هر برترى اگر در كنارش ايمان ، عقل وجدان باشد، ارزش پيدا مى كند.اگر دختر يا پسرى زيبا باشند ولى عقل نداشته باشند، ايمان نداشته باشند نه اينكه سعادت بخش نيست بلكه مصيبت بار مى باشد، گاه دختر يا پسر خود مقيد هستند، ولى از نظر فكر و انديشه و اراده ضعيف هستند و به دام صيادان جامعه گرفتار مى شوند، اين است كه بايد انگيزه و ملاك ازدواج ايمان باشد، تجربه نشان داده كه اين امور بدون معنويت سعادتبخشصلى‌الله‌عليه‌وآلهنخواهد بود. ممكن است در ذهن اين سئوال پيش آيد كه پس چرا زيبا رويان زودتر سامان مى يابند؟

بايد گفت : بخاطر اينكه اين اشتباه جامعه است كه زيبائى بدون ايمان ، بدون تشخّص ، بدون ادب را بهتر ميداند از سيما و اندام متوسط، اما با ايمان و اراده قوى .

ما بايد خود ملاكهاى واقعى را ارج نهيم تا به مرور ضد ارزشها فراموش و ارزشها رشد يابد. از آن سوى به آنانكه از نظر خودشان احساس ضعف ظاهرى مى كنند توصيه مى كنيم كه به جاى جلوه گرى ، طنازى و...به افزايش جنبه هاى معنوى و انسانى خود بپردازند و از خدا و ائمه (عليه‌السلام) بخواهند يك مورد مناسب را براى آنها بوجود آورند.

در زمان نه چندان دورى موارد مناسبى را خدا تاءمين خواهد كرد، ولى كسى كه بخواهد با مثلا فلان كمبود ظاهرى هى گناه كند، ديگران را به گناه وادار نمايد، بداند هيچ جاذبيت معنوى نخواهد يافت و...

آرى در روايات به اين امر توصيه شده كه زنان شوهران برجسته و نيكو صورت و سيرت برگزينند و مردان هم زنان زيبا و جذاب انتخاب كنند، ولى اين بدان معنى نيست كه بايد تمام نظر زيبائى باشد بلكه بايد ميزان ايمان او بالاتر باشد، اگر زيبائى ، برترى مرد يا زنى مثلا ٥٠ درجه باشد و پايه ايمانى او ٨٠ درجه نباشد بايد بداند كه زندگى موفقيت آميزى نخواهد داشت ، زيبائى و برترى زياد منهاى ايمان خطر آفرين است .و اين يك امر طبيعى است هر چه بلندى و تنومندى درخت افزوده گردد بايد ريشه هايش قوى تر باشد. وگرنه درخت ثُبات ندارد. هر چه ميزان مصرف برق بيشتر باشد، بايد قدرت تحمل سميهاى داخلى يك ساختمان و كنترل و كابل ورودى به خانه قوى تر باشد وگرنه موجب آتش سوزى و نارسائى در سيستم برقى مى گردد.

هر چه ارتفاع ساختمان و امكانات آن و تاءسيسات آن بيشتر باشد، بايد پايه و اساس ساختمان قوى باشد هر برترى مادى و ظاهرى كه در انسان وجود دارد اگر در كنارش بلكه بيشتر از او ايمان ، ادب ، وجاهت نباشد همان برترى شكست آفرين خواهد بود.

البتّه اين انحصار به جوانب ظاهرى ندارد، حتى برترى غير مستقيم هم همين خطر را دارد. مثلا دختر يا پسرى كه داراى علم ، مدرك ، تخصص و... هستند، همين امكان خطر برايشان وجود دارد. اگر پدر و مادر پولدارى داشته باشند همين مشكل در سر راهشان خواهد بود. (١٥٩)

## مسئله

زن نبايد گفتارش بگونه اى باشد كه عشوه گرانه و محرّك باشد. زن نبايد طورى راه برود كه از صداى كفش و حالت راه رفتنش ديگران متوجه شوند.

زن نبايد براى غير همسر خود زينت (آرايش) كند.

زن و مرد نامحرم يا محرمى كه ترس تحريك باشد) نبايد در يك مكان تنها باشند، هر زنى كه از روى هوى و هوس به مردان اجنبى و نامحرم نگاه كند خداوند اعمال نيك او را تا آن وقت كه انجام داده محو مى كند و اگر به بستر غير شوهر خود رود بر خداوند متعال است كه او را با آتش بسوزاند، پس از آن عذابى كه در عالم قبر و برزخ بر او روا داشته است .

زن نبايد پوشش نازكى داشته باشد كه بدن نما باشد. پيامبر گرامى ( صلى‌الله‌عليه‌وآله) نهى فرمود: كه زن با مرد نامحرم پيش از حد ضرورت سخن بگويند.

پيامبر گرامى ( صلى‌الله‌عليه‌وآله) فرمود: بوى بهشت از فاصله ٥٠ هزار سال قابل استفاده است ولى كسى كه به پدر و مادر خود بى احترامى كند و مردى كه نسبت به عفت خانواده اش بى توجه باشد بهره اى از بوى بهشت را نمى برد (يعنى اينقدر از بهشت دور است).

سئوال كردند: چرا يا رسول الله ؟

فرمود: زيرا اجازه مى دهد ناموسش (زمينه هاى زنا را بوسيله جلوه گرى ، خودنمائى و...) در بين جامعه ظاهر گردد (١٦٠). (١٦١)

## ناپاكى ، شكست جامعه

كشور اسپانيا در جنوب غربى اروپا قرار دارد و از كشورهاى حاصل خيز و خوش آب و هواى اروپاست ، اين كشور در سال ٧١١ ميلادى زمان خلافت بنى اميه بدست مسلمانان فتح شد.

طارق بن زياد فرمانده يك لشكر ١٢ هزار نفرى از راه جبل الطارق (كه هم اكنون به نام او است) درزمان كمى اسپانيا را فتح كرد و مسلمانان حدود هشتصد سال بر اين كشور حكومت كردند.

مسيحيان هر چه كردند در اين هشتصد سال نتوانستند اسپانيا را با وجود جنگهاى خونين پس بگيرند، تا بالاخره زمامداران مسيحى از راه فحشا مسلمانان را شكست داده و از اسپانيا راندند و قتل عام مسلمين صورت گرفت .

زمامداران مسيحى با يكى از افسران خائن مسلمان به نام «براق بن عمار» همدست شده و به كمك وى دو كار كردند:

١ - مشروبات الكلى را به حد و فور در شهرهاى اسپانيا با قيمتهاى ارزان و نازل وارد كردند و در اختيار جوانان مسلمان قرار دادند.

٢ - دختران طناز و دلرباى اروپائى را گروه گروه وارد شهرها كردند و به آنها راه جذب جوانان مسلمان را آموزش دادند و آزادانه در معابر عمومى در اختيار جوانان رخنه كرد و وقتى فساد به زمامداران سرايت كرد مقدمات نابودى و سقوط مسلمين فراهم شد. (١٦٢)

## زنا و زنان

مى دانيم كه اسلام با هر عاملى كه موجب انحراف جنسى گردد مخالف است و به شدت با آن مبارزه مى كند: نگاه كردن ، لخت شدن ، لباس زننده پوشيدن ، مطالب بدآموز مطرح كردن : چه از طريق كتاب و چه از طريق فيلم و يا موسيقى ، ترانه و يا سرودهاى تحريك كننده .

در عين اينكه اسلام در مبارزه با مفاسد با علتها مخالفت مى كند، با پديده هاى مفاسد هم مخالفت مى كند، يكى از مفاسد اجتماعى كه اسلام از راههاى مختلف با آن به مخالفت برخاسته زناست .

عظمت مطلب از روايات زير روشن مى گردد:

 صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: «وقتى زنا زياد گردد مرگهاى ناگهانى فراوان شود.»

در روايت ديگرى رسولخداصلى‌الله‌عليه‌وآلهفرمود: زنا پنج اثر دارد: آبرو را مى برد (نور صورت بر طرف مى شود) فقر مى آورد، عمر را كوتاه مى كند، خدا را عصبانى مى سازد و زناكار براى هميشه در جهنم مى ماند.

و در روايت ديگر از امام صادق عليه‌السلام است كه فرمود: «زنا كار سه ضرر در دنيا دارد و سه ضرر در آخرت ، در دنيا نور صورتش گرفته مى شود، فقير مى گردد و عمرش كوتاه مى شود، در آخرت خدا از دست او عصبانى مى شود، حسابش سخت است و در عذاب جهنم براى هميشه خواهد ماند.

امام صادق عليه‌السلام فرمود: « تجاوز به ناموس مردم موجب تجاوز به ناموس زناكار مى گردد.»

از آنجا كه در و ديوار و زمين از گواهان اعمال ما هستند؛ روز قيامت گواهى به كارهاى خوب و بد ما خواهند داد.

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: «ناله اى كه زمين براى انجام سه عمل مى كند نمونه ندارد: خونى كه بى جهت روى زمين ريخته شود، غسل جنابت از زنا و براى نماز صبح خواب ماندن .

در مورد عذاب زناكار همين بس كه به فرموده رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله: روز قيامت ، خدا به سه دسته اعتناء نمى كند: حرف نمى زند، تصفيه آنها را نمى پذيرد، و به آنها نگاه نمى كند و عذاب ابدى مخصوص آنهاست : پير زناكار، پادشاه ستمگر و خود خواه مغرور.

اين روايت شدت عذاب زناكاران را روشن مى سازد: اميرالمؤ منين عليه‌السلام فرمود: روز قيامت بوى گندى مى وزد كه همه مردم از آن ناراحت مى شوند و دماغ خود را مى گيرند، فرياد مى رسد: آيا مى دانيد اين بوئى كه شما را آزار داد چه بود؟

مردم مى گويند: نفهميديم و خيلى ما را ناراحت كرد.

گفته مى شود: اين بوى تعفن از پائين بدن زناكارانى است كه توبه نكرده اند و از دنيا رفته اند، خدا آنان را لعنت كرده و شما هم آنان را لعنت كنيد.تمام مردم با اين فرياد: خدايا زناكاران را لعنت كن .

در روايت ديگرى فرمود: بوى تعفن آنان تا ٥٠٠ سال راه مى رود و مردم آزار مى كشند. (و خودشان هم پيش مردم شرمنده اند.)

رسولخدا صلى‌الله‌عليه‌وآله در روايت ديگرى فرمود: «مهمترين گناهان در نزد خدا اينها هستند: كشتن پيامبر، امام ، خراب كردن كعبه (قبله مسلمانان) و زنا. (توجه فرموديد كه گناه زنا در رديف كشتن پيامبر و امام عليه‌السلام و خراب كردن خانه خدا (مكه) است .)

اسلام تنها عمل زناشوئى را زنا نمى داند بلكه مقدمه آنرا هم زنا مى داند و براى هر عضوى زنائى در نظر گرفته است : امام صادق و امام باقر (عليهما‌السلام) فرمودند:

«اعضاى بدن هم زنا مى كنند:زناى چشمها نگاه كردن است ، زناى دهان بوسيدن و زناى دستها بدن نامحرم را لمس كردن ، خواه اين مقدمات به عمل زناشوئى برسد يا نرسد.»

نه تنها اعضاى بدن در گناه زنا شريك هستند، بلكه واسطه اى كه در زنا فعاليت مى كند در گناه زناكار سهيم است و امام صادق عليه‌السلام فرمود: «رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله واسطه گر را لعن نموده است .»

ناگفته نماند كه عمل جنسى با حيوان هم در حكم زنا است . اين نكته قابل تذكر است كه گاهى غيرت مرد به جائى مى رسد كه حتى براى حفظ ناموس خود غيرت خروس را هم ندارد و خوك صفت همسر خود را براى ديگران مى برد كه چنين فردى گناهش بيشتر از واسطه هاست . اين فرد در روايات به عنوان «دَيُوث» معرفى شده است و اين عذابها را دارد:

خدا در قيامت با او حرف نمى زند، به وى اعتناء نمى كند، مورد تصفيه قرار نمى گيرد، عذاب ابدى دارد بوى بهشت كه از ٥٠٠ سال راه فاصله شنيده مى شود او نمى شنود و نماز آنها در دنيا قبول نمى گردد.

در عين اين عذاب ها خداوند راه توبه را باز گذاشته است و هر چه زودتر بايد زن و مرد اين چنينى توبه كنند و پس از توبه واقعى ، بتدريج روح ايمان به آنان باز مى گردد و روز قيامت در بهشت خواهند بود.

امام صادق عليه‌السلام فرمود: در روز قيامت سه دسته آزادند تا حساب پايان يابد: كسى كه هيچگاه قصد زنا نكرده ، كسى كه مال او به ربا (بهره) مخلوط نشده و كسى كه واسطه زنا و ربا نگرديده است .» (١٦٣)

## محرم و نامحرم

در اديان آسمانى عده اى از زنان را براى مرد محرم شناخته اند و مرد نمى تواند با آنها ازدواج كند و نگاه به آنها بدون قصد لذت بردن گناه ندارد. قرآن كريم در سوره نساء آيه ٢٤- ٢٣ زنانى كه محرم هستند و نمى توان با آنها ازدواج كرد چنين معرفى مى فرمايد:

١ - زن پدر (نامادرى = مادر دوم) ٢ - مادر ٣ - دختر ٤ - عمه ٥ - خواهر ٦ - دختر برادر ٧ - دختر خواهر ٨ - خاله ٩ - دايه (زنى كه پسر را شير مى دهد اگر چه يكشبانه روز پشت سر هم شير داده باشد.)

١٠ - خواهر رضاعى : دخترى كه با پسر همشير بوده و از مادر آن دختر شير خورده حداقل ٢٤ ساعت تمام شير خورده باشد كه از شيرى كه مى خورد گوشت روئيده شود.

١١ - مادرِ زنى كه با او ازدواج كرده و دختر را از شوهر ديگر داشته است .

١٢ - دختر زنى كه با او ازدواج كرده و دختر را از شوهر ديگر داشته است .

١٣ - زنى كه براى پسر حلال شد، محرم پدر مى شود و پدر هيچوقت نمى تواند با او ازدواج كند (چون عروس او است و پس از مرگ پسرش نمى تواند با او ازدواج كند).

١٤ - جمع ميان دو خواهر در يك زمان ، يعنى نمى توانيم دو خواهر را با هم بگيريم ولى مى توانيم يكسال با يكى از آن دو ازدواج كنيم و سال ديگر با آن يكى (البته بصورت صيغه و عقد موقت چون وقتى عقد دائم باشد پس از سه طلاق نياز به محلل دارد. و پس از ٩ طلاق براى هميشه حرام مى گردد.)

١٥ - با زن شوهردار هم نمى توان ازدواج كرد و محرم انسان هم نيست و بايد مثل زنان غريبه با او رفتار كرد.

در اسلام ، با اين ١٥ دسته نمى توان ازدواج كرد و ازدواج با آنها باطل و حرام است و عمل زناشوئى با آنها كيفر بيشترى دارد، اما نگاه به آنها بدون قصد لذت گناه ندارد اما نگاه به ما بقى زنها غير از اين ١٥ مورد حرام است .

با توجه به نكته هاى ياد شده دامادى كه با طائفه اى خويشاوند مى گردد فقط با مادر دختر محرم مى شود و مى تواند به او نگاه كند و ازدواج با او حرام است ، اما ساير بستگان دختر به پسر محرم نمى شوند و حق نگاه كردن به آنها و يا صحبت با آنها (بيشتر از حد ضرورت) را ندارد، خواهر، عمه و خاله دختر (عروس) همه و همه به پسر (داماد) نامحرم هستند از سوى ديگر دختر كه وارد طايفه جديد مى شود فقط به پدر پسر محرم است و پدر شوهر مى تواند به او نگاه كند اما برادر داماد، دائى ، عمو و سائر اقوام پسر محرم دختر نمى شوند و بايد از آنها پرهيز كند و رو بگيرد. به تعبير ديگر اگر شوهرش از دنيا رفت در طائفه جديد فقط به پدر شوهرش نمى تواند شوهر كند، اما با ساير افراد طائفه مانعى ندارد.

در صدر اسلام دختران را كه به اسارت مى گرفتند به كنيزى مى خريدند و با بچه دار شدن آزاد مى گرديدند كه به اصطلاح فقهى آنها را «اِماء» مى گفتند و اين برنامه فعلا منسوخ گرديده است .

ناگفته نماند كه در تورات چهارده موردى كه در اسلام براى ازدواج ممنوع كرده و در رديف اول ذكر شد منع شده است ، اما بجاى شماره ١٥ كه در اسلام منع شده در تورات زن برادر ممنوع گرديده است . اما هنگاميكه بردار ميميرد، گرفتن زن برادر را بر برادر واجب مى داند.

از اين نظر كه انجيل حضرت عيسى عليه‌السلام در دسترس پيروان آنحضرت نيست و آنچه فعلا انتشار پيدا مى كند مطالبى است كه نويسندگان عهد جديد بيش از يك ربع قرن از تاريخ ميلاد نوشته اند و بصورت تاريخ حضرت عيسى عليه‌السلام است نه احكام و قوانين آنحضرت ، پيروان كليسا احكام الهى ندارند و از احكام تورات استفاده مى كنند. در هر صورت پيروى از هر دينى از اديان آسمانى بنمائيم بايد به محرم و نامحرم بودن دقت كنيم و مقررات آنرا رعايت نمائيم ، چه نگاه كردن و چه ازدواج نمودن .

از جمله اين مقررات است كه نگاه به نامحرم نكنيم ، در يك اطاق با هم تنها نباشيم و از مسائلى كه مورد اتهام است و سوء ظن ايجاد مى كند، مثل عكس گرفتن دسته جمعى و يا دو نفرى حتما پرهيز كنيم كه زمينه آبرو ريزى را براى خود فراهم كرده ايم و چه بسا عكسى كه در دست دشمن مى افتد و حداكثر استفاده را از آن مى نمايد و آبروى صاحب عكس را پاك مى برد.

بقيه مسئله

غير از ١٥ دسته اى كه ذكر شد كه در متن قرآن آمده است تعداد ديگرى از زنان نيز براى پسر و براى دختر هميشه حرام مى شوند كه اين حرمت بخاطر عوامل مختلفى پيش مى آيد.

١ - خواهر، مادر و دختر كسى كه با او عمل قوم لوط انجام شده بر فاعل حرام مى گردد.

٢ - اگر فردى با دخترى كه هنوز بالغ نشده عمل زناشوئى انجام داد و بر اثر آن دختر «افضاء» شد آن دختر بر مرد براى هميشه حرام خواهد شد و بايد «مهر المثل» را به دختر بدهد.

٣ - تزويج زنى كه در عده ديگرى است و عده طلاق و يا عده وفاتش تمام نشده است . (يعنى اگر كسى با زنى كه عده طلاق يا وفات شوهر قبليش تمام نشده ازدواج كند، آن زن تا ابد براى آن مرد حرام است يعنى نمى تواند با او ازدواج كند.)

٤ - ازدواج زن مسلمان با مشرك ، يهودى و مسيحى (حرام است) ولى مرد مسلمان مى تواند زن يهودى و مسيحى را صيغه كند، اما از مذاهب ديگر ممنوع است و در هر صورت خطر انحراف دينى دارد و مرد بايد خيلى مواظب باشد.

## هشدار

٥ - كسى كه بداند در جريان احرام ازدواج حرام است و ازدواج كند (يعنى عقد نمايد) زن براى هميشه به او حرام مى گردد.

تعدادى از زنان هم بطور موقت حرام هستند و بعد از رفع محدوديت حلال مى شوند:

١ - موقع اعتكاف كه سه روز است و در مسجد جامع برگزار مى شود و در طول اين سه روز نبايد از مسجد خارج شوند و يا عمل زناشوئى انجام دهند.

٢ - كسى كه چهار زن عقدى دارد نمى تواند زن ديگرى بگيرد مگر اينكه بصورت صيغه باشد يا يكى از آنها را طلاق دهد و عده طلاق هم تمام شود.

٣ - موقعى كه زن در جريان حيض است (خون ماهيانه) كه حداقل سه روز و حداكثر ده روز مى باشد.

٤ - موقعى كه زن بچه دار شده كه حداكثر تا ده روز بايد از عمل زناشوئى پرهيز شود.

٥ - با دختر كه هنوز بالغ نشده نمى توان ازدواج كرد و عقد باطل است ، ولى اگر با اجازه پدر يا حاكم شرع باشد عقد صحيح است .ولى عمل بايد بعد از ٩ سالگى شروع شود.

٦ - در هنگاميكه زن و مرد در احرام مكه هستند كه اگر عملى انجام دادند بايد شتر قربانى كنند.

٧ - زنى كه سه مرتبه طلاق داده شده با اجراى مُحَلل حلال مى شود.

باز هم سه مرتبه كه طلاق داد با محلل حلال مى گردد اما مرتبه نهم كه طلاق صادر شد زن براى مرد براى هميشه حرام مى گردد.

در جريان «لِعان» و «ظهار» نيز زن بر مرد بصورت موقت حرام مى گردد كه اين دو مسئله با مسائلى كه مربوط به كنيز است فعلا در جامعه ما وجود ندارد و از توضيح آن خوددارى مى شود. (١٦٤)

هشدار

مسلمان قيافه اش بايد مثل بچه مسلمان باشد جوانهايى كه با يك شكلهايى خودشان را درست مى كنند و اسم خاصى را هم براى خودشان مى گذارند، اينها درست نيست . آگاه باشيد كه دينِتان را با يك سرى برنامه هاى ضد دينى نبرند.

يك نفر از خارج آمده بود مى گفت : كثيف ترين ، رذل ترين ، معتادترين ، لجن ترين گروه را در آمريكا گروه رپ مى گويند. ديگه از آنها كثيف تر و لجن تر نيست ، اون وقت اين جوانها در اينجا فكر مى كنند اينها آدمهاى خوب و متّمدن و متفكر و دلسوز اجتماع و خير خواه مردم هستند و جوانهاى ناآگاه اين كثافتها را اُلگو و سر مشق خودشان قرار ميدهند و از آنها تبعيّت مى كنند.

وقتى به آنها نگاه ميكنى اينجورى خودشان را درست ميكنند و يك پيراهن زنانه به تن ميكنند و با موهاى آنچنانى بيرون ميآيند فكر مى كند مثلا خيلى متجدد است .

نه بابا تو خودت را شبيه لجن ترين لجن آمريكا درست كردى ، كه پيغمبر هم لعنت كرده . و مى فرمايد «لعن اللّه متشبهين»، پيغبر لعنت كرد اون كسانى را كه ، نامردهايى را كه خودشان را شبيه زنها درست كنند و زنهايى را كه خودشان را شبيه مردها درست كنند.

## موعظه

اى مسلمان ، اى مرد، اى زن ، اى جوان چقدر به امام زمانت علاقه دارى ؟ واقعا حاضر هستى جانت را فداى امام زمانت كنى ؟ بيا از فردا صبح يك چادر بردار روى سر خانمت ، دخترت يا خواهرت بينداز، و يا اگر مانتوى هستند، آنها را براى خاطر امام زمانت چادرى كن .

وقتى زن نامحرم ميآيد دم مغازه ات با او زياد گرم نگير، بخاطر دو سه روز جيفه دنيا، خودت را جهنمى نكن ،

يكى از بزرگان برايم تعريف كرد:

يك شب حضرت امام رضا عليه‌السلام را در خواب ديدم كه بدنشان مجروح است و ناراحتند.

گفتم آقاجان مگر شما را مسموم نكردند پس چرا مجروحيد؟

حضرت فرمودند: اين زنهايى كه با اين وضع به اينجا مى آيند و چادر ندارند و بد حجاب راه مى روند و توى بازار و خيابان با اين وضع اسفبار قدم مى گذارند و براى خريد به بازار ميروند و با مغازه دارها بگو و بخند مى كنند... و زلفهايشان را بيرون مى اَندازند... ناراحتم و آنها نمى دانند كه با اين عملشان تيرى به جان من مى اَندازند و تمام اين زخمهايى كه مى بينى از اعمال آنها است . هر زلفى كه بيرون باشد نيزه اى است كه به بدنم وارد مى شود.

دختر خانمِ تو، زلفهايش را بيرون ميگذارد و دنبال عزاى حسين عليه‌السلام ميآيد. اين عوض ثواب ، فعل حرام انجام ميدهد، پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآلهفرمود: در دوره آخرالزمان بر امت من برسد كه زنهاى آنها موهايشان را مثل كوهان شتر بيرون بگذارند، داريم مى بينيم ، تير نزنيد به دل امام زمانتان ، نمى خواهد برايش خدمت كنيد. به همين اندازه اگر دوستش دارى جگرش را نسوزان آدم چيزهايى مى بيند كه واقعا دلش به درد ميآيد.

مرد مسلمانى كه پيراهن سياه براى امام حسين عليه‌السلام تنش ميكند معنا ندارد كه زنش با موهاى بيرون آمده و با لباس افتضاح دنبالش بيايد، آخر اين پيراهن سياهت چيه خوش غيرت ؟ تو عزادار امام حسينى ؟ آخر بابا امام حسين براى حجاب كشته شد، آخر اين كار تو يزيدى است ، يزيد حجاب اهلبيت حضرت ابى عبدالله عليه‌السلام را برداشت ، آخر تو بدتر از يزيدى ؟ بابا باز به غيرت يزيد.

اى مردم با اعمال نيك دينى تان امام زمان عليه‌السلام را يارى كنيد، امام زمانتان را اَذيت نكنيد. مگر نمى خواهيد آقا توى خانه هاى شما نگاه رحمت كند، جلوى ناموست را بگير تا بدحجاب بيرون نيايد.

## اثر كتابهاى دينى

يكى از علماى ربانى فرموده بودند: از يكى از شهرهاى عراق به شهر ديگرى مى رفتم وقتى سوار قطار شدم داخل كوپه نشستم مسافرهاى ديگر، زنهاى بى حجاب بودند، ديدم بايد اين مسير طولانى را با اين زنهاى بى حجاب طى كنم ، گفتم چه كنم كه محيط را عوض كنم ، (چون آدم مسلمان وقتى در محيط گناه قرار گرفت بايد سعى كند محيط را عوض كند.)

يادم آمد كه يك نسخه از «صحيفه سجاديه» را همراه دارم - صحيفه را در آوردم يكى از فرازهاى نورانىِ صحيفه را خواندم و چون اينها عرب بودند و زبان مادرى آنها بود، مفاهيم را درك مى كردند و مى فهميدند.

ديدم كلمات نورانى صحيفه آنها را عوض كرد، يكى از آنها بلند شد يك روسرى سرش كرد، يكى شون چشمانش اشك آلود شد، خلاصه محيط عوض شد بعد اتمام دعاى صحيفه برگشتند به من گفتند: آقا اين حرفها مال كى بود كه مهم بود؟

گفتم : كلمات نورانى صحيفه سجاديه امام زين العابدين عليه‌السلام است . گفتند: ما متاءسفانه از اين معارف محروم هستيم اگر مى شود اين كتاب را به ما بدهيد.

مى فرمود: با خواهش و تمنا اين نسخه را از من به عنوان يادگار گرفتند.

خلاصه مسلمان بايد محيط را اسلامى كند يعنى از خودش رنگ بدهد، نه رنگ بگيرد، خانم مسلمان بى حجابى و بد حجابى مال كفار و بى دينان است شما كه مسلمان هستيد بايد با بى حجابى و بدحجابى مبارزه كنى مثل امام حسين عليه‌السلام مثل حضرت زهرا عليها‌السلام يا مثل حضرت زينب (عليها‌السلام)، كه با بى حجابى و بدحجابى مبارزه كردند. ولى متأ سفانه گاهى اوقات ديده مى شود مادر چادرى ، ولى دختر بدحجاب و بى حجاب ، من نمى دانم اينها فرداى قيامت جواب خدا را چه مى خواهند بدهند.

## انواع بدحجابها

يكى از علماء مى فرمودند:

من يك وقت راجع به افرادى كه بد حجاب هستند فكر مى كردم حساب كردم و شمردم چند نوع بدحجاب داريم همه يك رقم نيستند.

١ - بعضى بدحجابها بسيار آدمهاى خوبى هستند، منتها محيط خانوادگى و فاميليشان بدحجاب بوده اين هم هيچ غرضى نداشته و اينجور بار آمده .

٢ - بعضى ها مادرهايشان بدحجاب هستند و او هم ياد گرفته .

٣ - بعضى ها مادرهايشان حجاب دارد اين لج مى كند.

٤ - بعضى ها مساءله را نمى دانند كه بى حجابى يا بدحجابى حرام است .

٥ - بعضى ها مشكل روحى دارند.

٦ - بعضى ها كمبود دارند.

٧ - بعضى ها كلا ميخواهند به دين دهن كجى كنند.

٨ - بعضى ها تقليدى هستند مثلا چون دختر خاله اش يا همسايه اش اينجورى است آنهم بايد اينجور باشد.

٩ - بعضى خيال مى كنند تمدّن و تجدّد است .

١٠ - بعضى ها خانوادگى روانى و خيالى هستند.

١١ - بعضى ها پول گرفته اند كه فرهنگ بدحجابى يا بى حجابى را رواج دهند. و فرهنگ مبتذل غربى را در كشور مذهبى بياورند و مردم را بى قيد و بى بند و بار و بى دين و لامذهب بار بياورند و هر كارى كه ميخواهند انجام دهند.

١٢ - بعضى ها بر اثر رفت و آمدها و روابط دوستانه و مسخره كردن دوستانشان ... بى حجاب يا بدحجاب شده اند.

خانم س ، ص بانوى تازه مسلمان آمريكايى ساكن آمريكا

من در آمريكا چشم به جهان گشودم و در بدترين شرايط اجتماعى ، در ميان مفاسد جامعه آمريكا بزرگ شدم .

قبل از اينكه مسلمان گردم در طول مدت عمر گذشته ام (از طفوليت تا زمانى كه دورادور با مسلمانان و بعد با اسلام آشنا شدم) در آمريكا با مشكلات اجتماعى بسيار و حوادث ناگوار و قبايح و زشتى هاى تمدن غرب كه برخى از آنها مخصوص آمريكاست - روبرو شدم .

در اثر تماس هاى حضورى و ارتباطات بعدى با برخى از بانوان ايرانى ساكن آمريكا با اسلام آشنا شدم ...

در اين ميان با يك مهندس مسلمان ايرانى آشنا شدم كه منجر به ازدواج با او گرديد، و پس از كسب اطلاعات نسبتا بيشترى در باره اسلام از او، متوجه شدم كه حجاب بايد بگيرم و دلايلى كه شوهرم مطرح كرد، مرا قانع نمود، بخصوص كه از مردان شهوتران اين جامعه بى روح و بى محتوى و فاسد، به ستوه آمده بودم .

اين بود كه حجاب را بهترين وسيله محافظت خود در برابر اين مردان يا بهتر، اين وحشيان ظاهرا متمدن - ديده و با رضايت خاطر قبول كردم .

از وقتى كه خواستم حجاب داشته باشم (روز بعد از ازدواج احساس كردم كه قدم در مسير كمال برداشته ام ...)

در باره اثرات مفيد و مثبت حجاب و به طور كلّى پوشيده شدن بدن زن ، مخصوصا در آمريكا هر چه بنويسم ، كه نوشته ام و برعكس از اثرات نامطلوب برهنه شدن زن (قسمتى يا بعضى از اعضأ برهنه باشد يا خيلى از جاهاى بدن) در فاسد كردن مردان و فاسد شدن خودشان و بالاخره زيانهاى ناشى از عدم پوشش زن در جامعه ، هرچه بگويم كه گفته ام .

اما براى اينكه شما را با روح قضايا آشنا سازم ، ترجيح مى دهم به مسائلى در اينجا بپردازم ، تا شما را سريع تر با روح مريضِ جامعه آمريكا آشنا كند، و آنگاه خودتان درباره اهميت و نقش حجاب و مراتب ضرورتش در اين جامعه عقب ماندها از انسانيت ، و رشد كرده از نظر صنعت پى ببريد:

در زمستان كه مردم مجبورند به جهت سردى هوا خود را پوشانده و پوشش بيشترى داشته باشند به طور طبيعى و كاملا محسوس ، در آمريكا تجاوز به عنف نسبت به زنان كمتر مى شود، لكن در تابستان كه زنان علاوه بر گرماى هوا به پيروى از مدهاى جلف و فاسد كننده ، خود نيز دنبال بهانه اى هستند تا هر چه ممكن است لباس خود را سبك نموده و به بهانه گرما اعضاى حساس بدن خود را در معرض ديد مردها قرار دهند.

تجاوز به عنف نسبت به زنان ، حتى پيرزنان نيز افزايش مى يابد، و تا آنجا پيش مى رود كه در اين فصل راهبه ها نيز مورد حمله مردان جنايتكار قرار مى گيرند.

علتش آن است كه زنان آمريكا با آزاد كردن اعضاء بدنشان در رفت و آمدها، بصورت عريان يا نيمه عريان ، در ميان مردان ظاهر شده و موجبات تحريك آنها را فراهم مى كنند، كه در برخى اين هيجانات نامطلوب تا به سرحد جنون پيش مى رود، و منجر به تجاوز به عنف مى گردد، يعنى سلامت روح مرد و جامعه با نوع و كيفيت پوشش زن رابطه مستقيم و غير قابل انكارى دارد، در حالى كه يقينا در بين زنانى كه خود را پوشيده اند، مخصوصا مسلمانان ، اين بيمارى فصلى يا... وجود ندارد و يا تا به اين حد جنون آميز شدت پيدا نمى كند، يعنى عملا به آثار و نتايج وجود و عدم حجاب در زن پى برده ام ... (١٦٥)

خانم ن ، ق ، ز - دانشجو - تهران

«... بنده عقيده دارم آن حجابى كه به صورت لباس گشاد، يا مانتو و روسرى باشد، اثر زيادى در منع نگاهِ آلوده ندارد، بلكه مسئله مهم صورت و چهره است كه باعث تحريك جنس مخالف و جلب توجه او مى شود، يعنى من براى خود، چادر و حجاب را يك عامل نجات بخش در رويارويى با مرد نامحرم مى دانم ، به خصوص وقتى كه متوجه مى شوم مردى يا مردانى نگاههاى آلوده اى دارند.

در آن موقع كه چادرم را محكمتر مى گيرم تا صورتم در تيررس رؤ يت آنها نباشد، يك احساس امنيت توام با رضايتى به من دست مى دهد، و به خاطر اينكه هم توانستم او را ناكام بگذارم و هم خود را از نگاه آلوده و مسموم كننده اش مصون دارم ، در خود احساس آرامش مى كنم .

از آنجا كه خوشبختانه در سنّ نوجوانى با اصول صحيح دينى و تعاليم آسمانى آشنا شدم ، از اين به بعد حجابم كامل گرديد، ولى قبل از آن ، حجاب كامل نداشتم ، و وقتى اين دو دوره را با هم مقايسه مى كنم ، مى بينم كه حجاب باعث شد كه خودنمايى در من خيلى كاهش پيدا كند، زيرا در حالت بدحجابى ، احساس مى كردم كه گرفتار اين نقيصه روحى (يعنى خودنمايى) شده بودم و به خوبى مى توانم به ديگران بيان نمايم كه غرض از «بدحجاب» در هر زنى چيست ، و چرا برخى از زنان كه مى توانند از روسرى و لباس گشاد بجاى چادر استفاده كنند اصرار دارند كه از چادر استفاده كنند آن هم نه به طور كامل ، بلكه نيمه حجابى كه به نوعى قسمتى از صورت را نمايان ساخته و بدان وسيله ميل و هوس مردان و جوانان را تحريك نموده و با اين خودنمائى ، به نوعى خودخواهى خود را ارضاء كنند، و احساس حقارت خويش را (كه دامنگير همه زنان در همه جوامع بوده و سهم بيشترى هم نصيب زن مسلمان گشته است ! به جهت تحقير و توهين دختربچه ها و دختران نوجوانان) و يا در جامعه (به جهت تحقير عمومى زنان) را بدينوسيله جبران نمايند.

آرى ! من خود در دوران گذشته و در سايه جهل و غفلت ، حظّ كاذب خودنمايى به جوانان را به وسيله نيمه ، حجاب ، احساس كرده ام و از قصد و نيّت بسيارى از زنان و دختران بدحجاب امروز به خوبى آگاهم مگر زنان روستايى و ييلاقى كه از روى سادگى و بى اطلاعى و چه بسا با خوش قلبى كاملى بدحجابى را پيشه خود كرده اند - البتّه از آن موقعى كه به اهميت حجاب پى بردم به وظايف دينى خود خوب آشنا شدم و نيز به حساسيت امر واقف گرديدم بيشتر در اين مورد حساس شدم .

آنچه به نظرم مى رسد و براى خواهران عفيف دينى مى توانم توصيه كنم اين است كه :

«اگر ما حجاب را براى مصونيت خود برمى گزينيم ، چه بهتر كه حجاب كاملتر را برگزينيم كه مصونيت بيشترى داشته باشيم .»

از اين رو چادر مى تواند نقش مهمى در مصونيت زن از نگاههاى آلوده مردان داشته باشد.

نكته اى كه در آخر به نظرم رسيد اين است كه حجاب مى تواند بخصوص اگر از روى آگاهى باشد، زن را به خيلى از اصول و موازين

عقلى و شرعى ديگرى معتقد كند و او را از گمراهيهاى ديگر نجات دهد، از جمله اينكه مى تواند او را تا حدى از احساس برترى ها و خودنمايى ها نجات دهد.

همچنين مى تواند منشأ ايجاد مهر و محبت و اُنس و اُلفت در بين جامعه شود، چرا كه هر چه خودخواهى ها كاهش يابد در قبالش عواطف ، تقويت خواهد شد، در حالى كه برعكس ، خود فساد، عامل كُشنده محبت و عاطفه انسانى است ، چرا كه مفاسد از رشد و تقويت غرايز و خودخواهى ها سرچشمه مى گيرند». (١٦٦)

خانم ب ، الف - خانه دار - تبريز

«... به هر حال ، زن بى حجاب ، چون ارتباط مستقيم با مرد اجنبى دارد لذا آن لطافت روحى خود را در تماس بيشتر از دست داده و آن عفت و پاكدامنى خود را در اثر كثرت معاصى نمى تواند حفظ، و يك نوع حالات و خصوصيات مردانه به او القاء مى شود.

اما زن با حجاب در وراء حجابش هميشه روح خود را در آرامى مى بيند و عواطف و احساسات خود را فقط براى همسر و فرزندش معطوف و ابراز مى كند و حياء را پيشه خود مى سازد، به طورى كه از همسر خود نيز در بعضى از مواقع شرم دارد.

حجاب زن در واقع سنگر اوست در مقابل تيرهاى آلوده ، كه از چشمان پُر هوس هر مردى به او نشانه رفته .

حجاب زن تيغ بُرنده اى است در مقابل هر مرد متلك گوى پست فطرت ، و حجاب زن ديوارى است از سيم هاى خاردار در مقابل دست آلوده مرد اجنبى كه خواسته دامنش را بيالايد.

و بالاخره حجاب زن مهد آسايش و آرامش روح اوست .

با آنكه رنگ سياه از رنگهاى مكروه است ، اما با وجود اين براى زن محجّبه ، زينت بخش است ، به طورى كه خداوند در نزد خويش براى زن كه عصمت و عفت خود را حفظ مى كند، اجر كريم قائل شده است ، كه در سوره مباركه احزاب ، آيه شريفه ٥٣، خداوند خطاب به مردان مؤ من ، در مورد رفتار با همسران پيامبر مى فرمايد:

«زمانى كه سؤ ال كرديد از انسان چيزى را، پس سؤ ال كنيد از وراى پرده ، اين كار شما پاكيزه تر است ، هم براى قلبهاى شما و هم براى قلوب آنها»

پس آيه شريفه اين را مى رساند كه هر حجاب و حايل واقعى هم براى پاكى قلوب مردان بهتر هست وهم براى پاكى قلوب زنان ، تا هيچكدام خصوصا مردان را به هوس نيندازد و آنان را به گناه آلوده ننمايد» (١٦٧)

خانم ر، ح - معلّمه - تهران

«به هر حال كلاس چهارم و پنجم گذشت و من از پدر و مادرم خواستم چادرى نو، برايم بخرند، و با خود عهد كردم كه در مدرسه جديد از ابتداء چادر سر كنم و چنين هم كردم و همين امر باعث جدا شدن من از دوستان سالهاى قبلى ام شد و نيز جدا شدن راه زندگى ام .

آنها كم كم دخترانى بى قيد و بند و منحرف شدند و سر راه مدرسه به هر كس و ناكسى مى خنديدند (هم از روى نادانى به عواقب كارشان و هم به علت بى خبرى از حالات و احوال درونى مردان و جوانان ، و شايد به قصد لذّت نفسانى خود)

اما من سرم را پايين انداخته ، رويم را محكم مى گرفتم و به تنهايى به مدرسه مى رفتم .

و همين چادر، مرا از گمراهى كه در اثر دوستى با آنها دامنگيرم مى شد نجات داد. البته حجابم شُل و سفت مى شد تا بعد از انقلاب ، و هم اكنون (بخصوص بعد از آشنايى با حقايق) مانند يك حصار محكم بدان نيازمندم .

در سايه آن احساس امنيت مى كنم و به قول گروهى از بانوان مؤ منه حقيقى ، چادر براى ما نه تنها سنگينى نيست ، بلكه با آن احساس آرامش مى كنيم اگر نگاه آلوده اى ما را تعقيب كند، با محكمتر گرفتن آن ، او را از خود مى رانيم و مى فهمانيم كه اجازه نامردى ندارد. (١٦٨)

خانم م بانوى تازه مسلمان انگليسى الاصل خانه دار مشهد

«از زمانى كه اينجانب به دين مقدّس اسلام مشرّف شدم ، حجاب يكى از چيزهاى با ارزشى است كه از اسلام به دست آورده ام .

لذا از همان ابتداء سعى نمودم تا به طور كلى با قوانين اسلام مخصوصا قوانينى كه شامل حال زنان مى شود، آشنا شوم .

در نتيجه پس از مطالعه و درك مسئله حجاب ، آن را پذيرفته و تا حدودى احساس امنيت نمودم (احساسى كه در زمان قبل از داشتن حجاب ، خيلى كم با آن مواجه شده بودم) و بدينوسيله تصور كردم كه مى توانم خود را از گزند دنياى ظالم و همچنين از جامعه اى كه شخصيت زن در آن به اندازه ظاهر و بازوى او اهميت ندارد، حفظ نمايم .

با اينكه كاملا به ارزش امنيت درونى كه در من ايجاد شده بود پى نبرده بودم ، ولى هيچ مشكلى قادر نبود كه عقيده و تصميم مرا در باره حجاب عوض نمايد. با وجود اينكه پس از پوشيدن حجاب ، اندكى از تحرك و راحتى من كاسته شده بود ولى در مقايسه با مشكلات قبل از حجاب ، اين موضوع نمى توانست براى من مهم جلوه نمايد.

همان طور كه اشاره نمودم در جامعه اى كه من متولد شده بودم ، براى زنان جز يك پوسته خالى ظاهر، چيز ديگرى باقى نمانده است .

تمام زنان و يا حداقل بيشتر آنان مى دانند كه اسير ظاهر خود گشته اند و با اينكه اين اسارت ، آنها را از پا درآورده است ولى چاره اى ديگر ندارند، زيرا در چنين اجتماعى (منظور اجتماع غرب) راهى ديگر براى آنها وجود ندارد.

من به نوبه خود مى ديدم كه رفتار و لباس پوشيدن زنان غرب ، همه چيز را از مسير راست خود منحرف مى كند.

قبل از پوشيدن چادر، وقتى به خيابان مى رفتم احساس مى كردم كه يكى از كالاهاى عرضه شده در آن فروشگاهها مى باشم .

حتى در هنگام قدم زدن متوجه تماشاگرانى مى شدم كه مانند خريدار، به منظور ارضاء لذائذ نفسانى خود براى زنان بها تعيين مى نمودند، و به اين دلايل من خود را در حجاب محصور نمودم .

پس از آمدن به ايران خداوند معلمين حقيقى را به عنوان يك موهبت و نعمت به من اعطا كرد كه مسلما پيشرفت من بدون وجود آنها غير ممكن بود...» (١٦٩)

خانم ب ، ث - متخصص مامايى از آمريكا - دانشگاه مشهد

«... آنچه را اكنون از حجاب گرفتن در خود احساس مى كنم اين است كه خيلى احساس آرامش و آسايش خيال ، در خيابان و اجتماعات مى نمايم و از اينكه از نگاههاى زهرآگين مردان بى شرم بيشمارى خود را محفوظ مى بينم ، از حجاب گرفتن خود بسيار خرسند مى شوم و اين در حالى است كه هنوز در خانواده و ضمن معاشرت دوستان ، رعايت حجاب از طرف من قبولش براى آنها مشكل است .

ولى من در اين مورد نه تنها با وجود تنها بودن در بين عده اى از معاشرين فاميلى ، خود را ناراحت نمى بينم بلكه از خداوند متعال كه توفيق داد آن را آگاهانه بپذيرم و همچنين از مسببّين و مشوّقين دلسوزى كه مرا با دليل ، به حجاب گرفتن دعوت نمودند (از جمله كتاب «بهاى يك نگاه ؟!» و نشريه مقدماتى «نگاه پاك زن - و نگاه هاى آلوده به او») بسيار ممنون و سپاسگزارم .

اكنون وقتى زنى را كه در اثر ناآگاهى ، بى حجاب مى بينم ، دلم به حال او مى سوزد و در صدد هستم به هر صورتى كه ممكن شود، او را متوجه سازم كه متمدن نشان دادن خود فقط در اين نيست كه با پيروى از مُدپرستى و جلب نظر ديگران و به صورت زننده اى آرايش كردن ، جلوه شوى .

من در گذشته ، چه در ايران و چه در خارج ، متوجه ناامنى ها و چشم چرانى هاى مردان به زنان بودم كه چقدر موجب عذاب عده اى از دختران و زنان پاك قلب بوده و چه بسا اتفاقات ناگوارى را كه موجب هتك حرمت و رفتن آبروى خيلى ها مى شد، ديدم يا شنيدم كه شرح تفصيلى آن از حوصله اين مختصر خارج است .

به اميد روزى كه از هر جهت امنيت در جهان برقرار گردد. (١٧٠)

خانم الف ، ب - متخصص بيولوژى از آمريكا - دانشگاه مشهد

«... در اوقات مختلف با دوستان آمريكايى خود در اين زمينه (حجاب) صحبت مى كرديم و با كمال تعجب بايد بگويم كه آنها بيشتر از زنان در ايران از واژه حجاب مطلع بودند و توضيح مى دادند كه حتى الى سال پيش براى رفتن به كليسا از روسرى و كلاه استفاده مى كردند.

و زن جوان اين پوشش را بر سر مادران خود به ياد مى آورد. در مورد صحبت با يكى از اين دوستان آمريكايى فقط همين را بگويم كه وقتى مسئله حجاب مطرح شد، او در يك جمله ساده گفت : «من اين قسمت از قوانين اسلام را خيلى مى پسندم ، چون كه ديگر لازم نيست در زمان رعايت پوشش اجبارى نگران نگاه شوهرم به سينه باز فلان خانم باشم ....» و گاهى من ندانسته سؤ ال مى كردم كه چرا اينقدر در آمريكا زن و شوهر به هم مهربانند و دائما دستان يكديگر را مى گيرند: يعنى هميشه دست به دست هم داده ، راه مى روند و يا لااقل در انظار تظاهر مى كنند، او در جواب مى گفت كه اين دليل مهربانى بآنها به هم نمى باشد، بلكه آنها از نگاههاى آلوده به زوج خود و يا بعكس از طرف مقابل به ديگران نگرانند. اين شواهد كم كم مرا از اهميت رعايت حجاب با خبر مى كرد...» (١٧١)

خانم س ، الف - مدرّس دانشگاه - تهران

«... نمى خواستم در كوچه كه راه مى روم آنقدر شخصيتم پايين باشد كه مورد پسند هر كس و ناكسى قرار گيرد و باران متلك ها به سرم فرود آيد.

حجاب ، مرا از بسيارى از اين ناامنى ها كه در جامعه بود راحت كرد، دنبال سر افتادن ها و متلك ها و نگاههاى ناجور و... خيلى خيلى كمتر شد. با انتخاب آن حجاب اوليه ، احساس امنيت و بى نيازى از آن نگاههاى آلوده و پست مى كردم و از طرفى خود راحت بودم و آنها برايم بى اهميت شده بودند....

با حجاب گرفتن و تكميل آن ، توفيقات خداوندى شامل حالم مى شد. گويى راه ، صاف شده بود، نماز و روزه و ساير وظايف ، حلاوت و شيرينى پيدا كرد، حقايق و علوم را به راحتى يافته ، با آنكه ظاهرا دنبال آنها مى گشتم ولى آن سعى ناچيز كجا و آن همه نتايج كجا؟! (يعنى با اندكى تلاش ، بيشترين سهم در درك علوم و حقايق نصيبم مى شد).

بعد از اولين قدمهاى با حجاب شدنم ، ديگر همه قدمها را تندتر بر مى داشتم .

پيشرفت در اين مسير و پياده كردن حقايق خيلى با سرعت بود، ولى بعد از ٢ - ٣ سالى كه به همين منوال گذشت (البته بايد تذكر دهم كه پوششم ، دائم كاملتر مى شد تا اينكه در اواخر، مانتوى خيلى گشاد و تيره و روسرى بزرگ مى پوشيدم ) ولى انگار مانعى در جلوى راهم بود.

تا جايى رسيده بودم ، ولى بيشتر نمى توانستم بروم و دائم احساس وقفه و ركود مى كردم ، تا اينكه چادر پوشيدم .

اين پوشش ، بعد از يقين به بر حق بودنش ، همه آثار مفيد ذكر شده را به حدّ كمال خود داشت .

امنيت و راحتى را واقعا حس مى كردم .

از طرفى از اين كه توانسته بودم وظيفه اى را انجام دهم و پشت پا به بسيارى از وابستگى هاى دنيوى بزنم ، خود را آرام مى يافتم ...

از طرفى در جامعه كه حضور مى يافتم در مقابل آن همه زشتى ها و نگاههاى پست و آلوده به مقاصد ناپاك ، خود را حامل زرهى مى يافتم كه از اين حملات شيطان صفتان ، مرا حفظ مى كرد» (١٧٢)

خانم ل ، ق - معلّمه - تهران

فكر مى كنم زن اگر فطرتا سالم باشد و پيرو هوى و هوس و خودنمايى نباشد، دوست دارد كه حجاب و حائلى بين او و مرد نامحرم وجود داشته باشد، حتّى اگر اين حجاب در پايين ترين مرتبه باشد.

يك روز در دبيرستان در كلاس دينى يكى از همكلاسى هايم در برابر سؤ ال معلم كه در مورد حجاب بود.

اين مثال را آورد كه : اگر دو تخم مرغ را در معرض جريان هوا قرار دهيم در حالى كه يكى با پوست و ديگرى بدون پوست باشد، آن تخم مرغ پوست كنده زودتر در برابر جريان هوا خراب و فاسد مى شود، تا آن تخم مرغى كه در زير پوسته آن قرار دارد و مسلما افرادى كه داراى ذائقه سالم باشند در انتخاب اين دو تخم مرغ ، به سراغ آن تخم مرغى مى روند كه با پوست باشد».

زن هم همينطور است اگر زن بدون حجاب باشد، در برابر عوامل مختلفى كه در جامعه وجود دارد، زودتر آن صفا و پاكى خود را از دست مى دهد... من فكر مى كنم همه زنان و يا لااقل اكثريت قريب به اتفاق آنان فوايد ناشى از رعايت كردن حجاب را در جامعه مى دانند، اما برخى به خاطر اميال و هوسها و خودنمايى هاى خودشان حاضر نيستند كه آن را رعايت كنند.

بهترين و بيشترين فايده اى كه رعايت حجاب به ارمغان مى آورد، همانا حفظ آرامش روحى براى زن است .

يعنى همان چيزى كه زن به آن شديدا احتياج دارد بخصوص براى تربيت فرزندان لازم است و همينطور براى عدم دلهره و اضطراب ...

البتّه حجاب من قبلا در حد استفاده از يك چادر معمولى و بدون مقيد بودن به رو گرفتن بوده است ، اما همان موقع به خاطر اينكه در ميان دختران همسن و سال و بخصوص دختران فاميل تحقير نشوم ، از چادر متنفّر بودم و حجاب در حدّ معمولى را مى خواستم رعايت كنم ، اما همان موقع احساسصلى‌الله‌عليه‌وآلهمى كردم كه اين افراد بى حجاب انگار چيزى كم دارند و احساس مى كردم كه آنها نمى توانند تكيه گاه محكمى براى من باشند و گاهى اوقات از آنها مى ترسيدم و اگر هم يكوقت ، احساس عذاب وجدان و ناراحتى روحى مى كردم و از خودم بدم مى آمد.

حجاب كامل من از وقتى بود كه با حقايق و روح دين آشنا شدم و هر قدر بيشتر با اين حقايق آشنا مى شدم ، علاقه من به حجاب و بخصوص به چادر بيشتر مى شد... (١٧٣)

خانم ز، ف - معلّمه - تهران

«حجاب يكى از وسايلى است كه امكان تحقق بُعد معنوى را براى زن فراهم مى كند، بى حجابى يكى از مقدمات گرايش زن به بُعد غريزى مى تواند به شمار آيد و بخصوص در گرايش زن به بُعد عاطفى از طريق ايجاد حالات جلب توجه در برابر مردان ، مى تواند شخصيت او را وابسته به مرد ساخته ، اسير خواست او گرداند.

شخصيّتش آن مى شود كه مرد خواهان آن است ، و بدين لحاظ در جامعه هر روز به صورتى در مى آيد و به خودآرايى مى پردازد تا در اجتماعات ، بيشتر از سايرين (با توجه به بُعد غريزى) مورد توجّه مردان قرار گيرد (به جهت احتياج به ارضاء بُعد عاطفى در خود).

اين مسئله يكى از اساسى ترين مسائلى است كه مانع ترقّيات زن در بسيارى از ابعاد مى تواند به شمار آيد، از جمله : تحصيل علم و حتّى تكامل شخصيّت در اين جهان ...

با توسّل به حجاب ، از گوهر وجود خود مى توان محافظت كرد، چرا كه با بى حجابى ، تنها اين مورد نيست كه شخصيّتش به حد غريزى تنزل مى كند، بلكه زن نيز احساس خفّت و خوارى مى كند.

زن با حجاب احساس حقارت نمى كند، بلكه به عنوان يك شخصيّت مستقل به حساب مى آيد.

اگر در محيطى با مردان ناسالم مواجه شود، مطمئن است كه لااقل خود، موجد انحراف فكرى نيست و حساب مردان ناپاك ، پاى خودشان است كه به تناسب عدم تقواى مردان مختلف ، سركشى و معصيت شان پاى خودشان نوشته مى شود... (١٧٤)

خانم ن ، خ - دبير دينى - تهران

«... حجاب و پوشش است كه خود بخود زن را در پايگاه محكم و استوارى ، از خطرات جدّى كه او را تهديد مى كند، حفظ و نگهدارى مى نمايد. خطراتى كه نه تنها جسم او را، بلكه تا اعماق روحش را نيز در برمى گيرد و از زن ، يك موجود بى معنا و بى ارزش مى سازد و زمانى كه زن در نظر خود و ديگران موجود بى محتوا و بى ارزش تلقى شد، تن به هر پستى و ذلتى مى دهد و خود را فداى شهوات و هوسهاى هر فرد اسير دربند اَماره مى كند.

هنوز خاطرات شوم وضعيت زنان در رژيم گذشته از يادها نرفته كه به علت بى حجابى و عدم دسترسى به ايمان و تعاليم صحيح ، تبديل به عروسكهاى كوكى شده بودند كه كارشان از صبح تا شام اين بود كه پاى آينه بنشينند و به سر و صورت خود ور روند، تا مورد توجه هر بى سر و پايى در محيط ادارات ، گوى سبقت از يكديگر بربايند و به جاى كار و فعاليت سازنده ، مردان همكار خويش را نيز با آرايشها و پوشش هاى محرّك از كار بيندازند و آگاهانه و ناآگاهانه خود را مورد طمع هر بيمار دلى قرار دهند و بالاخره مانند برّه اى در دست گرگ ، با انواع حقه ها و حيله ها، گوهر عفت و عصمت را به رايگان از كف بدهند و به جاى اينكه انسان باشند و انسانى زندگى كنند، تنها وسيله و ابزارى شدند در دست هر شيّادى كه از او بهره بردارى جنسى كند.

اينجاست كه حجاب و پوشش ، زن را از طمع هر طمّاع و از مكر هر مكار، در امان نگه مى دارد و ريشه بدبختى هاى زن و حتى مرد و جامعه بشرى را مى خشكاند و سلامت روحى زن و پاكى محيط و خانواده و جامعه را تضمين مى كند و نطفه فساد و تباهى فرد و جامعه را كه نگاههاى هوس آلود به بدنهاى نيمه عريان است از بدو تشكيل ، از بين مى برد...

حجاب نقش مؤ ثرى در جهت حفظ بنيان خانواده ، پاكى و سلامتى روحيه ها و در امان نگه داشتن و آرامش و سكينه روح و روان انسانها دارد و جامعه را از خطر بيماريهاى روانى حاصله از شكست در ماجراهاى عشقى حفظ مى كند، چرا كه تجربه نشان داده كه كم نبوده اند جوانانى كه به علّت دل در گرو معشوق نهادن ، و عدم وصال و منجر نشدنش به ازدواج ، و خلاصه ناكامى در عشق ، دست به خودكشى زده يا پناه به الكل و اعتياد برده ، سرمايه عمر را به رايگان از دست داده اند و يا دچار بيماريهاى روحى و عصبى شده اند و يا در اثر اين شكست ، تحرك در درس و تحصيل و كار و فعاليت را از دست داده ، به عنصرى بيكار و ولگرد و طفيلى تبديل شده اند.

و نيز مى توان نقش مفيد حجاب را از اين دانست كه زنان ، خود بخود از پرداختن به شغلهاى مبتذل و از بين برنده شخصيت و انسانيت از قبيل مانكن شدن يا در كاباره ها به رقص و آواز مشغول شدن و يا در ادارات ملعبه رئيس و هر مرد فاسدى گرديدن ... مصون مى مانند.

البتّه آنچه كه نبايد فراموش كرد اين است كه قبل از حجاب ظاهرى ، زن و حتى مرد بايستى از حجاب باطنى و قبلى برخوردار باشند و قبل از همه ، مراقب دل و نيت خود باشند و الاّ آن آثار مفيد و مثبتى كه از حجاب و پوشش مورد نظر است ، بدون حجاب قلبى و باطنى به دست نخواهد آمد يا اثراتش كم مى شود، پس نقش مفيد حجاب ، اين است كه زن قبل از اينكه از بُعد غريزى مطرح باشد، در وهله اول ، انسان است و داراى گرايشها و استعدادهاى عاليه انسانى ، و شارع مقدس نيز همين را براى زن مى خواهد كه با قرار دادن پوشش براى زن ، در اجتماع ، زن را از بُعد معنوى و انسانى مطرح كند و از اين طريق ، شخصيت معنوى و ملكوتى زن را شكوفا كند... (١٧٥)

خانم م ، ز - دانشجو - تهران

«.. به غير از حجاب كامل ، هر نوع حجابى به نوعى بر ناامنى زن مى افزايد... زيرا حجاب ناقص هم ، خود به نوع ديگرى زن را جالبتر مى كند.

كسانى كه حجاب كاملى ندارند و يا مى خواهند توجيهى براى نوع حجابشان داشته باشند، مى گويند كه : حجاب مانع فعاليتهاى اجتماعى مى تواند باشد، و به عبارتى دست و پاگير است . اما در بانوان با حجاب بسيارى ، در مشاغل گوناگون ، در سمت هاى مختلف و فعاليتهاى اجتماعى متفاوت ،(از قبيل : پزشك ، مدّرس دانشگاه معلم و...) خلاف اين موضوع به خوبى اثبات مى گردد. سهل است كه اگر مسئله حجاب براى آنها مطرح نبود، نمى توانستند به اين اندازه و تا اين حد در اين فعاليت ها مؤ ثر باشند... و به علاوه زنان مؤ منه تحصيل كرده اى كه مراعات حريم حجاب را مى كنند، عملا از نظر مراتب معنوى و روحى و تقوى و تزكيه به ترقيّات بيشترى نائل مى گردند تا بانوانى كه در آن شرايط و با همان امتيازات عقلى و علمى ، بدحجابى را (كه خود نوعى تمرّد از حريم دين و سركشى به اوامر الهى بوده و با مقام «تسليم و رضا» منافات دارد) براى خود پيشه ساخته اند، زيرا در آن حال بهتر مى توانند نظر مردان هوسباز را به خود جلب كنند و عامل مؤ ثرى در كشاندن مردان به معصيت به شمار رفته ، خود شريك معاصى ديگران به شمار روند و در نتيجه از ترقيّات روحى و معنوى (به علّت عدم تقوى) محروم بمانند...» (١٧٦)

پى نوشت ها

۱- سوره نور: آيه ۳۰.

۲- حجاب بيانگر شخصيت زن : ص ۲۲.

۳- حجاب بيانگر شخصيت زن : ص ۲۸.

۴- همان مدرك .

۵- فروع كافى : ج ۵، ص ۵۱۹ / حجاب برترى : ص ۵۷.

۶- بحارالانوار: ج ۱۰۳، ص ۲۴۹ / حجاب برتر: ص ۶۳.

۷- سنن ترمذى : ج ۳، ص ۲۷ / حجاب برتر: ص ۷۳.

۸- مجمع البيان : ۷/۲۲ / حجاب برتر: ص ۹۱.

۹- نهج الفصاحه : ۳۶ / فلسفه حجاب : ۱۳۵.

۱۰- سنن ابى داود: ۲/۶۸۵ / فلسفه حجاب : ص ۱۳۶.

۱۱- وسائل الشيعه : ۱۴/۱۴۳/۱۴۲ / فلسفه حجاب : ص ۱۳۷.

۱۲- همان مدرك .

۱۳- پوشش زن : ۱۹ / فروع كافى : ۱۹۵.

۱۴- شهاب الاخيار / داستان زنان : ۱۱.

۱۵- گوهر صدف : ۳۹ / مستدرك حاكم : ۴۳۶.

۱۶- كنزالعمال : ۱۶/۳۷۹ / گوهر صدف : ۴۰.

۱۷- مستدرك الوسائل : ۲/۵۴۹، / آنچه بايد يك زن بداند: ۱۶۳.

۱۸- نهج البلاغه : نامه ۳۱ / حجاب برتر: ۵۶.

۱۹- بحارالانوار: ۸۳/۱۸۳ / حجاب برتر: ۶۰.

۲۰- ثواب الاعمال : ۲۰۱ / بحار: /۱۰۳/۲۴۳ / حجاب برتر: ۶۶.

۲۱- بحارالانوار: ۱۰۳/۲۴۳ / حجاب برتر: ۶۷.

۲۲- وسائل الشيعه : ۱۴/۱۹ / حجاب برتر: ۷۷.

۲۳- حجاب بيانگر شخصيت زن : ۷۷.

۲۴- فروع كافى : ۵/۱۹ / حجاب برتر: ۵۷.

۲۵- وسائل الشيعه : ۱۴/۱۳۴ / فلسفه حجاب برتر: ۱۳۸.

۲۶- وسائل الشيعه : ۱۴/۱۶۳ / فلسفه حجاب .

۲۷- بحارالانوار: ج ۸، ص ۳۰۹، روايت ۷۵، باب ۲۴.

۲۸- خواهرم حجاب سعادت است : ۱۴.

۲۹- فروع كافى : ج ۵، ص ۵۲۹.

۳۰- بحارالانوار: ۴۳/۵۴ / حجاب بيانگر شخصيت زن : ۱۱۷.

۳۱- روزنامه رسالت : ۲/۳/۶۶ به نقل از روزنامه مليّت چاپ آنكارا / حجاب بيانگر شخصيت زن : ۱۲۳.

۳۲- نقش حجاب در پيشرفت جامعه : ۴۵.

۳۳- نقش حجاب : ۳۴.

۳۴- نقش حجاب در پيشرفت جامعه : ۳۱.

۳۵- نقش حجاب در پيشرفت جامعه : ۲۵.

۳۶- ملحق روزنامه لبنانى النهار: سال ۱۹۷۲ م .

۳۷- نقش حجاب : ص ۳۸.

۳۸- نقش حجاب : ۳۶.

۳۹- مجلّه Sciencediyest: ص ۴۵، سپتامبر ۹۶۷.

۴۰- در جستجوى خوشبختى : ۳۶.

۴۱- آئين زندگى : ۱۸۲.

۴۲- مجله خواندنيها: شماره ۵۴۸.

۴۳- فلسفه حجاب : ۵۲.

۴۴- بنقل از مجله خانواده ارتشى شماره ۶۷ آذر ۶۵.

۴۵- كيهان : ش ۱۳۵۸۶ - ۲۲/ ۱/ ۶۸.

۴۶- جمهورى اسلامى : ۲۳/۹/۶۴.

۴۷- حجاب بيانگر شخصيت زن : ص ۷۶.

۴۸- تمثيلات جلد اول ۱۲۱.

۴۹- تمثيلات ج ۲ ص ۱۳۹.

۵۰- تمثيلات ج ۲ ص ۱۳۹.

۵۱- تمثيلات ج ۲ ص ۱۴۰.

۵۲- مجله پجئت ژوئن ۱۹۶۵ ص ۳۱ شماره ۱۲.

۵۳- عوامل فساد ۸۵.

۵۴- عوامل فساد ۸۵.

۵۵- مجله زن روز ش ۱۰۵.

۵۶- فلسفه حجاب ۵۸.

۵۷- مساله حجاب ۷۸.

۵۸- فلسفه حجاب : ۶۳.

۵۹- انسان موجود ناشناخته ص ۱۵۶ و ۱۲۷.

۶۰- آئين زندگى ص ۴.

۶۱- فسلفه حجاب ۵۰.

۶۲- احزاب : ۵۳.

۶۳- مبانى جرم شناسى ج ۲.

۶۴- فلسفه حجاب ۴۸.

۶۵- حجاب بيانگر شخصيت زن : ص ۷۶.

۶۶- فلسفه حجاب ۵۹۰.

۶۷- احزاب : ۵۹.

۶۸- فسلفه حجاب : ۳۴.

۶۹- روح بشرى : ص ۲۱۱.

۷۰- فلسفه حجاب ۳۷.

۷۱- فلسفه حجاب ۴۰۰.

۷۲- فروع كافى ج ۵ ص ۲۳۵ و ۲۳۴.

۷۳- فلسفه حجاب ۴۱.

۷۴- فسلفه حجاب ۴۲.

۷۵- حجاب بيانگر شخصيت زن ۸۵.

۷۶- پاسداران حجاب صفحه ۳۵.

۷۷- همان : ص ۲۵.

۷۸- همان : ص ۳۶.

۷۹- همان : ص ۳۶.

۸۰- همان : ص ۴۳.

۸۱- همان : ص ۴۴.

۸۲- همان : ص ۴۹.

۸۳- همان : ص ۵۰.

۸۴- همان : ص ۵۳.

۸۵- همان : ص ۵۴.

۸۶- همان : ص ۵۶.

۸۷- زن از ديدگاه اسلام صفحه ۱۵.

۸۸- حجاب بيانگر شخصيت زن صفحه ۸۹.

۸۹- حجاب بيانگر شخصيت زن ۹۳.

۹۰- حجاب بيانگر شخصيت زن صفحه ۹۳.

۹۱- حجاب بيانگر شخصيت زن صفحه ۱۱۸.

۹۲- حجاب بيانگر شخصيّت زن : ص ۱۲۱.

۹۳- حجاب بيانگر شخصيت زن صفحه ۳۰

۹۴- حجاب بيانگر شخصيت زن صفحه ۱۳۳.

۹۵- حجاب بيانگر شخصيت زن : ص ۱۳۶.

۹۶- اقتنابس از تاريخ ۲۰ ساله ايران ج ۴ - ص ۲۸۴ - ظهور و سقوط پهلوى ج ۱ ص ۶۸ و ۶۹. حجاب بيانگر شخصيت زن صفحه ۱۳۷.

۹۷- حجاب بيانگر شخصيت زن : ص ۱۴۱.

۹۸- پوشش زن در اسلام : ص ۴۸.

۹۹- پوشش زن در گستره تاريخ ص ۷.

۱۰۰- پوشش زن در گستره تاريخ ص ۸۸.

۱۰۱- پوشش زن در گستره تاريخ ص ۱۱۹.

۱۰۲- نكاتى از شخصيت اسلامى زن صفحه ۲۲.

۱۰۳- يكصد داستان خواندنى ۴۳.

۱۰۴- مثلها و پندها: ۸/۱۰۱.

۱۰۵- همان مدرك .

۱۰۶- مثل ها ۸/۱۸.

۱۰۷- لطيفه ها و خاطره ها: ص ۱۰۲.

۱۰۸- آنچه بايد يك زن بداند.

۱۰۹- آنچه بايد يك زن بداند: ص ۲۱۲.

۱۱۰- حجاب از نظر آيات و روايات و عقل : ص ۲۲۵.

۱۱۱- فلسفه حجاب : ص ۷۰.

۱۱۲- فلسفه حجاب : ص ۷۵.

۱۱۳- فلسفه حجاب : ص ۸۱.

۱۱۴- سوره اعراف آيه ۲۷.

۱۱۵- (نور۲۰) (۸۴ فلسفه حجاب).

۱۱۶- فلسفه حجاب : ص ۸۶.

۱۱۷- فلسفه حجاب : ص ۹۳.

۱۱۸- فلسفه حجاب : ص ۹۶.

۱۱۹- فلسفه حجاب : ص ۱۰۱.

۱۲۰- فلسفه حجاب : ص ۱۰۴.

۱۲۱- فلسفه حجاب : ۱۱۴.

۱۲۲- فلسفه حجاب : ۱۱۸.

۱۲۳- فلسفه حجاب : ص ۱۲۱.

۱۲۴- بحار / ۱۰۳ / ۲۵۰.

۱۲۵- كلمة الرسول ۴۴۹.

۱۲۶- فلسفه حجاب ۱۳۵.

۱۲۷- ناسخ التواريخ : ۲.

۱۲۸- وسائل الشيعه : ۱۴/۱۸۵.

۱۲۹- سنن ابن داوود ۲/۶۸۵.

۱۳۰- سنن ابن داوود ۱/۱۰۹.

۱۳۱- ۲ - وسائل الشيعه : ۱۴/۱۴۲ و ۱۴۳.

۱۳۲- همان مدرك : ۱۴۳.

۱۳۳- كلمة الرسول : ۴۱۳.

۱۳۴- وسائل الشيعه ۱۴/۱۷۳.

۱۳۵- وسايل الشيعه ۱۴/۱۴۳.

۱۳۶- تحرير الوسيله ۲/۲۴۵.

۱۳۷- وسايل ۱۴/۱۷۳.

۱۳۸- وسايل ۱۴/۱۶۳.

۱۳۹- بحار ۲۵۸/۱۰۳.

۱۴۰- فلسفه حجاب : ص ۱۳۳.

۱۴۱- خودكشى : ص ۱۵.

۱۴۲- خودكشى : ص ۶۵.

۱۴۳- خودكشى : ص ۷۳.

۱۴۴- تمثيلات : ج ۲ ص ۱۴۰.

۱۴۵- خودكشى : ص ۸۶.

۱۴۶- چشم ، نگاه و چشمك : ص ۴۹.

۱۴۷- خودكشى : ص ۱۸۳.

۱۴۸- خودكشى : ص ۱۵۳.

۱۴۹- خودكشى : ص ۱۵۸.

۱۵۰- گوهر صدف : ص ۴۸.

۱۵۱- گوهر صدف : ص ۵۴.

۱۵۲- گوهر صدف : ص ۵۵.

۱۵۳- همان : ص ۵۷.

۱۵۴- همان : ص ۵۸.

۱۵۵- همان : ص ۵۹.

۱۵۶- همان : ص ۶۰.

۱۵۷- همان : ص ۵۸.

۱۵۸- چشم ، نگاه و چشمك : ص ۳۸.

۱۵۹- چشم ، نگاه و چشمك : ص ۴۱.

۱۶۰- وسائل ۷/۱۰۹.

۱۶۱- چشم ، نگاه و چشمك : ص ۵۲.

۱۶۲- چشم ، نگاه و چشمك : ص ۱۸۲.

۱۶۳- بلوغ و غريزه جنسى : ص ۱۴۵.

۱۶۴- بلوغ و غريزه جنسى : ص ۱۶۴.

۱۶۵- دكتر احمد صبور اردوبادى ، آئين بهزيستى اسلام ، دفتر نشر فرهنگ اسلامى ، تهران ، چاپ دوم ، جلد سوم ، ص ۲۱۹

۱۶۶- همان كتاب ، ص ۲۲۵ تا ۲۲۷.

۱۶۷- همان كتاب ، ص ۲۴۷ تا ۲۴۸.

۱۶۸- همان كتاب ، ص ۲۴۸.

۱۶۹- همان كتاب ، ص ۲۱۴.

۱۷۰- همان كتاب ، ص ۲۱۵ - ۲۱۶.

۱۷۱- همان كتاب ، ص ۲۱۷.

۱۷۲- همان كتاب ، ص ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹.

۱۷۳- همان كتاب ، ص ۲۲۹ - ۲۳۰.

۱۷۴- همان كتاب ، ص ۲۳۸ - ۲۴۰.

۱۷۵- همان كتاب : ص ۲۷۰ - ۲۷۱.

۱۷۶- همان كتاب ، ص ۳۰۴.

فهرست مطالب

[مقدمه 2](#_Toc444252779)

[حجاب فرمان خداست 5](#_Toc444252780)

[حجاب در كتاب آسمانى 6](#_Toc444252781)

[حجاب در قرآن 9](#_Toc444252782)

[حجاب و عفت 11](#_Toc444252783)

[حجاب از نظر پيغمبر (صلى‌الله‌عليه‌وآله) 13](#_Toc444252784)

[حجاب از نظر على عليه‌السلام 16](#_Toc444252785)

[حجاب از نظر ائمه 19](#_Toc444252786)

[عذاب زنان 20](#_Toc444252787)

[مسيحى كه مسلمان شد 23](#_Toc444252788)

[گرسنه شكم و شهوت 27](#_Toc444252789)

[سئوال پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآله 29](#_Toc444252790)

[دختر شجاع 30](#_Toc444252791)

[مفاسد بى حجابى يا بدحجابى 31](#_Toc444252792)

[بى حجابى يا بدحجاب وباى اجتماع 34](#_Toc444252793)

[مقايسه بين بى حجابى يا بدحجابى و حجاب اسلامى 36](#_Toc444252794)

[حجاب و آرامش 38](#_Toc444252795)

[بى حجابى يا بد حجابى يعنى بدبختى و نكبت و گرفتارى 39](#_Toc444252796)

[بى حجابى يا بد حجابى باعث سقط جنين 41](#_Toc444252797)

[بى حجابى يا بدحجابى باعث بيمارى هاى خطرناك 42](#_Toc444252798)

[بى حجابى يا بد حجابى عامل خودكشى ها 43](#_Toc444252799)

[آژيرهاى خطر 45](#_Toc444252800)

[بدحجابى و قتل 46](#_Toc444252801)

[بدحجابى و كشتار 47](#_Toc444252802)

[تمثيلات حجاب 48](#_Toc444252803)

[رمز زيبايى 49](#_Toc444252804)

[حجاب عامل استحكام خانواده ها 51](#_Toc444252805)

[حجاب همچون سدى آهنين 54](#_Toc444252806)

[بى حجابى يا بدحجابى باعث فشارهاى روانى 57](#_Toc444252807)

[بى حجابى يا بدحجابى يعنى كمبود شخصيت 59](#_Toc444252808)

[بى حجابى يا بدحجابى باعث از هم گسيختگى جامعه است 61](#_Toc444252809)

[آمار فساد 62](#_Toc444252810)

[زن با حجاب مانند گوهر در صدف 63](#_Toc444252811)

[بى حجابى يا بدحجابى يعنى تنزّل شخصيت زن 64](#_Toc444252812)

[بى حجابى يا بدحجابى يعنى تنزّل شخصيت زن 65](#_Toc444252813)

[حجاب يعنى شكوفايى استعدادها 67](#_Toc444252814)

[ايرادهاى مخالفان حجاب 68](#_Toc444252815)

[پاسخ به اشكالات 70](#_Toc444252816)

[دخترك مسيحى در رشت 74](#_Toc444252817)

[خاطره اى از آيت اللّه مرواريد 75](#_Toc444252818)

[خاطره حجاب زنى از كشمير 76](#_Toc444252819)

[طاغوتى ها از حجاب مى ترسند 77](#_Toc444252820)

[حجاب زن آلمانى 78](#_Toc444252821)

[بهترين خدمت به نسل جوان 80](#_Toc444252822)

[خاطره اى از امام خمينى در مورد حجاب 82](#_Toc444252823)

[نصايح خانم مجتهده امين 83](#_Toc444252824)

[سخنى از حجة الاسلام قرائتى در مورد حجاب 85](#_Toc444252825)

[مقابله با بى حجابى 86](#_Toc444252826)

[چادر نورانى 87](#_Toc444252827)

[حجاب در اجتماع 88](#_Toc444252828)

[حجاب و نماز 89](#_Toc444252829)

[الگوى زنان 90](#_Toc444252830)

[زن در اجتماع 91](#_Toc444252831)

[اعتراض شديد زينب (عليها‌السلام) به يزيد 93](#_Toc444252832)

[شهادت آيت اللّه آقا زاده در راه مبارزه با بى حجابى 94](#_Toc444252833)

[چند فراز از گفتار شهيد مطهرى پيرامون حجاب 95](#_Toc444252834)

[چند فراز از گفتار شهيد مطهرى پيرامون حجاب 96](#_Toc444252835)

[عوامل بى حجابى يا بدحجابى 98](#_Toc444252836)

[رضاخان مامور كشف حجاب 100](#_Toc444252837)

[زن بى حجاب 102](#_Toc444252838)

[علّت شكست سپاه موسى عليه‌السلام 103](#_Toc444252839)

[حقيقت زن 106](#_Toc444252840)

[هتاكى و خشونت براى مبارزه حجاب 108](#_Toc444252841)

[چادر سياه سرگرفتن زنها از چه زمانى آغاز شد 111](#_Toc444252842)

[انهدام خانواده 112](#_Toc444252843)

[جنايتهاى خاندان پهلوى 113](#_Toc444252844)

[حقانيت حجاب 115](#_Toc444252845)

[پر طاووس 116](#_Toc444252846)

[بخشنامه ضد حجاب 118](#_Toc444252847)

[ارزشهاى گرانقدر حجاب 120](#_Toc444252848)

[توصيه چارلى چاپلين به دخترش 123](#_Toc444252849)

[فساد و سقوط اجتماع 125](#_Toc444252850)

[شكست مسلمانان و زوال اسلام در اندلس 126](#_Toc444252851)

[گفته ها 128](#_Toc444252852)

[عاقبت انديشى 129](#_Toc444252853)

[حجاب پيام عاشورا 130](#_Toc444252854)

[تاريخچه بى حجابى 133](#_Toc444252855)

[اهداف استعمار از كشف حجاب 137](#_Toc444252856)

[شيوه هاى استعمار در انتشار فساد 139](#_Toc444252857)

[بحران روسرى نشانه وحشت غرب 142](#_Toc444252858)

[بى حجابى و فساد 145](#_Toc444252859)

[آيا فاطمه را شناخته ايم 146](#_Toc444252860)

[چهل سال او را نديده 148](#_Toc444252861)

[كيفيت پوشش اسلامى يا «(حد حجاب») 149](#_Toc444252862)

[لباس زنان 151](#_Toc444252863)

[حجاب از ديدگاه احاديث 153](#_Toc444252864)

[اختلاط زن و مرد 155](#_Toc444252865)

[دست دادن (مصافحه) بانامحرم 156](#_Toc444252866)

[شوخى با نامحرم 157](#_Toc444252867)

[تشبيه زن به مرد و بالعكس 158](#_Toc444252868)

[ترفندهاى استعمار 159](#_Toc444252869)

[فروش زن 160](#_Toc444252870)

[شوهر عاشق 161](#_Toc444252871)

[حجاب گل باز نشده 162](#_Toc444252872)

[قتل در خواب 164](#_Toc444252873)

[لباسهاى جلف 166](#_Toc444252874)

[مثل اين باشيد 168](#_Toc444252875)

[پند 169](#_Toc444252876)

[نتيجه بدحجابى 170](#_Toc444252877)

[حجاب و عفت در كربلا 172](#_Toc444252878)

[پدر حجاب 173](#_Toc444252879)

[شهيد راه ولايت و حجاب 174](#_Toc444252880)

[الگوى تقوى 175](#_Toc444252881)

[ظاهر سازى 176](#_Toc444252882)

[ملاك برترى 178](#_Toc444252883)

[مسئله 181](#_Toc444252884)

[ناپاكى ، شكست جامعه 182](#_Toc444252885)

[زنا و زنان 183](#_Toc444252886)

[محرم و نامحرم 187](#_Toc444252887)

[هشدار 191](#_Toc444252888)

[موعظه 193](#_Toc444252889)

[اثر كتابهاى دينى 195](#_Toc444252890)

[انواع بدحجابها 197](#_Toc444252891)

[فهرست مطالب 222](#_Toc444252892)